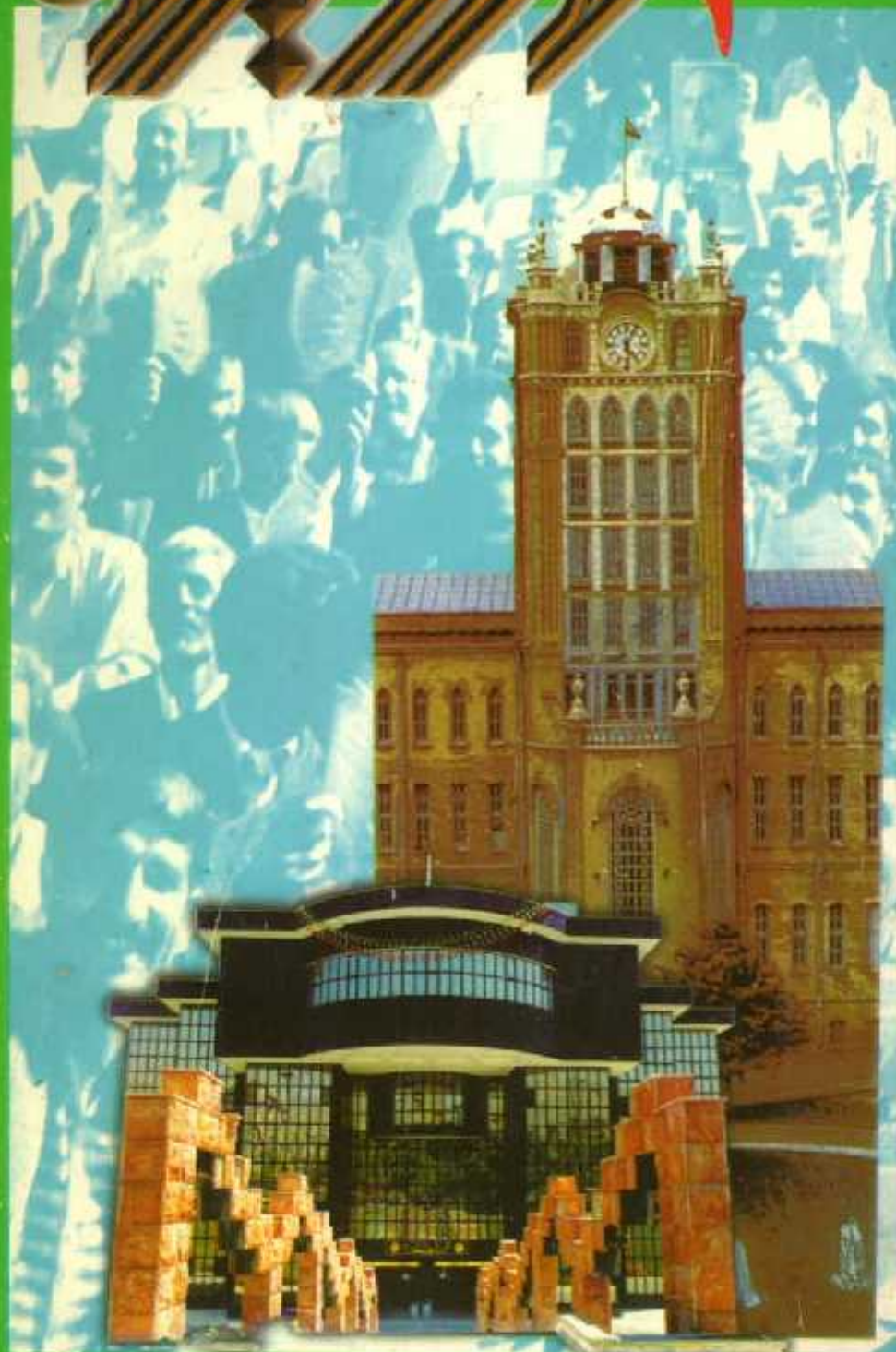


تجدید

مؤسسه علمی، پژوهشی، آموزشی، اطلاع رسانی
برنامه ریزی و مدیریت شهری

نوره جدید - سال اول - شماره ۱ - خرداد ۱۳۷۸
۶۸ صفحه - ۲۰۰۰ ریال



- شهرهای اسلامی شهر و جانشین ما
- نظامی در نظریه شهرسازی
- مدیریت ترافیک - عناصر پیاده روی
- نظامی در جغرافیای اسلامی
- جغرافیای اسلامی شهرسازی
- مدیریت شهرهای اسلامی
- در آرزوی شهر
- مدیریت ترافیک - شهرهای اسلامی
- مدیریت ترافیک - شهرهای اسلامی
- مدیریت ترافیک - شهرهای اسلامی

۹ اردیبهشت ۱۳۷۸ ه.ش
شوراها: مشارکت فعال مردم در اداره
امور شهرها

۱۲ خرداد ۱۲۸۶ ه.ش
سالروز تصویب قانون بلدیہ
(سرآغاز مدیریت نوین شهری در ایران)



شهریارها

مأماتسه علمی، پژوهشی، آموزشی، اطلاع‌رسانی
برنامه‌ریزی و مدیریت شهری
سال اول - دوره جدید - خرداد ۱۳۷۸



- ۴ یادداشت سردبیر
- ۴ گزارش اصلی
- ۵ شوراهای اسلامی شهر و چالش‌ها / زهرا تشکر
- ۵ مقاله
- ۱۶ کنکاشی در مفهوم شهرداری / نوید سعیدی رضوانی
- ۱۶ گفتگو
- ۲۰ مدیریت ترافیک: عابر پیاده یا خودرو / غلامرضا طالبی
- ۲۰ سازمان‌های بین‌المللی
- ۲۷ آشنایی با کمیته فنی بین‌المللی پیشگیری و اطفاء حریق (ITIF): دبیرخانه ستاد
- ۲۷ هماهنگی امور ایمنی و آتش‌نشانی
- ۲۹ بیانیه جهانی ۱۹۹۸ IALA در زمینه نقش زنان در حکومت محلی / ترجمه: لیلا بیرشایان
- ۲۹ قانون شهر
- ۳۲ مبنای حقوق اساسی قانون شوراهای اسلامی کشوری / کامبیز نوروزی
- ۳۲ نگاه دیگران
- ۳۵ مشهد از نگاه سیاحان / غلامرضا طالبی
- ۳۵ عمارت نو
- ۴۰ بعد از سالها مترو / آتوسا راوش
- ۴۰ شهر دیگران
- ۴۰ گردشگری منبع اشتغال و درآمد: تجربه شهرداری هالیفاکس کانادا
- ۴۲ ترجمه: شریف ادیب سلطانی
- ۴۷ تجربه حکومت‌های محلی در اروپا و ترکیه / ترجمه: رضا رسولی
- ۴۷ گزارش خبری
- ۴۹ گزارش همایش منطقه‌ای مدیریت مواد زائد جامد - کیش / شهرزاد شریبانی
- ۴۹ شهرهای اسلامی
- ۵۴ درآمدی بر ریخت‌شناسی شهرهای اسلامی / غلامرضا طالبی
- ۶۰ تازه‌های نشر
- ۶۴ با مخاطب
- ۶۶ چکیده مقالات (انگلیسی)

♦♦ صاحب امتیاز: وزارت کشور - سازمان شهرداریها

♦♦ مدیر مسئول: احمد خرم

♦♦ سردبیر: علی توندور

♦♦ مشاور علمی پژوهشی سردبیر: دیرمحمد دلچانی حسینی

♦♦ هیئت تحریریه: سرویس علمی پژوهشی - نوید سعیدی رضوانی / سرویس فرهنگی اجتماعی - زهرا تشکر / سرویس بین‌المللی: حسن شفیعی

♦♦ همکاران این شماره: محمد اسلامی / اسماعیل هنامی / شعبانعلی بهرام‌پور / شهرزاد شریبانی / آتوسا راوش / لیلا بیرشایان

♦♦ مدیر پروژه: زهرا تشکر

♦♦ ویرایش و تصحیح: غلامرضا طالبی

♦♦ تولید و انتشار: مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران

♦♦ امور هنری و فنی: معاونت فنی مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران



یادداشت سردبیر

که در بحثها و گفتمانهای شهرداران، معاونان امور عمرانی، مدیران دفاتر شهر و روستا و دفاتر فنی استانداریها و نیز کادر ستادی حوزه معاونت هماهنگی امور عمران وزارت کشور در نشستهای تخصصی و سمینارهای مختلف بیان شده است. بدیهی است انتشار این نشریه در این برهه از تاریخ کشور - که مردم با انتخاب اعضا شوراهای در اداره امور شهرها مشارکت جسته‌اند و نهاد شوراها و شهرداریها به‌عنوان بستر ایجاد جامعه مدنی مورد توجه و تأکید مدیران و برنامه‌ریزان شهری است - می‌تواند اثرات تعیین‌کننده‌ای در رشد و ارتقای دانش فنی و تخصصی مدیران و کارکنان سازمان مدیریت شهری داشته باشد.

در این نشریه سعی خواهد شد با توجه به وظایف قانونی شهرداریها، به موضوعات و مسایل مبتلابه شهرها و مدیریت شهری پرداخته شود و ضمن انتقال تجارب مفید شهرسازی و مدیریت شهری در کشورهای دیگر و تبیین صحیح مسایل و مشکلات شهری، راهکارهای اساسی برای برخورد صحیح و اصولی با آنها نیز ارائه گردد. همچنین انعکاس تجارب موفق شهرداریها، در راستای انتقال تجارب و تشویق مدیران شهری، سرلوحه کار نشریه خواهد بود.

امید است در دوره جدید انتشار نشریه شهرداریها، همکاران حوزه ستادی و صف وزارت کشور با برخوردی فعال و انگیزه‌مند در پربار کردن هرچه بیشتر محتوا و کیفیت مطالب نشریه از هرگونه مساعدتی دریغ نورزند.

این نشریه به‌عنوان ارگان سازمان شهرداریهای کشور، تصویرگر کلیه فعالیتها و تلاشهای بی‌وقفه و دلسوزانه تمامی همکاران گرامی در شوراهای شهر، شهرداریها و استانداریها خواهد بود. از این رو، انتظار مساعدت و همیاری کلیه همکاران، بویژه رابطین خبری نشریه در استانداریها، را در تمامی مراحل کار منطقی و موجه می‌داند.

به امید انتشار مستمر نشریه شهرداریها

چهل‌وسه سال از انتشار اولین شماره نشریه شهرداریها می‌گذرد؛ نشریه‌ای که از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۴۹ طی مدت چهارده سال در یکصدوسی و چهار شماره به‌صورت مستمر منتشر گردید. هدف از انتشار این نشریه، به‌عنوان ارگان اتحادیه شهرداریهای کشور «استفاده از تجارب و مطالعات افراد بصیر و معرفی روشهای صحیح مالی، اداری و فنی» در راستای بنیانگذاری اصول نوین اداره شهر بود. در این نشریه موضوعاتی نظیر مدیریت شهری در ایران و جهان، اداره امور شهرداریها، ارتباط مردم با شهرداریها، انجمن شهر، محیط زیست، فضای سبز، تجهیزات و تأسیسات شهری و ترافیک درون شهری و طرحهای توسعه شهری مطرح می‌شد. محتوای نشریه نشان می‌دهد که موضوعات مورد بررسی از تنوع مطلوبی برخوردار بوده و سعی شده است که در مورد تمامی وظایف قانون شهرداریها مطالب فنی و تخصصی به‌رشته تحریر درآید.

این جهت‌گیری موجب شده بود که در مجموع، کیفیت و تعداد مقالات و مباحث مطروحه، نسبت به شرایط آن زمان، مطلوب به نظر آید.

براساس اطلاعات بخش مجلات کتابخانه ملی ایران، آخرین شماره این نشریه در فروردین ۱۳۴۹ منتشر گردید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، انتشار نشریه شهرداریها مجدداً از مرداد سال ۱۳۵۸ آغاز شد، اما اطلاع دقیقی از تعداد نسخ منتشرشده و تاریخ توقف نشریه در دست نیست. از جمله موضوعات منتشرشده در دوره جدید می‌توان به مسائلی چون اداره امور مالی شهرداری، تأثیر انقلاب در شهرداری، ارتباط شهرداری با جامعه و حاشیه‌نشینی اشاره نمود.

اکنون پس از ۴۳ سال در سالروز تصویب قانون بلدیته (۱۲ خرداد ۱۳۸۶ ه. ش) بار دیگر ضرورت انتشار نشریه شهرداریها به صورت بسیار جدی مطرح شده است؛ ضرورتی

شوراهای اسلامی شهر و چالشها

♦ زهرا تشکر

هر از چندگاهی، اینجا و آنجا کسی می‌پرسد «از شوراهای چه خبر؟»

پس از یک دوره خستگی از تپوتاب انتخاباتی، اردیبهشت ۱۳۷۸، شوراهای کناره‌رسمی خود را شروع کردند. بلا تکلیفی شهرداریها هم پایانی داشت.

یک دوره نزدیک به یک قرن مذاکرات مجلسهای مختلف قانونگذاری، مصوبات هیئت دولت و... نشان می‌دهد که مسئله شوراهای و باور به مشارکت مردم در سرنوشت خود، همواره بر وجدان دستگاههای قانونی و اجرایی سنگینی می‌کرده است. تحقق شوراهای نیز همیشه تابع شرایط اجتماعی - سیاسی بوده است. همواره در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی شوراهای و تحقق آنها در اولویتهای آخر قرار گرفته است، این نکته را اگر به عدم درک ضرورت تحقق شوراهای از سوی مردم علاوه کنیم، معطل ماندن شوراهای دلایل خود را بازمی‌یابد.

اکنون تپوتابها خوابیده است و فرصت تعمق بیشتر و بحثهای جدیتر درباره نظایف و دقایق امر شوراهای فراهم شده است. از این روست که گزارشی که خواهید خواند سعی می‌کند بر مطالبی انگشت گذارد که در گفتن اجتماعی شوراهای کمتر به آنها پرداخته شده است. لذا بررسیهای بیشتری را نیز می‌طلبد.

هیچگاه به مرحله اجرا درنیامد. شرایط نابسامان سالهای انقلاب مشروطیت و پس از آن آغاز دوران پهلوی اول، فرصت تحقق را از این قانون گرفت و فقط هر از چندگاهی تغییراتی جزئی در مصوبه‌های مربوط به آن در مجلس به‌مشورت گذاشته می‌شد.

سالهای ملی‌شدن نفت در دهه ۳۰، بخصوص سال ۱۳۲۸ ه.ش را می‌توان در ایجاد شوراهای فرازی به‌حساب آورد. در چهارم مرداد همین سال، قانون تشکیل شهرداری و انجمن شهر به تصویب مجلس رسید و قوانین گذشته را لغو کرد. در این قانون، از «شهرداری» به جای «بلدیه» و از «انجمن شهر» به جای «انجمن

وقتی مستشارالدوله و تقی‌زاده و چهارتن دیگر از نمایندگان مردم در نخستین مجلس قانونگذاری، پس از اعلام فرمان مشروطیت، متمم قانون اساسی را تهیه می‌کردند، هرگز فکر نمی‌کردند که تحقق آنچه در اصول ۲۹، ۹۰ تا ۹۳ متمم تنظیم کرده بودند بیش از ۹۰ سال طول بکشد! آنها با آوردن این اصول، در واقع، نخستین گام را برای اداره امور شهرها توسط مردم تحت نام «انجمنهای ایالتی و ولایتی» برداشته بودند. علاقه مجلسیان دیگر به این امر با تصویب متمم قانون اساسی در این باره مشخص گردید.

قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی تقریباً

بلدی» نام برده شد.

با شروع اصلاحات ارضی در سالهای آغازین دههٔ چهل، «قانون تشکیل انجمنهای ده و اصلاح امور اجتماعی و عمران دهات» مصوب ۷ شهریور ۱۳۳۲، قدرت مدیریت سیاسی و اجتماعی روستا را به انجمن ده واگذار نمود. این قانون در اسفند ۱۳۵۳ با تصویب «قانون تشکیل انجمن ده و دهیانی» تغییر بنیادی یافت و با وجود اصلاحات مجدد تا پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷ به فعالیت خود ادامه داد.

رژیم پهلوی دوم در ۳۰ خرداد ۱۳۴۹ «قانون تشکیل انجمنهای شهرستان و استان» را نیز به تصویب رساند تا اصول قانون اساسی مشروطه را در زمینهٔ تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی به اجرا گذارد.

این نامهٔ اجرایی شوراهای را به شورای انقلاب داد و جهت تهیه این آیین نامه، کمیسیونی مرکب از عده‌ای حقوقدان تشکیل شد و سرانجام در ۳۰ تیرماه همین سال، قانون شوراهای محلی به تصویب شورای انقلاب رسید. اما تحت تأثیر جو پرتنش پس از انقلاب خبری از تحقق این قانون به چشم نمی‌خورد.

مرحوم آیه‌الله طالقانی در آخرین نماز خود در عید فطر ۱۳۵۸ اعتراض خود را نسبت به عدم اجرای شوراهای بیان داشت. پس از فوت ایشان به دلیل تأثیر این اعتراض، در جلسهٔ عمومی مجلس خبرگان، اصل هفتم دربارهٔ شوراهای مجدداً مطرح و به بحث گذاشته شد و به تصویب رسید. در ۲۸ شهریور ۱۳۵۸ وزیر کشور وقت و عدهٔ تشکیل شوراهای را در آینده‌ای

یکی از دلایل اصلی آن است که نادیده گرفتن یا به تعویق انداختن اصل یا اصولی از قانون اساسی به عنوان سمبل خواستها و اهداف یک نظام، موجه نیست و لذا تحقق شوراهای به عنوان یک اصل یا یک فصل معطل مانده از قانون اساسی، فی نفسه مسئولان و مسئولان را موظف می‌کند که به تشکیل آن اهتمام جدی بورزند

تصمیم برای تشکیل شوراهای در واقع پاسخی است به درخواست مردم برای مشارکت. چرا که زمان آن رسیده بود که دولت دیگر نمی‌توانست به ظرفیت و درخواست مشارکت مردم بی توجه باشد

بسیار نزدیک داد و در دوم مهرماه همین سال برگزاری انتخابات در ۱۵۶ شهر اعلام شد و روز ۱۹ مهر موعد ثبت نام و صدور برگهٔ انتخاب و ۲۰ مهر روز رأی‌گیری تعیین گردید. روز موعود فرارسید و انتخابات شورای شهر در اغلب شهرهای کشور برگزار شد.

تجربهٔ نخستین دورهٔ انتخابات شورای شهر به افزایش تشنج انجامید و پس از سه روز وزیر کشور وقت با اعتراف به عدم استقبال مناسب مردم، علت را در عدم آگاهی مردم نسبت به نقش شوراهای دانست و اظهار امیدواری کرد که عملکرد یک دوره شورا بتواند مردم را نسبت به آن آشنا گرداند.

از این پس، شورای شهر قم تنها شورایی است که تشکیل خود را در سوم آبان ۱۳۵۸ اعلام می‌نماید، اما پس از مدتی به دلیل

در تبوتاب حوادث انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، امام خمینی(ره) در پاریس اعلام نمود که به محض سقوط رژیم شاه، شوراهای در هر منطقه تشکیل خواهد شد و اختیارات مناطق را به دست خواهد گرفت. به همین دلیل هم بود که پس از پیروزی انقلاب، تشکیل شوراهای برای مردم امری بدیهی تلقی می‌گردید و به عنوان نمونه، شوراهای محلات، شوراهای هماهنگی، صنفی، کارخانجات و... تشکیل گردید.

پس از پیروزی انقلاب کسانی مانند مرحوم آیه‌الله طالقانی با نیت جلوگیری از تمرکز تصمیم‌گیری، به دفاع از طرح تشکیل شورا پرداختند. با پیگیری‌های آنان بود که در تاریخ ۲۵ فروردین ۱۳۵۸ در سنج انتخاباتی برگزار شد و ۱۱ نفر از سوی مردم انتخاب شدند. در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸ امام خمینی(ره) فرمان تهیه

شد چرا که آقای خاتمی یکی از برنامه‌های خود را گسترش جامعه مدنی اعلام کرد و به یکی از شرایط آن یعنی تشکیل شوراهای مردمی تأکید ورزید.

اولین خبر تشکیل شوراهای در ۱۳۷۶/۶/۱ در جلسه معارفه وزیر کشور وقت (عبدالله نوری) به اطلاع عموم رسید و سرفصل برنامه وزارت کشور، برگزاری انتخابات شوراهای اسلامی اعلام گردید. سرانجام پس از بحث و گفتگوی بسیار، داوطلبان انتخابات شورای شهر از دوشنبه هفتم دی ماه ۱۳۷۷ تا یک هفته پس از آن، آمادگی خود را برای عضویت شورای شهر اعلام نمودند و روز جمعه ۱۳۷۷/۱۲/۷ انتخابات با استقبال گسترده مردم برگزار گردید. اکنون پس از پشت سر گذاشتن یک دوره تبه‌وتاب

مشخص نبودن حدود اختیارات و وظایف و وجود بلا تکلیفی در تصمیماتش با دادن یک فرصت ۱۰ روزه به وزارت کشور استعفا می‌کند. بدین ترتیب، عمر کوتاه شوراهای عملاً به سر آمد. پس از این دوره فقط هرازچندگاهی خبری از تصویب یا اصلاح قانونی در مورد شوراهای می‌شنویم. از جمله:

- قانون تشکیل شوراهای اسلامی، مصوب ۱۳۶۱/۹/۱

- ماده واحده اضافه شدن یک تبصره به ماده ۵۳ قانون تشکیلات شورای اسلامی، مورخ ۱۳۶۴/۷/۲۸

- قانون اصلاح پاره‌ای از مواد قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشور، مصوب ۱۳۶۱/۹/۱ و قانون اصلاح تشکیلات شوراهای اسلامی



انتخاباتی، تقریباً تمامی اعضای شوراهای شهر در همه شهرها مشخص شده‌اند و باید هرچه زودتر بتوانند با شروع به کار خود از شور مردمی انتخابات به نفع برنامه‌ریزیها و فعالیتها بهره ببرند. در آستانه تشکیل جدی شوراهای، بحثها و مسائل عمیقتری وجود دارد که در این گزارش به برخی از آنها خواهیم پرداخت.

چرا اینهمه پافشاری؟

در مورد ضرورت برگزاری انتخابات شوراهای راه‌اندازی آن تحلیلهای مختلفی ارائه شده است. اینکه چرا دولت خاتمی عهده‌دار اجرای این اصل قانونی اساسی شد، پاسخهای مختلفی را برانگیخته است. برخی گفتند اصرار دولت خاتمی بر این امر به دلیل طرح شعارهای انتخاباتی و به تبع آن، آرای مردم است که این

کشوری و انتخابات شوراهای مزبور در تاریخ ۱۳۶۵/۲/۲۹، مصوب ۱۳۶۹/۹/۵

- قانون الحاق مواد به قانون انتخابات شوراهای اسلامی کشور، مصوب ۱۳۷۰/۲/۱
- قانون تشکیلات، وظایف و اختیارات شوراهای اسلامی کشور و انتخابات شهرداران، مصوب ۱۳۷۵/۲/۱

- تأکید مجلس بر تشکیل شوراهای که طی مصوبه‌ای در ۱۳۷۲/۲/۴ اعلام نمود انتخابات شوراهای حداکثر تا سال آینده باید اجرا شود.

البته در طول مدتی که ذکر آن رفت شوراهای مقطعی مانند شوراهای اداری، برنامه‌ریزی، روستایی، صیادان، محلات در برخی شهرها و... تشکیل شد اما مسئله شوراهای تشکیل آن در جریان رقابتهای انتخاباتی ریاست جمهوری سال ۱۳۷۵ دوباره مسئله روز کشور

سپری کردن دو دهه از انقلاب و پشت سر گذاشتن برخی شرایط نامساعد، زمان مقتضی برای سپردن اختیارات به مردم و جدیت در امر تشکیل شوراهای فراهم شده است.

تحقق شوراهای، اقدامی مفید

علاوه بر دلایلی که در سطح کلان می‌تواند وجود شوراهای امری ضروری جلوه دهد، سؤال اینجاست که وجود چنین ساختاری در طراحی نظام کشور ما تا چه حد مفید و کارکردی است؟ آقای شجاعی زند با توجه به تجربیات کشورهای دیگر معتقد است که تشکیل شوراهای می‌تواند نظام را کارآمدتر سازد و ساختار برنامه‌ریزی کشور ما را بهینه‌تر نماید. توزیع امکانات را منطقی‌تر کند و از توان عظیم مردم استفاده بهتری برای پیشبرد اهداف و رفع مشکلات بشود. از نظر ایشان علاوه بر اینکه تشکیل شوراهای مفید، کارآمد و کارکردی است در شرایط کشور ما امری اجتناب‌ناپذیر نیز هست.

آقای شجاعی زند در این باره می‌افزاید: ما در شرایطی هستیم که دولت دیگر به پشتوانه نفت نمی‌تواند کشور را اداره کند. یعنی شرایطی که دولت از موقعیتی خاص برخوردار بوده و با تکیه بر چنین درآمد سرشاری می‌توانسته مستقیماً و بدون نیاز به مساعدت و مشارکت مردم، کشور را اداره کند و دولتی اقتدارگرا باشد، به سرآمده است. دیگر نمی‌توان در آینده به درآمدهای نفتی امیدوار بود با آن را برای مصرف جاری و روزانه مردم صرف کرد.

از این جهت ما در مرحله‌ای هستیم که باید از درآمدهای نفتی قسط امید کنیم و به درآمدهایی اتکا کنیم که از درون جامعه می‌جوشد. لذا سواى بحث اداره کلان کشور، مسئله اداره محدوده‌های شهری، شهرک و روستاهاست که بدهی است باید با هزینه‌های خود مردم صورت بگیرد.

از این منظر هم باید توجه داشت که مردم باید در تصمیم‌گیری شهر خود سهم داشته باشند. وقتی قرار است مردم هزینه آبادانی شهر را بدهند باید در مسائل شهر خود نیز سهم باشند.

خود تعهدی برای این دولت ایجاد کرده است. برخی دیگر آن را تلاشی جهت از میدان به‌دو کردن رقابای سیاسی - جناحی می‌دانند و بعضی نیز معتقدند تأکید بر شوراهای اساساً یک نمایش بیرونی است برای تحت‌تأثیر قراردادن کشورهای پیشرفته که صاحب دموکراسی‌های قدیمی‌اند تا بتوانیم از این طریق با بهره‌کشیدن تحقق جامعه مدنی در کشور، برخی از مشکلات خارجی خود را حل کنیم.



آقای شجاعی زند، سرپرست دفتر امور اجتماعی وزارت کشور، می‌گوید: اگرچه ممکن است این دلایل، بخش کوچکی را به خود اختصاص دهند، اما به اعتقاد من دلایل اساسی‌تری برای جدیت در تحقق شوراهای وجود داشته است. از نظر وی یکی از دلایل اصلی آن است که نادیده گرفتن یا به تعویق انداختن اصل یا اصولی از قانون اساسی به‌عنوان سبب خواسته‌ها و اهداف یک نظام، موجه نیست و لذا تحقق شوراهای به‌عنوان یک اصل یا یک فصل معطل مانده از قانون اساسی، فی‌نفسه متولیان و مسئولان را موظف می‌کند که به تشکیل آن اهتمام جدی بورزند.

از سوی دیگر، سپردن گردش امور و سرنویشت مردم به‌دست خودشان حقی است که تا زمانی و برخسب ضروریاتی (برای مثال، جنگ تحمیلی) می‌توان از مردم دور داشت. لیکن در اولین فرصتی که شرایط اعطا یا به بیان بهتر بازگرداندن این حق فراهم شود، باید این امر محقق گردد. اکنون به‌نظر می‌رسد که پس از

مشارکت! دعوت یا درخواست

قبل از برگزاری انتخابات شوراهای شهر، وظیفه اداره امور شهر به عهده جانشین شورای شهر یعنی وزیر کشور بود و وزیر کشور نیز اختیارات خود را به استاندار تفویض می نمود. سالها وضع به همین منوال بود و ضوابطی شهرداریان شهرهای مختلف بخصوص تهران را در بسیاری از موارد در هزینه کردن بودجه خود محدود نمی کرد. مردم نیز به عناوین مختلف، هزینه آبادانی، سرسبزی و زیباسازی شهرهای خود را می پرداختند. این دوره را می توان دوره برزخی نام نهاد؛ بین دوره ای که دولت، خود تأمین درآمد می کند و اقتدارگر است و دوره ای که باید آغاز شود و در آن مردم هم پول می دهند و هم تصمیم می گیرند. دوره برزخی دوره ای است که مردم، هزینه آبادانی شهرهای خود را می پرداختند اما دخالتی در تصمیم گیری برای آبادانی شهر خود نداشتند. از نظر صاحب نظران امور اجتماعی وزارت کشور، این دوره برزخی هیچ راهی ندارد بجز منتهی شدن به ساختار شورایی. یعنی شهرداران از سوی خود مردم انتخاب شوند و از سوی خود آنان نیز کنترل و ارزیابی شوند.

از سوی دیگر، آقای شجاعی زند، شرایط کنونی پس از انتخاب و روی کار آمدن آقای خاتمی را قابل قیاس با دوره های انقلابی می داند. چرا که از نظر او در دوره های انقلابی، میزان مشارکت مردم و آمادگی آنان برای مشارکت اجتماعی به یکباره به میزان زیادی افزایش می یابد. در این دوران که تفاوت معناداری با زمان قبل خودش دارد، آمادگی مردم نیز برای پذیرفتن مسئولیت تا حد زیادی بالا می رود. از این جهت است که می توان گفت تصمیم برای تشکیل شوراهای در واقع پاسخی است به درخواست مردم برای مشارکت. چرا که زمان آن رسیده بود که دولت دیگر نمی توانست به ظرفیت و درخواست مشارکت مردم بی توجه باشد.

بدین ترتیب، اصل محوری شوراهای مشارکت است. چرا که تحقق آنها پاسخ به افزایش ظرفیت مشارکتی مردم است و هم در یک فرآیند باز تولیدی فرصت مناسبی برای

افراد جهت تمرین مشارکت بیشتر و رعایت حقوق جمعی است.

شوراهای را تبلور مطالبه حق مشارکت مردمی دانستیم اما اینکه آیا قضیه در همین حد باقی خواهد ماند یا نقش شوراهای در ایجاد الگوها و زمینه های مشارکت تدلوم خواهد داشت، آقای کوچکیان معاون دپارتمان اجتماعی وزارت کشور در امور شوراهای، معتقد است شوراهای پس از تشکیل می توانند باعث شکل گیری افکار عمومی شوند. جایی که نهاد مشارکتی وجود نداشته باشد، افکار عمومی در حد شایعه باقی می ماند اما شوراهای با جهت دار کردن افکار عمومی، مردم را به امور آشنایان حساس می کند و از این طریق، الگوهای جدیدی از مشارکت را نیز می آفریند. افکار عمومی شکل می گیرد و در این میان افراد همفکری که روی یک موضوع با یکدیگر اتفاق نظر دارند، برای خود محملهایی مانند انجمن خیریه، انجمن متخصصان و... تعریف می کنند که اصطلاحاً به آنها نهادهای جامعه مدنی گفته می شود. بدین ترتیب، شوراهای باعث ایجاد افکار عمومی می شوند و افکار عمومی نیز باعث ایجاد تشکلهای مردمی، سیاسی و اجتماعی می گردند. این تشکلهای در یک فرآیند، هم در نوع تصمیم گیریها و هم در انتخابات جدید مؤثر خواهند بود.

شوراهای، مدیریت متمرکز یا عدم تمرکز

آیا شروع به کار شوراهای به منزله تغییر الگوی مدیریت موجود در کشور است؟ آیا وظایف و اختیارات شوراهای آنقدر وسیع است که بتواند ساختار مدیریتی کشور را به شکل گسترده متحول سازد؟ آیا قرار است ساختار دیوانسالاری ما نسبت به قبل از تحقق شوراهای تغییرات اساسی بکند؟ و...

این سوالات و سؤالاتی از این دست، پرسش هایی هستند که در شور و التهاب انتخاباتی، اندیشه های را به خود مشغول نمی کنند. ما همواره شوراهای را یک اصل بدیهی شمرده و دغدغه تحقق آن را نداشته ایم اما هیچگاه از خود نپرسیده ایم که ساختار شورایی تا چه حد با مدیریت کلان کشور و یا مدیریت های منطقه ای - محلی می تواند سازگار باشد و قرار است تا کجا

ایجاد تحول کند؟

توانند نواقص سازمان اداری را اصلاح کنند. با طرح چنین دیدگاهی، شورای شهر عاملی خواهد بود که به سیستم اداری وارد می‌شود تا کارها بهتر انجام شود. از این‌رو، شوراهای نه‌تنها به‌معنی مدیریت غیرمتمرکز و مردمی و تفویض اختیارات بیشتر به مردم نیست بلکه زائده جدیدی در سیستم اداری است که باعث افزایش کارایی بیشتر این سیستم خواهد شد. آقای غنی‌زاده، مدیر کل امور شوراهای

در این باره آقای شجاعی زند معتقد است که نمی‌توان از شوراهای انتظار داشت ساختار مدیریتی را در کشور دگرگون سازند. ساختار دیوانسالاری ما نسبت به قبل از شوراهای تغییر اساسی نکرده است. ما تنها می‌توانیم بگوییم که با تشکیل شوراهای تاحدی به سمت غیرمتمرکز شدن ساختار دیوانسالاری حرکت کرده‌ایم. به‌وظایف و اختیارات شوراهای نیز که

تشکیل شوراهای می‌تواند نظام را کارآمدتر سازد و ساختار برنامه‌ریزی کشور ما را بهینه‌تر نماید. توزیع امکانات را منطقی‌تر کند و از توان عظیم مردم استفاده بهتری برای پیشبرد اهداف و رفع مشکلات بشود

دورهٔ برزخی دوره‌ای است که مردم، هزینهٔ آبادانی شهرهای خود را می‌پردازند اما دخالتی در تصمیم‌گیری برای آبادانی شهر خود ندارند. از نظر صاحب‌نظران امور اجتماعی وزارت کشور، این دورهٔ برزخی هیچ راهی ندارد بجز منتهی‌شدن به ساختار شورایی

اسلامی شهر و شهرداریهای وزارت کشور، با چنین استنباطی از شوراهای مخالف است. او می‌گوید: تا قبل از اقدام به تشکیل شوراهای اسلامی، همین وظایف و قوانین در شهرداریها اجرا می‌شد و همهٔ تصمیم‌گیرها در شخص وزیر کشور خلاصه می‌شد او به‌تنهایی جانشین همهٔ شوراهای اسلامی شهر در کشور بود و برای تقسیم کار نیز به‌عنوان قائم‌مقام به استانداران تفویض اختیار می‌کرد.

اتفاق قابل توجه این است که تصمیم‌گیری از حالت انفرادی به هیئتی چند نفره منتقل می‌شود که ماکز و آشنای به محل است و از طرف مردم نیز انتخاب شده است. این تحول بزرگی است که باعث می‌شود از این پس بسیاری از مشکلات - که به‌صورت متمرکز درک نمی‌شد یا دیر درک می‌شد - در اسرع وقت و بهترین حالت حل شود.

در واقع می‌توان گفت که اختیارات تغییراتی نکرده است بلکه از حالت تمرکز به حالت محلی تبدیل شده است. این عدم تمرکز، بیشتر عدم تمرکز جغرافیایی است که محسوسات خاص خود را نیز دارد. بنابراین، بحث بیشتر به این سمت

دقت شود می‌بینیم وظایف و اختیارات محدودی در چارچوب خاصی است که نمی‌توان از آن، یک ساختار کاملاً غیرمتمرکز اداری را استنباط کرد. از نظر آقای کوچکیان، کشور ما دارای ساختار اداری مرکزی یا تک‌ساختاری است. فرامین، طرحها و برنامه‌ها از مرکز به رده‌های پایینتر منتقل می‌شود. از طرف دیگر، شکل‌گیری شورای شهر در سلسله مراتب شوراهای در واقع گام اول محسوب می‌شود. ما هنوز در رده‌های بالاتر از شورای شهر، نیازمند تشکیل شوراهای شهرستان، استان و شوراهای عالی استانها هستیم و در رده‌های پایین نیز به شوراهای محلی و این همان چیزی است که در قانون اساسی پیش‌بینی شده است. علاوه بر این، وظایف پیش‌بینی‌شده برای شوراهای در واقع حداقل وظایف است.

بدین ترتیب به دلیل محدودیت وظایف شوراهای و نیز تحقق رده‌های کمتری نسبت به ۱۱ ردهٔ شوراهای - که در قانون اساسی پیش‌بینی شده - نمی‌توان انتظار داشت که نظام تک‌ساختی و از بالا به پایین ما را متحول نماید بلکه انتظار ما باید در این حد باشد که شوراهای

داشته است یا صرفاً در این باره دیدی سازمانی داشته و همان وظایف شهرداریها را پیش‌بینی کرده است؟

چنین مسائلی اگر در آستانه شروع به کار شوراهای به شکلی شفاف و روشن مطرح نشود چه بسا باعث تداخل تصمیم‌گیریها شود؛ چرا که انتخاباتی پرشور، انتقارات بالایی نیز ایجاد می‌کند. افزایش تشنج‌ها نتیجه مشخص نبودن وظایف و اختیارات است. تکرار تجربه شوراهای



آقای کوچکیان فرد

شهر در اوایل انقلاب و شورای شهر قم - که به دلیل مشخص نبودن وظایف و اختیارات استعفا نمود - قطعاً در شروع جدی شوراهای شهر خوشایند نبوده و در روند مشارکت‌جویی مردم تأثیر نامطلوبی خواهد گذاشت.

وظایف شوراهای اسلامی شهر عمدتاً در قانون مصوب ۱۳۷۵ در ماده ۷۱ آمده است. اما وظایف شوراهای شهر محدود به آنچه در این قانون تصریح شده است، نمی‌شود. علاوه بر این ماده و بندهایش، شورای شهر جانشین انجمن شهر نیز هست و وظایف این انجمن نیز به وظایف مصحح در قانون ۱۳۷۵ اضافه می‌گردد. وظایف شورای شهر را می‌توان به دو بخش

عمده تقسیم کرد:

۱- وظایف عمومی، یعنی وظایفی که راجع به مسائل کلی شهر است.

۲- وظایف مربوط به شهرداری

آن بخش از وظایف شورای اسلامی شهر که در ارتباط با مسائل عمومی شهر است در بندهای ۲، ۳، ۴، ۵، ۶ و ۷ ماده مذکور آمده است. از بند ۸ به بعد ماده ۷۱ قانون مصوب ۱۳۷۵، وظایف اختصاصی شورای شهر در مورد

می‌رود که ما توجه داشته باشیم که اختیارات و وظایف گسترده‌تر نشده، بلکه به‌جای آنکه یک مدیر، اعمال اختیار و انجام وظیفه کند مدیریتهای متعدد، این وظیفه را انجام می‌دهند.

در مجموع، جهت نتیجه‌گیری مباحث مطرح شده باید گفت که ما باید ابتدا یک چیز را ببینیم و آن اینکه ساختار سیاسی نظام در کشور ما یک ساختار کاملاً متمرکز است یعنی به لحاظ تقسیم قدرت سیاسی در قانون اساسی و در قوانین جاری، ساختار متمرکز پیش‌بینی شده و اعمال می‌گردد. از این منظر، برخلاف تصور برخی که در تحقق شوراهای عدم تمرکز سیاسی را می‌بینند، چنین چیزی نیست؛ چرا که از این طریق به مناطق، استانها و یا شهرها در مورد تصمیم‌گیریهای سیاسی و یا حتی قضایی و قانون‌گذاری تفویض اختیار نشده است. در استانها برخلاف ایالات برخی از کشورهای غربی، پارلمان‌های محلی یا سیستم قضایی مستقل پیش‌بینی نشده است. از این جهت، رویکرد قانون اساسی ما به سمت عدم تمرکز اداری است نه سیاسی و نه چیز دیگر... و شوراهای یکی از ابزار تحقق عدم تمرکز اداری است.

مطلب مهم دیگر اینکه شوراهای شهر در شکلی که مراحل اولیه اجرا را می‌گذرانند، نه از نظر وظایف و اختیارات و نه از حیث گستردگی نمی‌توانند به‌طور کامل موجبات عدم تمرکز اداری را فراهم سازند. شوراهای شهر تنها یک حلقه از زنجیره گسترده شوراهاست که در قانون اساسی پیش‌بینی شده و به همین دلیل هم تصور غلطی است که فکر کنیم در مراحل اولیه بتوانند ساختار اداری و دیوانسالاری ما را متغیر سازند.

شوراهای، وظایف و اختیارات

یکی دیگر از بحثهای قابل توجه در مورد شوراهای - که پس از گذراندن التهای انتخاباتی باید درباره آن تعمق بیشتر شود - بحث وظایف و اختیارات شوراهاست. قانون، وظایف شوراهای را در چه نوع و با چه حد از گستردگی دیده است. محدوده اختیارات شوراهای در انجام امور شهری کجاست؟ آیا قانون در احاطه وظایف به شوراهای کلیه امور مربوط به زندگی در یک شهر را در نظر

وارد کار شود مگر آنکه دستگاه‌های مربوطه خواهان جلب همکاری آن باشند.

اما از بند هشتم به بعد که وظایف اختصاصی شورای شهر در مورد شهرداری آغاز می‌گردد، برای شورای شهر موقعیت بسیار بالایی ترسیم می‌شود. از این پس شورای شهر در واقع نقش یک پارلمان محلی را بازی می‌کند.

شهرداری یک سازمان عام‌المنفعه غیردولتی است و وظایف متنوعی را نیز از لحاظ ارائه خدمات به عهده دارد. تصمیم‌گیری در خصوص چگونگی انجام این خدمات با توجه به بنیه مالی شهرداری و امکاناتی که مردم شهر در اختیار شهرداری قرار می‌دهند، عمدتاً با شورای شهر است. در اینجا شورای شهر اولاً بر حسن اداره، حفظ سرمایه و دارایی‌های شهرداری، اعم از منقول و غیرمنقول، نظارت کامل دارد و ثانیاً همه آیین‌نامه‌هایی را که شهرداری باید قانوناً تهیه کند، تصویب می‌کند. شورای شهر بودجه شهرداری را نیز هم به معنای خاص و هم به معنای عام، تصویب می‌کند. یعنی اینکه چه کاری در چه زمانی باید انجام شود و چقدر برای آن کار پول هزینه شود.

وظایف دیگری مانند تصویب معاملات شهرداری، پرداخت وام، اساسنامه مؤسسات وابسته به شهرداری، وضع عوارض، نظارت بر امور همه تماشاخانه‌ها، سینماها و اماکن عمومی، تعیین مقررات لازم برای اراضی غیرمحصور شهری، نظارت بر اداره گورستانها، حفاری معابر و توسعه آنها، نامگذاری معابر، میداين و كوچه‌ها، تصویب نرخ کرایه وسایل نقلیه درون شهری و نرخ خدمات و... نیز طبق پیش‌بینی قانون برعهده شورای شهر است. بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که وظایف شورای اسلامی شهر در خصوص شهرداریها بسیار وسیع است. در واقع همه کارهای شهرداری با شورای شهر است اما همه کارهای سازمانهای خدماتی دیگر با شورای شهر نیست.

پس باید توجه داشت که از این پس قرار نیست مدیریت شهر شامل همه سازمانهای خدماتی، فرهنگی، اجتماعی و... در دست شورای شهر باشد. در شهر سازمانهای خدماتی دیگری وجود دارد که نه از شهرداری بلکه از



شهرداری آغاز می‌شود

شرح و بسط این دو بخش از وظایف شوراهای شهر را با آقای غنی‌زاده مطرح نمودیم. او - که در روزهای پایانی سال ۷۷ سخت مشغول تهیه طرح آیین‌نامه اجرایی شوراهای اسلامی است - ضمن تأیید این تقسیم‌بندی می‌گوید: قانون اساسی موقعیت همکاری شوراها را از نظر آنکه نهادی است که می‌تواند همکاری مردم را در حد نیاز مدیریتها فراهم کند، پیش‌بینی کرده است. در بند ۲ ماده ۷۱ بررسی و شناخت کمبودها و... ذکر شده و در بند ۳، نظارت بر حسن اجرای مصوبات... در امور شهرداری و سایر سازمانهای خدماتی پیش‌بینی شده است. در بند ۴ همین ماده جلب همکاری مردم، وظیفه شورای شهر دانسته شده و در پنجمین بند بر برنامه‌ریزی در خصوص مشارکت مردم تأکید شده است. بند ۶ به هماهنگی با دستگاه‌های ذی‌ربط در خصوص گسترش مراکز تفریحی، ورزشی و فرهنگی و بند ۷ به فعالیت در خصوص تشکیل انجمنها و نهادهای اجتماعی و... اشاره دارد.

اینها وظایف بسیار متنوعی هستند که بایستی با توافق دستگاه‌های ذی‌ربط صورت گیرد. بدین معنا که شورا عملاً و رأساً نمی‌تواند

وزارتخانه‌های خودشان تبعیت می‌کنند و لذا انتظاری که از شورای شهر می‌رود، که تمام شهر و تمام مسائل آن را در حد و ابعاد محلی تحت نظارت داشته باشد، انتظار بجایی نخواهد بود. گرچه دستگاه‌های خدماتی دیگر مانند شرکت گاز، سازمان آب و... تابع قوانین و مقررات شهرداری هستند و به‌عنوان مثال نباید خفاریهای غیرمجاز انجام دهند اما در اصل از مقررات سازمان مربوطه خود پیروی می‌کنند. به‌نظر آقای غنی‌زاده عملاً و متأسفانه ما هنوز به آن مرحله از مدیریت شهری نرسیده‌ایم که در شهر یک مدیر داشته باشیم تا در ابعاد و حدود محلی یک شهر تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز باشد. در مورد شهرداری‌هاست که شورای شهر حاکمیت دارد و در تصمیمات آنها موثر است و در سرتوشت، رفاه، اقتصاد، آموزش، فرهنگ و بهداشت مردم تأثیر دارد. اما این همه آنهاست

هویت و همبستگی ملی را تقویت می‌نمایند و... اینها همه شماری از کارکردهای مثبتی است که برای شوراها ذکر شده است. این سخن درست است که تجربه شوراها و انجمنهای مردمی از لحاظ اجتماعی - سیاسی و حتی فرهنگی تقریباً در اکثر کشورهایی که مردم را در مدیریتها مشارکت داده‌اند، تجربه ارزنده و موفق بوده است. اما نباید از نظر دور داشت که چنین تجربه ارزشمندی علاوه بر آنکه نیاز به پی‌ریزی پایه‌های اجتماعی - فرهنگی دارد، تا تحقق کامل خود نیز دچار چالشها و مشکلات عدیده‌ای خواهد بود. نباید تصور کنیم که با برگزاری انتخاباتی محدود و تشکیل شوراهایی در بُرد نه‌چندان وسیع توانسته‌ایم به‌طور کامل فرهنگ مدیریتی و مشارکت مردمی را در کشور دگرگون سازیم. شوراهای نوپایی که تازه به راه افتاده است تا

شوراها باعث ایجاد افکار عمومی می‌شوند و افکار عمومی نیز باعث ایجاد تشکلهای مردمی، سیاسی و اجتماعی می‌گردند. این تشکلهای در یک فرآیند، هم در نوع تصمیم‌گیریها و هم در انتخابات جدید موثر خواهند بود

رویکرد قانون اساسی ما به سمت عدم تمرکز اداری است نه سیاسی و نه چیز دیگر... و شوراها یکی از ابزار تحقق عدم تمرکز اداری است

نیست که در شهر باید باشد. وظایف و اختیاراتی بیش از این می‌توان برای شوراهای شهر در نظر گرفت. این امر بستگی به این دارد که در برنامه‌های آینده، دولت تا چه حد بخواهد مدیریتها را از خود منتزع کند.

شوراهای شهر، چالشها و مشکلات

درباره آثار و نتایج مثبت شوراهای سخن بسیاری گفته شده است. شوراهای انتظارات و خواسته‌های مردم را از دولت تعدیل می‌کنند، حضور مردم را در صحنه نهادینه می‌نمایند، عامل کاهش نارضایتی هستند و رضایت سیاسی مردم را تأمین می‌کنند. ظرفیت و توان پاسخگویی دولت را افزایش می‌دهند، نهادهای میانجی میان دولت و مردم هستند، مردم را به حوزه تصمیم‌گیری وارد می‌کنند و در نهایت،

جست‌و‌خیز راه درازی در پیش دارد! مشکلات و معضلات زیادی پیش روی آنهاست و تنها با آگاهی بر این مشکلات می‌توان درباره راه حل آنها چاره‌اندیشی نمود. ما در این گزارش سعی کرده‌ایم بر بخشی از نگرانیهایی که در مورد تحقق کامل اهداف شوراها وجود دارد، تأکید ورزیم تا مدیران و برنامه‌ریزان شهری بدانها بیندیشند و دغدغه آنها را از خود دور نکنند چرا که از نظر ما با وجود ابعاد مثبت زیادی که شوراها دارند، اکنون زمان طرح نگرانیهاست.

مسئله اول اینکه باید دانست در قانون اساسی ما ساختار شورایی نسبتاً کاملی پیش‌بینی شده است. غیر از شوراهای صنعتی در بخشهای آموزشی، صنعتی، کشاورزی، کارگری و... در امور شهری و روستایی نیز رده‌های مختلفی از ساختار شورایی ذکر شده است. بنابراین، این

غیرمتمرکز برحسب میزان اختیارات و حق تصمیم‌گیریها تعریف می‌شود.

آقای غنی‌زاده نیز در همین زمینه به وظایف و اختیارات نسبتاً محدود شوراهای اشاره دارد که در حال حاضر - همان‌طور که گفته شد - بیشتر به شکل سازمانی تعریف شده و از این پس اعطای اختیارات و وظایف بیشتر به این مسئله برخورد گشت که دولت در برنامه‌های آینده، تاجه حد بخواهد مدیریت را از خود منترع کند اما آنچه مسلم است اینکه اختیارات و وظایف شوراهای شهر می‌تواند بیشتر از این باشد.

نگرانی مهم دیگری که در مورد شوراهای



وجود دارد، شیوه و میزان مشارکت مردم در مسائل محل سکونت خود و ارتباط آنها با شوراهاست. در تجربه‌های انتخاباتی گذشته، مردم تعدادی از افراد را انتخاب می‌کردند اما ارتباط آنها با نمایندگان انتخابی‌شان بلافاصله پس از طی شدن مراحل انتخاباتی گسسته می‌شد. در اغلب موارد بخصوص در شهرهای بزرگ، مردم نمایندگان خود را نمی‌دیدند. اصرار بر ارتباط با مردم، تنها در مبارزات انتخاباتی صورت می‌گرفت و عمدتاً نمایندگان تصور می‌کردند که نقش اصلی‌شان باید در سیاستگذاری‌های کلان باشد نه صرف وقت جهت مشکلات کوچک و روزمره مردم.

در تجربه شوراهای اسلامی شهر به واقع باید نگران بود که چنین اتفاقی رخ ندهد. باید تمهیدات و روشهایی اتخاذ شود که این ارتباط پس از انتخاب شدن به شکل نهادینه‌ای ادامه یابد. این ارتباط و تداوم آن، ضرورت بیشتری

مطلب بیانگر این است که قانون اساسی ما قائل به عدم تمرکز اداری است و ما بیش از هر چیز برای تحقق کامل این خواست قانون اساسی نیازمند سلسله‌ای از تغییرات در ساختار اداری قوانین و مقررات و بسیاری دیگر از عناصری هستیم که سیستم متمرکز موجود را پدید آورده است. در واقع لازم است موازی با شوراهای در مسیرهای دیگری نیز سیاست عدم تمرکز پیگیری شود. بسیاری از صاحب‌نظران به این نکته تأکید ورزیده‌اند که اعطانکردن اختیارات منطقه‌ای و محلی بیشتر، یکی از چالشهای جدی بر سر راه شوراهاست که باعث عملکرد ناقص و مشکل‌زای آنها خواهد شد.

علاوه بر اینکه لازم است در بخشهای دیگر نیز به مناطق اهمیت بیشتری داده شود، باید به آنچه قانون اساسی برای شوراهای پیش‌بینی کرده است به‌طور کامل عمل شود. همان‌طور که گفته شد، در قانون مصوب ۱۳۷۵ تنها به چند مورد از شوراهای یازده‌گانه پیش‌بینی شده در قانون اساسی اشاره شده است و شوراهای شهر نیز در واقع حد میانی طیف وسیعی از مجموعه شوراهای پیش‌بینی شده است. این طیف، هم در سطوح پایینتر از خود و هم در سطوح بالاتر از خود، باید گسترده شود تا تصمیمها و اقدامهای شوراهای شهر در یک بستر ساختاری مناسب بتواند مؤثر و کارآمد باشد.

به اعتقاد آقای شجاعی زند در صورتی که این دو امر یعنی دادن اختیارات محلی و منطقه‌ای بیشتر در بخشهای دیگر و نیز کامل‌کردن طیف شوراهای پیش‌بینی شده در قانون اساسی محقق نگردد یعنی ما به سمت سیستم کاملی از مدیریت شورایی حرکت نکنیم یا بقیه بخشها سمت‌وسویی کاملاً مغایر با این ساختار داشته باشند و همچنان رویکرد تمرکزگرایانه خویش را ادامه دهند، وضعیت به شکلی درخواهد آمد که در ساختاری متمرکز، شوراهای فقط وسیله‌ای برای جلب همکاری و همیاری مردم بدون اختیارات ویژه به آنان خواهد بود و تنها آنها را به سمت همکاری، دادن اعانه‌های بیشتر و عوارض بهتر و تلاش جدیتر برای بهبود اوضاع سوق خواهد داد و طبیعتاً این به معنی ساختار غیرمتمرکز نیست چرا که ساختار

می‌یابد وقتی به این امر پافشاری شود که شوراهای نهادهایی مردمی‌اند و از درون مردم به معنای واقعی برخاسته‌اند. از همین‌جا مشکل و نگرانی عمده دیگری نیز می‌تواند بروز کند که آقای شجاعی زند به آن اشاره کرده و بر جلوگیری از بروز آن تأکید دارد؛ اینکه شوراهای در یک فرآیند پیچیده تبدیل به ساختاری دولتی شوند.

این امر برای شوراهای آسیب‌جندی و اساسی است، زیرا همان‌طور که گفته شد شوراهای اساساً یک نهاد کاملاً مردمی است و عهده‌دار بحث، بررسی و تصمیم‌گیری دربارهٔ مسائلی است که امور روزمره و نزدیک مردم است. به همین دلیل

که می‌توانند در مردم ایجاد کنند. به‌منظر آقای شجاعی زند اگر شوراهای درگیر مسائل حاد سیاسی شوند، دچار منازعات جناحی گردند و درون خود و یا در تصمیم‌گیریها ملاحظاتی خاصی را مدنظر قرار دهند، با شوراهای ترکیبی داشته باشند که معرفی همهٔ گروه‌های جامعه نباشد (به‌عنوان مثال، متعلق به بخش خاصی از جامعه باشند و یا گرایشات قومی خاصی را در نظر بگیرند و قوم دیگری را مورد غفلت قرار دهند و یا در برخی از تنگ‌نظریها اقلیت‌های مذهبی امکان راهپایی به شوراهای را پیدا نکنند) به هر میزانی که این انحصارگرایی و محدودیتها اعمال

وظایف شورای اسلامی شهر در خصوص شهرداریها بسیار وسیع است. در واقع همهٔ کارهای شهرداری با شورای شهر است اما همهٔ کارهای سازمانهای خدماتی دیگر با شورای شهر نیست

بسیاری از صاحب‌نظران به این نکته تأکید ورزیده‌اند که اعطانکردن اختیارات منطقه‌ای و محلی بیشتر، یکی از چالشهای جدی بر سر راه شوراهاست که باعث عملکرد ناقص و مشکل‌زای آنها خواهد شد

شوراهای اساساً یک نهاد کاملاً مردمی است و عهده‌دار بحث، بررسی و تصمیم‌گیری دربارهٔ مسائلی است که امور روزمره و نزدیک مردم است. به همین دلیل هم هست که می‌گوییم ارتباط مردم با شوراهای بایستی ایجاد شده، حفظ گردد و تداوم یابد

شود، اعتماد مردم به شوراهای کاسته خواهد شد. عدم اعتماد آنها نیز باعث عدم مشارکت مردم خواهد شد و یا از میزان مشارکت بشدت خواهد کاست.

شورایی که نتواند مردم را به‌عنوان پشتوانهٔ خود در مسیری که دنبال می‌کند، بسیج نماید و مشارکتشان را به‌همراه داشته باشد، شورای شکست‌خورده‌ای است. چنین حالتی نهایتاً منجر به این خواهد شد که شورایی بی‌پشتوانه - که نمی‌تواند با مردم خود ارتباط برقرار کند و مردم نسبت به او بی‌اعتمادند - از توانایی و همکاری مردم محروم بماند و در معرض سقوط قرارگیرد

هم هست که می‌گوییم ارتباط مردم با شوراهای بایستی ایجاد شده، حفظ گردد و تداوم یابد. نمایندهٔ مجلس هنگام بحث بودجه شاید نیازی به دانستن نظر مردم در خصوص این قضیه نداشته باشد اما نماینده مردم در شوراهای در موقع تصمیم‌گیری دربارهٔ تغییر مسیر یک خیابان، ساخت یک بزرگراه و یا تغییرات میزان عوارض و... باید با مردم ارتباط نزدیکی داشته باشد.

مسئله دیگری که شوراهای با عملکرد خود می‌توانند بر آن تأثیر بگذارند و آن را به‌صورت یک مشکل و یا یک بستر مناسب برای فعالیتهای خویش درآورند، میزان اعتمادی است

کنکاشی در مفهوم شهرداری

♦ نوید سعیدی رضوانی
دانشجوی دکتری شهرسازی
دانشگاه آزاد اسلامی

اداره یک شهر بدون وجود مدیریت امکان پذیر نیست. بنا به نظر محققان دائرةالمعارف بریتانیکا هر چقدر هم که در تاریخ به عقب برگردیم به شهری که فاقد حکومت باشد، برمیخوریم. در برخی از کشورهای اروپایی، شهرها در طول چندین قرن واحدهای سیاسی مستقل بوده‌اند. اگر چه دولت - شهرهای یونان قدیم مشهورترین مثال برای این پدیده‌اند، اما حکومت‌های محلی شهری در کشورهای انگلستان، فرانسه، ایتالیا، اسپانیا و آلمان خیلی قدیمی‌تر از حکومت ملی هستند. در جهان مدرن، شهرها مانند گذشته هویتی مستقل از حکومت مرکزی ندارند. آنها در چارچوب حکومت ملی عمل می‌کنند، اما در عوض نسبت به گذشته بزرگتر هستند و عملکرد پیچیده‌تری نیز دارند.^۱

جالب اینجاست که در سطح جهان، ایدئولوژیهای متفاوت با دیدگاههای گوناگون، از مدیریت محلی به‌طور عام و مدیریت شهری به‌طور خاص حمایت می‌کنند. محافظه‌کاران حکومت محلی را به‌عنوان بخشی از سازواره (ارگانیسم) دولت تلقی می‌کنند که موجب تشویق حسن تعلق محلی و در نهایت تحکیم قدرت دولت است. لیبرالها حکومت محلی را به‌عنوان عاملی برای ایجاد توازن در قدرت ملی و تعادل بخشی به توزیع قدرت تلقی می‌کنند. از دیدگاه مدنی نیز مدیریت محلی، پل اتصال بین جامعه مدنی و حکومت مرکزی است. از این دیدگاه در یک جامعه شهروندمدار، مدیریت شهری منتخب (مرکب از شورای شهر و سازمان شهرداری) یکی از مهمترین نهادهای واسطه بین فرد و دولت است. البته این درست برعکس نقشی است که مدیریتهای محلی در کشورهای دارای نظام سوسیالیستی داشتند. در این کشورها مدیریت شهری در اغلب موارد تحت تسلط حکومت مرکزی بود. اگرچه میزان این تسلط از زمانی به‌زمان دیگر تفاوت می‌کرد، اما قدرت تصمیم‌گیری غالباً به‌طور گسترده‌ای در اختیار دولت مرکزی بود. به‌عبارت دیگر، این قدرت در دست حزب کمونیست یا فِرَاکسیون‌های مسلط آن قرار داشت، و تصمیم‌گیری اعضای شوراهای محلی بیشتر متأثر از اجرای برنامه‌های حزبی بود تا علایق محلی.^۲

بهر حال، صرف‌نظر از اینکه مدیریت محلی شهری براساس چه دیدگاهی سازماندهی شده باشد، باید گفت در اغلب کشورهای جهان و از جمله کشور ما مؤسسه شهرداری مسئولیت مدیریت شهری را برعهده دارد. دوازدهم خردادماه امسال، نودودومین سالگرد تصویب اولین قانون شهرداری - با عنوان

پانویس

- 1- C.F. The New Britanica, EncyclopediaEncyclopedia Britanica Inc, Chicago, 1994, P. 431
- 2- C.F. Elinder, between Centralism on the Development of Local Self - Government in Postsocialist Europe, Environment and planning, C: Government and Policy, V6, P.P. 143-147

قانون بلدیّه - در ایران است. بنابراین، سابقه فعالیت شهرداری ایرانی به مفهوم نوین آن نزدیک به یک قرن است. بی تردید در این مدت طولانی تجارب زیادی در این زمینه آندوخته شده، مباحث متعددی در این خصوص مطرح گردیده و حوزه‌های گسترده‌ای برای پژوهش گشوده شده است. یکی از این مباحث که در یک نگاه سطحی، نیازی به کاوش ندارد «بررسی مفهوم شهرداری» است، اما با وجود بناهت اولیه، بررسی فضای مفهومی این واژه و مفهوم مرتبط با آن یعنی مدیریت شهری سودمند است و می‌تواند مبنای سایر بحثهای کاربردی و نظری قرارگیرد. لذا در ادامه به این بحث می‌پردازیم.

بررسی مفهوم شهرداری و مشخصه‌های آن

واژه شهرداری معادل لغت انگلیسی Municipality است. این لغت از ریشه لاتین Municipium به مفهوم جمیع سکنه یک محل - که به خاطر منافع مشترک خود دورهم جمع شده‌اند - اقتباس شده است.^۱

در فرانسسه نیز لغت Commune معادل واژه Municipality است و به همین معنی اشاره دارد. لغت Municipality در برخی از کشورها فقط به معنی شهرداری یا واحد محلی اداره کننده شهر است و در برخی دیگر به دو معنی به کار می‌رود: ۱- شهر ۲- شهرداری. در این کشورها این واژه، هم به مجموعه اداری شهرداری و هم به حوزه مورد عمل شهرداری دلالت دارد. حوزه عمل شهرداری ناحیه‌ای است که به وسیله مرزهای اداری معین مشخص شده و ویژگی مسلط شهری دارد. البته در بعضی از کشورها مانند اسپانیا حوزه مورد عمل شهرداری، نواحی بی را که ویژگی مسلط شهری ندارد نیز دربرمی‌گیرد. در نمونه ذکر شده ۸۰۶۶ شهرداری (Municipio) وجود دارد که از این میان تنها ۱۱۰ واحد بیش از ۵۰ هزار نفر جمعیت دارند. در برخی از کشورها مانند برزیل و آفریقای جنوبی نیز تمایز آشکاری بین شهر و حومه روستایی آن وجود ندارد.

شهرداریها در همه جا تحت یک عنوان نامیده نمی‌شوند و در رده حکومتی واحدی نیز قرار ندارند. در آمریکا شهرداریها (Municipalities) در رده سوم حکومت بعد از ایالتها (States) و کانتیها (Counties) قرار می‌گیرند. بعد از شهرداریها نیز Townships یعنی واحدهای مستقل اداره شهرهای کوچک (شهرکها) قرار دارند. در آلمان واژه Gemeinde معادل حکومت محلی به مفهوم عام آن است و واژه‌های Landgemeinde و Stadt به ترتیب به مفهوم واحد اداره کننده روستا و شهرداری هستند.^۲

در این کشور از نظر سلسله مراتب اداری - حکومتی، شهرداری بعد از ایالت (Bond) و بخش (Landkreise) قرار می‌گیرد.^۳

در اندونزی کوتامادیا (Kotamadya) به مفهوم شهرداری است. این واحد محلی بعد از ایالت و ناحیه یا (Kebopaten) قرار دارد.^۴ در مالزی، شهرداری با عنوان City Hall شناخته می‌شود که ما در زبان فارسی آن را به «تالار شهر» ترجمه می‌کنیم. در پایتخت نروژ، واحد اداره کننده شهر، Oslo city Government به مفهوم حکومت شهری اسلو یا دولت شهر اسلو است که از لحاظ مشخصات عمومی عناصر تشکیل دهنده و اهداف و وظایف، تفاوت آشکاری با Municipality ندارد و تنها از لحاظ عنوان متفاوت است.^۵ در ژاپن نیز اداره مناطق کلان شهری به عهده ارگانی با عنوان حکومت کلان شهری (Metropolitan Government) است و شهرداریهای مناطق شهری زیر نظر این ارگان حکومتی فعالیت می‌کنند. به عنوان مثال، حکومت کلان شهری توکیو ۲۳ بخش (KO) دارد که هر بخش دارای یک شهردار است و با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شود.^۶

برای نامیدن مسئول شهرداری نیز از واژه‌های گوناگون استفاده می‌گردد، اما به طور کلی اگر شهردار منتخب مردم باشد Mayor و اگر به وسیله شورای شهر استخدام شود، مدیر شهر (City Manager) خوانده می‌شود.

اما صرف نظر از بحث واژه‌شناسی، اگر بخواهیم تعریف شهرداری را بر ویژگیهای مرسوم و مسلط شهرداریها در جهان امروز متکی سازیم، باید مشخصات ذیل را برای شهرداری برشماریم:

۱- شهرداری سازمانی منتخب است؛ بدین ترتیب که اعضای شورای شهر و شهردار به طور جداگانه

۳- سفارت جمهوری اسلامی ایران در سالوبه موقعیت شهرداری در اسپانیا، ۱۳۷۲، ص ۱

4- C.F. The New Encyclopedia Britanica, P. 432.

۵- فیروز فیروزه مطرح ریوی کالیفری در ایران آبادی، سال اول، شماره سوم، زمستان ۱۳۷۰، ص ۱۹.

۶- مرکز مطالعات و پژوهشهای اداری، دولت مسقط در کشورهای اندونزی، استرالیا، ژانسنکو، مسکو، سازمان امور اداری و استخدامی کشور، ۱۳۶۴، ص ۳۵.

۷- جیسی فرهنگ باقوی (مترجمه دولت شهر اسلو، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۷۵، ص ۱)

۸- سفارت جمهوری اسلامی ایران در توکیو، شهرداری توکیو و جایگاه آن در سیستم اداری کشور، ص ۵.

توسط مردم برگزیده می‌شوند و یا اینکه شهروندان فقط شورا را برمی‌گزینند و شورا مدیری برای شهر استخدام می‌کند.

۲- شهرداری سازمانی محلی است که به منظور اداره امور محلی با هدف مدیریت و توسعه کالبدی، اقتصادی و اجتماعی در محدوده‌های تعریف شده و از سوی قانونگذار - که معمولاً شهر و حوزه نفوذ آن است - به فعالیت می‌پردازد و معمولاً خارج از آن محدوده حق و وظیفه ارائه خدمات ندارد.

۳- شهرداری مسئول ارائه خدمات عمومی در محدوده تعریف شده است. این خدمات از کشوری به کشور دیگر متفاوت است، اما به‌طور معمول شهرداریها موظف به ارائه این خدمات هستند:

برنامه‌ریزی شهری، حمل‌ونقل عمومی، محافظت از آتش و سایر بلاها، تأمین فضای سبز، تأمین پاکیزگی، زیباسازی فضای عمومی، اداره امور گورستان، اداره بازارهای عمومی و میدان میوه و تره‌بار، تأمین خدمات فرهنگی و فراغتی، جلب توریسته، ارائه خدمات انتظامی شهری و رانندگی، ارائه خدمات رفاهی و تأمین اجتماعی، ارائه خدمات زیست محیطی و بهداشتی، تسهیل سرمایه‌گذاران تجاری و صنعتی، تأمین ساختمانها، تأسیسات و تجهیزات شهری (ساخت، نگهداری و تأمین نور خیابانها، ساخت پلها، کانالها، پارکینگ، پایانه‌ها، سردخانه‌ها و انبارها، تأمین آب، برق، گاز، سوخت، فاضلاب و...).

۴- شهرداری نهادی عمومی و واحدی مستقل است که در چارچوب قوانین ایالتی یا ملی تشکیل می‌شود. بنابراین، شهرداری، حکومت محلی کاملاً خودمختار و مستقل - که دارای قوه مقننه مجزا و قوانین اساسی خاص خود باشد - نیست. اگرچه در بعضی از شهرها مانند توکیو، شهرداری دارای ارگانی شبیه مجلس است که می‌تواند قوانین محلی وضع نماید، اما در هیچ شهر و کشوری، مدیریت محلی مجاز نیست دست به اعمالی بزند که با قانون اساسی یا سایر قوانین ملی - که تبعیت از آنها برای تمام کشور الزامی است - مغایر باشد یا اینکه مصالح کلی کشور را خدشه‌دار سازد.

۵- شهرداری، حتی‌المقدور از منابع و امکانات محلی برای تأمین خدمات عمومی و انجام طرحهای عمرانی بهره می‌جوید و کمتر به منابع ملی متکی است.^{۱۱}

دوازدهم خرداد ماه امسال، نود و دومین سالگرد تصویب اولین قانون شهرداری - با عنوان قانون بلدیة - در ایران است. بنابراین، سابقه فعالیت شهرداری ایرانی به مفهوم نوین آن نزدیک به یک قرن است

تعریف مدیریت شهری

چنانکه گفته شد شهرداری مسئول مدیریت شهر است، لذا در ادامه به منظور تدقیق فضای مفهومی شهرداری، مفهوم واژه مدیریت شهری نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد:

مدیریت شهری از لحاظ مفهومی متنوع و تا حدی مبهم است. گاه مدیریت شهری همان اجرائی سیاست یا مدیریت عمومی در عرصه شهر تلقی شده و زمانی دیگر به کلیه فعالیت‌های اطلاق می‌گردد که برای نیل به توسعه شهر انجام می‌شود. از دیدگاه بانک جهانی «مدیریت شهری رهیافتی تجاری‌مانند است که ممکن است استفاده از وامها را کارآمد و مؤثر تر بکند»^{۱۲}. از نظر کمیسیون سکونت‌گاه‌های انسانی سازمان ملل (UNGHS)^{۱۳} مدیریت شهری به‌طور کلی به‌عنوان الگویی برای مدیریت و توسعه سکونت‌گاه‌های شهری اعم از شهرهای کوچک و بزرگ و مادرشهرها مطرح شده و همه بازیگران فعال در امور شهری نظیر شرکتهای خصوصی، مجامع غیردولتی (N.G.O)، مجامع مدنی و دیگر افراد و گروه‌هایی را که در شهر کار و زندگی می‌کنند، دربرمی‌گیرد.^{۱۴}

در قوانین شهری فرانسه نیز مفهوم مدیریت (Amenagement) شهری به شیوه زیر تحدید شده است: «سازمان دادن به فضای انسان در مجتمع‌های انسانی که شهر نامیده می‌شوند برای این کار باید بتوان منابع طبیعی، انسانی و مالی را تجهیز کرد و از طریق سازماندهی لازم و تنظیم روابط بین اجزای داخلی سازمان و بین‌سازمانی به گونه صحیح به هدفهای شهرسازی نائل آمد و نیازهای جامعه انسانی شهر را تأمین کرد»^{۱۱}.

از دیدگاه سیستمی، نظام مدیریت شهری عبارت است از «یک سازمان گسترده متشکل از تمام عناصر و اجزای رسمی و غیررسمی ذی‌ربط و مؤثر در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی حیات شهر با هدف اداره، هدایت، کنترل و توسعه همه‌جانبه و پایدار شهر مربوطه.

در این مفهوم، مدیریت شهری از نوع سیستمهای باز و بسیار پیچیده انسانی و اجتماعی است که با عناصر و روابط بسیار متنوع و متعدد مواجه است. داده‌های این سیستم خواسته‌های دولتی و شهروندان است و ستاده‌های آن توسعه کمیت و کیفیت زندگی شهری... مدیریت شهری باید تمام سیستم شهری اعم از فضای کالبدی و عملکردی آن را تحت پوشش قرار دهد و لذا دارای ماهیت سازمانی توأمان، چندعملکردی (سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا) و چندسطحی است»^{۱۲}.

با وجود تنوع مفهومی مدیریت شهری که ناشی از تنوع نگرشهای موجود است، می‌توان اصول ذیل را از این تعاریف استخراج نمود:

۱- گستردگی و پیچیدگی مفهوم مدیریت شهری آن‌چنان است که به هیچ‌وجه نمی‌توان شهرداری را معادل مدیریت شهری دانست. مدیریت شهری مترادف است با همه بازیگران عرصه شهر و نقش شهرداری، به‌عنوان هسته مرکزی مدیریت شهر، هدایت، نظارت، راهبری و جلب مشارکت سایر بازیگران است.

۲- مدیریت شهری، جامع‌نگر است و تمام عرصه‌های عملکردی - کالبدی شهر را دربرمی‌گیرد.

۳- اهداف توسعه شهر معزز مهم‌ترین مسایل و فرصتهای مورد توجه مدیریت شهری است. این اهداف برای ارزیابی کارایی و اثربخشی مدیریت نیز کاربرد دارد و از سوی دیگر تعیین‌کننده وظایف مدیریت شهری و شهرداری است. به‌عنوان مثال، اگر توسعه اقتصادی - اجتماعی در اولویت باشد، اقدامات اصلی - که باید برای بهبود شرایط زندگی شهروندان بر مبنای این هدف انجام شود - نسبت به هنگامی که توسعه کالبدی در اولویت است، متفاوت خواهد بود.

۴- مدیریت شهری تنها در پی دستیابی به اهداف نیست، بلکه مستلزم انجام اقدامات لازم برای تداوم و استمرار اثرات دستیابی به اهداف نیز هست.

۵- مدیریت شهری می‌تواند موجب اجرای اقداماتی معین از سوی دیگران در جهت توسعه شهری باشد. در اینجا اجبار یا کنترل دیگران مورد نظر نیست، بلکه انگیزه‌دادن، راهنمایی و هدایت و جلب مشارکت، ابزارهای مدیریت شهری برای تحقق اهداف هستند.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب مطرح‌شده می‌توان شهرداری را به شیوه زیر تعریف نمود:

شهرداری سازمانی است منتخب که با مشارکت اهالی یک محل انتخاب شده و به‌منظور ارائه خدمات عمومی محلی به‌فعالیت می‌پردازد. این مؤسسه، عمومی و غیردولتی است اما رسمیت قانونی دارد، زیرا براساس قوانین ملی یا ایالتی تشکیل می‌گردد و از سوی حکومت مرکزی به رسمیت شناخته می‌شود. شهرداری در اداره امور محلی از استقلال نسبی برخوردار است، اما خودمختاری کامل به‌حدی که بتواند قوانین اساسی و سایر قوانین لازم‌الاجرای کشور را نقض نماید، ندارد.

مؤسسه شهرداری برای تأمین منابع خود بیشتر به منابع محلی اتکا دارد و کمتر از منابع عمومی ملی بهره می‌جوید.

شهرداری معادل مدیریت شهری نیست، اما هسته مرکزی مدیریت شهری را تشکیل می‌دهد و وظیفه هدایت، نظارت، راهبری و جلب مشارکت سایر عوامل مؤثر بر مدیریت شهری را برعهده دارد. ♦

۱۱- بخش از احادی سلطی و اداری نیز حکمرانان مرکزی یا ایالتی. کنترل‌هایی بر مدیریتهای محلی و از جمله شهرداریها اعمال می‌کنند. به‌عنوان مثال، بودجه‌ساز، کمیته‌های ویژه نظارت (Super-Visory Board) که زیر نظر وزارت کشور کار می‌کنند وظیفه نظارت و کنترل شهرداریها را بر عهده دارند. از کد سفارت جمهوری اسلامی ایران در کنه‌هاگ، سیستم مدیریت شهری و وظایف شهرداری شهنا، بی‌تا، ص ۳.

۱۲- ر. ک. مؤسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس، امکان‌سنجی و اکادری و کیفی جدید به شهرداریها، حد اول، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری (دار مست انتشار).

11- Michael Maloney, The Meaning of Urban Management Cities, Vol. 10, 1994, P. 201.

۱۲- بکر از سازمانهای وابسته به سازمان ملل متحد که در زمینه برنامه‌ریزی حکومت‌های انسانی فعالیت می‌کند.

۱۳- سیر اجرایی کمیسیون سکونتگاه‌های انسانی سازمان ملل، بهبود مدیریت شهری ترجمه نوید سعیدی رهنمایی، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری تهران، ۱۳۷۳، ص ۳.

۱۴- احمد مفیدی، قوانین شهرسازی در فرانسه وزارت مسکن و شهرسازی، تهران، ۱۳۷۵، ص ۲.

۱۵- ر. ک. اسلام‌محمد کسافه‌یان، مدیریت کلان‌شهری تهران، واگرای عملکردی و فضایی معماری و شهرسازی، شماره ۲۶ و ۲۷، مهر و دی، ۲۰۱۵، ص ۶۴.



مدیریت ترافیک: عابر پیاده یا خودرو؟

♦ گفتگو با مهندس کامران رادپویا

فوق لیسانس برنامه ریزی حمل و نقل و ترافیک

♦ گفتگو از: غلامرضا طالبی

کافی، کفسازی مناسب، محیطی مطبوع و... انتظارات بجایی است که باید مدیران شهری به آن توجه کنند و در طراحی و اجرای معابر پیاده، به استانداردهای جهانی نزدیک شوند. از سوی دیگر، عابر پیاده نیز باید از خوش نشینی کوی و وار بدرآید و مسئولیت پذیر و قانونمند شود.

مهندس کامران رادپویا در حوزه موضوعات و مسائل عابر پیاده و تسهیلات شبکه حمل و نقل

پیاده روی، حق طبیعی هر انسان است در هر رده سنی و بنا بر کیفیت فیزیکی. امکانات پیاده روی باید برای هر واحد انسانی فراهم شود. اگر محدودیتی برای عابر پیاده پیش بینی می شود، باید در کنارش تسهیلات لازم نیز فراهم شود وگرنه به طور نامنظم از وسط خیابان و حوزه ممنوعه عبور خواهد کرد و سیستم را دچار اختلال خواهد نمود. ایمنی، امنیت، عرض

و ترافیک فعالیت می‌کند. عاشق حرفه خویش است و با همه وجود در ارتقای کمی و کیفی حوزه فعالیت خویش، تلاش می‌کند. او را سرزنده، پر نشاط و خستگی‌ناپذیر یافتیم. با یک دنیا حرف‌های شنیدنی...

● **عابر پیاده، در سیستم مدیریت ترافیک امروز دنیا، تا چه حد اهمیت دارد و از چه سهم و اولویتی برخوردار است؟**

■ **عابر پیاده، به دو نحو در سیستم ترافیک دخالت می‌کند؛ یکی به‌عنوان فردی که پشت فرمان می‌نشیند و هدایت وسیله نقلیه را به‌عهده می‌گیرد و جزئی از سیستم ترافیک وسایل نقلیه موتوری به حساب می‌آید و یکی هم به‌عنوان یک سیستم حمل‌ونقل به‌نام «پیاده‌روی».** فرهنگ ترافیک هم فرد را از همین دو دیدگاه بررسی می‌کند. در فرهنگ ترافیک بحث می‌شود که اخلاق افراد، زمانی که پشت فرمان نشسته‌اند و در حال رانندگی هستند با زمانی که پیاده راه می‌روند فرق می‌کند. اینها دو دنیای متفاوت است. به‌طور کلی بحث فرهنگی ترافیک از همین جا شروع می‌شود و برای همین است که مسئله عابر پیاده این همه اهمیت دارد. اصولاً برنامه‌ریزیها برای سهولت دسترسی عابر پیاده است. اگر ترافیکی ایجاد می‌شود برای این است که عابر پیاده می‌خواهد پیاده‌روی نکند و با ماشین برود.

● **در طراحی معابر پیاده امروز دنیا، چه ویژگی‌هایی برای ایجاد انگیزه در عابر پیاده در نظر می‌گیرند؟**

■ **اولین شرط لازم این است که عرض کافی برای عبور وجود داشته باشد. حداقل یک پیاده‌رو برای عبور دو نفر از کنار هم، یک متر و نیم است. اما با توجه به اینکه ما درصدی معلول هم داریم، این حداقل باید یک متر و ۸۰ سانت باشد که دوتا ویلچر بتوانند به راحتی از کنار هم عبور کنند. اگر تعداد عابران زیاد باشد، عرض به‌همین نسبت افزایش می‌یابد اما تعیین دقیق آن با توجه به شرایط محیطی و کاربری آن تعیین می‌شود. کیفیت آسودند مردم در محیط مسکونی با محیط تجاری، متفاوت است.**

مطلب دیگر اینکه عرض مفید، برای ما مهم است. برای به‌دست آوردن عرض مفید باید از

وسترین مغازه‌ها، حداقل ۳۰ سانت فاصله بگیریم. همین‌طور در مورد درخت و هر مانع دیگر.

● **بجز عرض مفید، چه عوامل دیگری در تشویق و ترغیب عابر پیاده مؤثر است؟**

■ **میلان شهری، لوکس بودن، تمیز بودن، کف‌سازی مناسب، آبنماها و به‌طور کلی به‌وجود آوردن محیطی مطبوع و مهمتر از همه، ایجاد امنیت و ایمنی.**

امنیت و ایمنی دو چیز است؛ ایمنی یعنی اینکه پیاده‌رو جوری باشد که وسائط نقلیه نتوانند عابر را مصدم کنند ولی امنیت یعنی امنیت جانی و مالی؛ اینکه، به‌عنوان مثال، مورد سرقت قرار نگیرد.

روشنایی کافی نیز لازم است. به‌نحوی که باعث مصدم شدن عابر نشود. رنگها می‌توانند محیط را جذاب و دلپذیر کنند. لعزنده‌نبودن سطح، خیلی مهم است. خشک‌چینی و آسفالت رنگی، به‌عنوان مثال، موزاییک، نمونه‌های خوبی هستند به شرط اینکه آج‌دار باشند تا مانع سرخوردن شوند. سطحی که شن‌ریزی شده است ممکن است زیبا باشد ولی تردد عابر را دچار اشکال می‌کند چون برای مدت طولانی نمی‌توان در آن آسودند کرد.

● **برای سالخورده‌گان، معلولان، خردسالان و این‌گونه عابران پیاده چه تدابیر و تسهیلاتی در نظر می‌گیرند؟**

■ **در طراحی پیاده‌روها، یکی از آیت‌های پیاده روی و عرض پیاده‌رو، سرعت عابر پیاده است. ظهراً پیاده‌روهای ما باید با همه گروه‌ها، همخوانی داشته باشند. همین تفاوت سرعت، عرض پیاده‌رو را تغییر می‌دهد و تعیین می‌کند. برای بچه‌ها ایجاد ایمنی مهم است به‌نحوی که با وسایل نقلیه برخورد نکنند اما برای کهنسالان، ایجاد امنیت مهمتر است؛ اینکه زمین نخورند و سطح ناچور نباشد. شاید برای بچه‌ها اگر سنگلاخ هم باشد مشکل خاصی پیش نیاید اما برای کهنسالان و بخصوص معلولان، سطح صاف ضرورت دارد. همه سطوحی که با پله ارتباط پیدا می‌کند حتماً باید کنارشان سطح شیب‌دار نیز وجود داشته باشد. در سازمان برنامه و بودجه، ضوابطی برای**

سفرهای بیش از ۱۰۰۰ متر، معمولاً با ماشین انجام می‌شود مگر اینکه شخص، قصد پیاده‌روی داشته باشد. این خیلی مهم است ما فعلاً سفرهای شهری را بررسی می‌کنیم نه انگیزه‌ها را، اگر این دو موضوع از یکدیگر جدا نشوند دچار مشکل خواهیم شد. حداکثر تمایل پیاده‌روی افراد سه تا پنج دقیقه است بیش از این را ترجیح می‌دهند با ماشین بروند. عابر پیاده در هر دقیقه، تقریباً ۲۲ متر راه می‌رود، یعنی در پنج دقیقه کمتر از ۴۰۰ متر؛ این نهایت فاصله‌ای است که عابر تمایل دارد پیاده برود.

علت این که فاصله ایستگاه‌های اتوبوس ۷۰۰-۸۰۰ متر تعیین شده این است که عابر با ۳۰۰-۴۰۰ متر پیاده‌روی خودش را به ایستگاه برساند. بنابراین، محلی را که برای فعالیت عابر در نظر می‌گیریم باید با همین فرمول، طراحی شود. البته اگر شخصی، مقصد آخرش ۱۰۰۰ متر، باشد مانند فاصله خانه تا مدرسه، باز هم احتمال پیاده‌روی او زیاد است؛ به انتظار ماشین نمی‌ایستد و پیاده می‌رود. شرکت مطالعات جامع حمل‌ونقل و ترافیک تهران، در زمینه درصد سفرها، مطالعاتی انجام

دهنسالان و معلولان وجود دارد که پیاده‌روها را هم شامل می‌شود. چنین ضوابطی در مسکن و شهرسازی نیز وجود دارد. این ضوابط، خوب و نسبتاً جامع است و اگر رعایت شود بسیاری از مشکلات این گروه حل خواهد شد.

● آیا در طراحی معابر پیاده، اصول جامع وجود دارد یا بنا به موقعیت و فرهنگ محلی تغییرپذیر است؟

■ تلفیق هر دو مورد نظر است. فرمولها و ضوابطی وجود دارد که پارامترهای آن، به شرایط محلی بستگی دارد؛ مثل سرعت عابر پیاده، عرض معبر، جنسیت عابر، رده سنی و کاربری مکانی که عابر در آنجا حرکت می‌کند. گروه‌بندی سنی حتماً لازم است؛ سرعت کهنسالان ۲۰ تا ۳۰ درصد از خردسالان کمتر است اما سرعت متوسط همه عابران، ۱/۲ متر در ثانیه است. اگر پیاده‌رو برای رده سنی عمومی باشد بر همین اساس محاسبه می‌شود اما برای مکانهایی که تفکیک سنی وجود دارد مانند گذرگاه مدرسه، طبیعتاً باید سرعت بچه‌ها را در نظر گرفت، همین‌طور در مورد سایر عوامل محلی و فرهنگی منطقه مورد نظر.

هر چه بتوانیم امکانات رفاهی بیشتری فراهم کنیم و محیطی مطبوع به وجود آوریم، طول سفرهای پیاده افزایش می‌یابد. اما در ایران، سیستمی مناسب برای نگهداشتن این کیفیت وجود ندارد

وقتی محدودیتها بیش از حد معمول است، آموزش لازم هم وجود ندارد، امتیازات کافی هم در اختیار نیست... از عابر پیاده بجز همین آمدوشدهای بی‌قاعده چه انتظاری می‌توان داشت. همه تخلفها را که نباید به حساب بی‌فرهنگی مردم گذاشت

داده است. بعضی از کارشناسان، سفرهای کاری پیاده را بین ۲۰ تا ۳۰ درصد می‌دانند و سفرهای خرید پیاده را بین ۶۰ تا ۷۰ درصد. سفرهای دیگر هم درصد خاص خودشان را دارند اما هنوز در ایران، در این زمینه اطلاعات دقیق و به روز وجود ندارد.

● آیا در سیستم ترافیک ایران، عابر پیاده

● در ایران، سفرهای پیاده چه نسبتی را از کل سفرهای شهری شامل می‌شود؟ آیا مطالعاتی در این زمینه انجام شده است؟
■ سفرهای پیاده معمولاً سفرهایی هستند که طولشان کمتر از ۱۰۰۰ متر باشد. براساس مطالعاتی که در سازمان حمل‌ونقل و ترافیک تهران انجام داده‌ایم به این نتیجه رسیده‌ایم که



می‌شود؛ یعنی پلهای عابر پیاده و زیرگذرها. البته گذرگاه‌های غیرهمسطح، مشکلات خاص خودش را نیز دارد؛ مسائل امنیتی و ایمنی، هزینه‌های احداث و... اما بهر حال اگر بزرگراهی زده شود و فکری برای زیرگذر یا روگذر آن نشود، مشکلات جبران‌ناپذیری پیش خواهد آمد مانند بزرگراه آزادگان تهران که در هر هفته، بیش از سه تصادف منجر به فوت دارد، چون تعداد گذرگاه‌هایی آن کم است. اگر تعداد گذرگاه‌ها زیاد شود و تسهیلات هم به‌وجود آید و قدرت انتخاب عابر را به‌نحوی محدود نمایند که نتواند از عرض عبور کند، ایمنی عابر تأمین شده است.

در بزرگراه و تندراه، گذرهای همسطح باعث توقفهای بی‌دری و سائط نقلیه می‌شوند در حالی که موانع در بزرگراه و تندراه باید محدود شوند تا توقفهای میانی به حداقل برسد و گرنه ویژگی خود را از دست می‌دهند.

● چه موقع گذرهای ویژه عابر پیاده در ایران به‌بهره‌برداری خواهد رسید؟

■ طبعاً در جاهایی مانند بازار، به‌طور اتوماتیک، این اتفاق افتاده است و ورود وسائل نقلیه موتورسیکلتی محدود شده است. اما به‌طور سیستماتیک و مطالعه شده، در دستور کار معاونت مطالعات سازمان حمل‌ونقل ترافیک تهران است و قرار است برای اواخر سال ۱۳۷۸، ده یا پانزده محل در این زمینه مطالعه و امکان‌سنجی شوند و به‌گذرهای ویژه عابر پیاده (Mall) تبدیل شوند. در این خصوص، اول باید

اهمیت و موضوعیت لازم را پیدا کرده است؟

■ در سال ۱۳۷۲ در سازمان ترافیک تهران، مطالعاتی انجام شد که مدیر پروژه‌اش من بودم به‌نام «بررسی سیستم عبور عابر پیاده در شبکه معابر درون شهری». بیش از سه یا چهار هزار آمار گرفته شد و کار نسبتاً وسیعی انجام گرفت. کارآیی زیرگذرها و روگذرها و به‌طور کلی، همه معابر بررسی شد.

معاونت مطالعات سازمان ترافیک، جدیداً پروژه‌هایی تعریف کرده به‌نام گذرهای ویژه عابر پیاده «مال» (Mall)؛ مکانهایی که مخصوص عابر پیاده است و وسایل نقلیه موتوری از ورود به آن منع شده‌اند یا محدودیت پیدا کرده‌اند. در سمینار ترافیک که جدیداً برگزار شد، مقالهای توسط من ارائه شد به‌نام «گذرهای ویژه عابر پیاده».

همان طور که گفتیم در هیچ کدام از این موارد، مطالعات جامع انجام نشده و آمار به روز وجود ندارد. بنابراین، عابر پیاده نیز اهمیت و موضوعیت لازم را پیدا نکرده است.

● چرا معمولاً در ایران، عابران پیاده رفتار قابل تطبیق با ترافیک عبوری - به‌نحوی که باعث اختلال در آن نشود - ندارند؟

■ عابران پیاده هیچ‌گونه محدودیت قانونی ندارند و بی‌مسئولیت در خیابان قدم برمی‌دارند. پلیس هم که بالای سرشان نیست. در ۹۰ درصد تصادفات (بجز اتوبانها و محلهای خیلی خاص) حتی اگر عابر پیاده هم خودش را به ماشین بزند، ماشین مقصر است.

از سوی دیگر، آموزش اجتماعی در ایران بسیار ضعیف است. اقداماتی نظیر پارک آموزش ترافیک خیلی مهم است.

● کدامیک از معابر تهران به استانداردهای جهانی نزدیک شده‌اند؟

■ به‌عنوان مثال، بخشی از محدوده پارک ملت و خیابان ولی‌عصر.

● در بزرگراه‌ها، عابر پیاده با مشکلات زیادی مواجه است؛ گذرهای همسطح خطرناک‌اند و گذرهای غیرهمسطح به اندازه کافی وجود ندارد، چه تسهیلاتی برای عابر پیاده پیش‌بینی شده است؟

■ برای بزرگراه‌ها، گذرهای غیرهمسطح پیشنهاد

بینیم این‌گونه گذرگاه‌ها چه اختلالی در ترافیک عبوری شهر به‌وجود می‌آورند. به‌همین دلیل، آمارگیرهای مبدأ و مقصد و حجم ترافیک شبکه اطراف این گذرگاه‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است. اگر ترافیک اطراف گذرگاه، راه‌نادر و قفل نشد مورد بعدی برای مطالعه، تأثیر گذرگاه روی خود محیط است؛ اینکه آیا محیط جوابگو هست یا نه؟ در مراحل بعدی می‌آییم محیط را لوکس و مرتب می‌کنیم و مکانهای جدید به‌وجود می‌آوریم.

● آیا احداث این گذرگاه‌ها، وضعیت تجاری محل را تضعیف نخواهد کرد؟

نه، بلکه باعث رشد و تقویت تجاری منطقه هم خواهد شد. از طرف دیگر، اگر شرایط این گذرگاه‌ها مناسب باشند یعنی مرتب و زیبا باشند و دارای آب‌تماها، فضاهای سبز و دلپذیر، سرویس حمل‌ونقل عمومی، پارکینگ و... در این صورت جاذبه توریستی خوبی نیز برای شهر خواهد بود.

البته برای ما مهم است که بدانیم چند درصد از مراجعه‌کنندگان ما از وسیله نقلیه شخصی و چه تعداد از وسایل نقلیه همگانی استفاده می‌کنند تا براساس این اطلاعات، وسایل حمل‌ونقل همگانی و پارکینگ تهیه کنیم.

● در مهندسی ترافیک ایران کیفیت سفر عابر پیاده تا چه حد اهمیت دارد به‌عنوان مثال، ایجاد فضای سبز، عوامل تفریحی، تأمین منابع نوری و...؟

■ قطعاً هر چه بتوانیم امکانات رفاهی بیشتری فراهم کنیم و محیطی مطبوع به‌وجود آوریم، طول سفرهای پیاده افزایش می‌یابد. اما در ایران، سیستمی مناسب برای نگهداشتن این کیفیت وجود ندارد و بسیار ضعیف است.

● روگذرها، معمولاً، برای استفاده افراد معلول مناسب نیست؛ چه تدابیری اندیشیده‌اید؟

■ روگذرها برای افراد معلول، باید به‌صورت سطوح شیب‌دار باشد که ویلچر بتواند از آن عبور کند. اما از آنجا که موتورسوارها نیز از این گذرها استفاده می‌کردند و ایمنی عابران را به‌خطر می‌انداختند تبدیل به پله شد. اما اگر بخواهیم اصولی فکر کنیم باید از پله برقی استفاده کنیم، یا بالابرها، مخصوص معلولان و آسانسور.

● زیرگذرها هم معمولاً امنیت و ایمنی کافی ندارند...

■ بله، درست است، اما اگر زیرگذر به‌طور صحیح طراحی و برنامه‌ریزی شود، هم می‌تواند هزینه‌های احداثش را جبران کند و هم امنیت و ایمنی کافی داشته باشد؛ به این صورت که کاربری تجاری به آن بدهیم، با مغازه‌های شبانه‌روزی. در واقع، تمام سرویسهای شبانه‌روزی شهر را به‌داخل زیرگذر ببریم تا هم مردم بدانند این سرویسها کجا هستند و هم اینکه از امنیت، ایمنی، جذابیت و روشنایی کافی برخوردار باشند.

این طرح، پیشنهاد شده ولی هنوز به‌صورت سیستماتیک، مورد بررسی قرار نگرفته است. به این ترتیب، با احداث این واحدهای تجاری، می‌توان هزینه‌های اولیه و ثانویه زیرگذر را جبران و تأمین کرد.

زیرگذر باید از بادوامترین و زیباترین مصالح ساخته شود، به‌عنوان مثال سنگ گرانیت، گرچه ممکن است گران و پرهزینه به‌نظر برسد ولی دیرتر خراب می‌شود، زیاست و محیط اطرافش را نیز به‌محیطی لوکس تبدیل می‌کند. اگر زیرگذر زیبا باشد همه رغبت می‌کنند از آن استفاده کنند و عبور نمایند. در این صورت، مغازه‌های آنجا رونق خوبی پیدا می‌کند.

مطلب قابل توجه اینکه درگیر شدن زیرگذرها با تأسیسات زیرزمینی، احداث آن را مشکل



رانندگی به هزارویک دلیل، یک کار جدی تلقی می‌شود، اما پیاده‌روی... کاری زائد و بی‌خاصیت. باور کنیم که پیاده‌روی هم یک «کار» است حتی یک کار جدی

در فرهنگ ترافیک بحث می‌شود که اخلاق افراد، زمانی که پشت فرمان نشسته‌اند و در حال رانندگی هستند با زمانی که دارند پیاده راه می‌روند فرق می‌کند

■ زمان بندی این چراغها براساس یک مدل ریاضی است. البته این مدلها در کشورهای مختلفه فرق می‌کند. یکی از پارامترهای چراغ راهنمایی، سرعت عابر پیاده است یعنی زمانی که او بتواند عرض خیابان را طی کند.

براساس این فرمولها، اگر عرض یک خیابان مثلاً ۳۰ متر است زمان چراغ سبز برای عبور عابران ۲۷ ثانیه طراحی می‌شود.

● در بعضی از گذرگاهها، به دلایلی، عابران عجله دارند و از ایستادن زیاد، پشت چراغ قرمز، امتناع می‌ورزند. آیا در این گونه موارد، وضعیت خاص عابران در زمان بندی چراغها رعایت می‌شود؟

■ به‌طور کلی، خیابان عجلی است برای عبور وسیله نقلیه موتوری. در این گونه موارد که اشاره کردید بهترین راه، تقاطع غیرهمسطح است که هر دو آزادی عمل داشته باشند در غیر این صورت، بهترین حالت، رعایت حد وسط است. ما نمی‌توانیم عجله و شتاب عابر پیاده را به‌عنوان یک عامل کنترل در نظر بگیریم. در این صورت، محدودکننده‌های ما به قدری زیاد می‌شوند که دیگر برنامه‌ریزی امکان نخواهد داشت.

طول سیکل چراغ راهنمایی در مواردی از ۳ دقیقه و در مواردی از ۵ دقیقه نباید بیشتر باشد که به‌طور اتوماتیک در خود چراغ راهنمایی انجام می‌شود.

● در بعضی از شهرهای ایران، از جمله اصفهان و مشهد، شاهد گذرگاههایی هستیم که نسبت به سایر گذرگاهها متفاوت است. آیا مدیران شهری خواسته‌اند آنجا را

می‌نماید و در بعضی از محله‌ها آن را غیرممکن و منتفی می‌کند. ولی بدهر حال اگر احداث زیرگذر ممکن باشد، اولویت دارد و استقبال بیشتری هم خواهد شد.

● وسایل نقلیه به محل خط‌کشی عابر که می‌رسند، احتیاط لازم را انجام نمی‌دهند و با همان سرعت قبلی می‌رانند. عابر با ناملی، عرض را طی می‌کند. تدابیری در این خصوص اندیشیده‌اید؟

■ در محلهایی که عبور عابر پیاده زیاد است و قابل توجه است سیستمی وجود دارد به نام فشار دکمه‌ای (Push Button)؛ به این صورت که عابر پیاده، دکمه‌ای را فشار می‌دهد و بعد از چند ثانیه، چراغ وسیله نقلیه موتوری، قرمز و چراغ عابر پیاده سبز می‌شود و عابر از روی خط‌کشی عبور می‌کند. این سیستم، مدتی در خیابان ولی عصر تهران مورد استفاده قرار گرفت، اما وسایل نقلیه، آن را جدی نگرفتند. شاید اگر پلیس می‌بود و جریمه عبور از چراغ قرمز اینجا نیز انجام می‌شد، این سیستم جا می‌افتاد.

بحث، بحث فرهنگ است؛ اینکه کسی خودش را ملزم نمی‌داند برای عابر توقف کند در حالی که در قوانین راهنمایی و رانندگی ایران، حق تقدم محض، روی خط‌کشی با عابر پیاده است. بنابراین چند کار را باید با هم انجام بدهیم؛ هم باید تسهیلات فراهم کنیم و هم آموزش لازم بدهیم و هم از نیروی پلیس استفاده کنیم.

● در زمان بندی چراغهای راهنمایی، چه پارامترهایی برای عابر پیاده طراحی شده است؟

به گذرگاه ویژه عابر پیاده (Mall) تبدیل نمایند؟

■ بله، ممکن است. اما بدون برنامه‌ریزی دقیق و رعایت ضوابط، این اتفاق به‌طور صحیح نخواهد افتاد.

● از حضور و حوصله شما متشکرم.

در مورد عابر پیاده، یک چیز مهم است: این که او را به‌عنوان یک سیستم عبوری به رسمیت بشناسیم. برای وسایل نقلیه موتوری چراغ، مسیر عبور، پل غیر همسطح، پارکینگ و... وجود دارد. همه این اتفاقات هم طراحی شده است. اگر برای عابر پیاده نیز این‌گونه برنامه‌ریزی شود، مشکلی وجود نخواهد داشت. در غیر این صورت، اگر بخواهیم مشکلات به‌طور اتفاقی و خود به خود حل شود این اتفاق هرگز نخواهد افتاد.

ما زمانی برنامه‌ریزی می‌کنیم که محدودیت داریم. اگر وسایل نقلیه موتوری نبودند، محدود کردن عابر پیاده هم بی‌معنا بود. اما اکنون که لازم است امکانات و امتیازاتی به عابر پیاده بدهیم و در واقع، او را در این امتیازات و امکانات محدود نماییم: باید از یک‌سو امکانات را با محدودیت‌های کمتری به عابر پیاده بدهیم و

از سوی دیگر، مصرف این امکانات نیز باید براساس فرمولها و ضوابط قابل قبول باشد.

وقتی محدودیتها بیش از حد معمول است، آموزش لازم هم وجود ندارد، امتیازات کافی هم در اختیار نیست و به‌طور کلی، سایه سوء مدیریت شهری بر اینجا و آنجا و همه‌جا سنگینی می‌کند. از عابر پیاده بجز همین آموخته‌های بی‌قاعده، چه انتظاری می‌توان داشت! همه تخلفها را که نباید به‌حساب بی‌فرهنگی مردم گذاشت.

رانندگی به هزارویک دلیل، یک کار جدی تلقی می‌شود اما پیاده‌روی (بجز در بعضی موارد و بعضی افراد) کاری زاید و بی‌خاصیت. باور کنیم که پیاده‌روی هم یک «کار» است، حتی یک کار جدی.

در عاقبت مردم، مهمتر از ایجاد فرهنگ ترافیک، به‌وجود آوردن «عادت» و «قوة قهریه» است. به‌عنوان مثال، اگر اطراف پل‌های روگذر، فنس‌کشی شود به‌نحوی که اگر عابر نخواهد از پل عبور کند لازم باشد ۵۰ متر پیاده راه برود، طبعاً انتخاب او محدود می‌شود و در مرور زمان به یک عادت تبدیل خواهد شد. ♦

گردهمایی پایان سال ۱۳۷۷ معاونان امور عمرانی استانداریها

آخرین گردهمایی سال ۱۳۷۷ معاونان امور عمرانی استانداریها در روزهای ۲۷ و ۲۸ بهمن‌ماه در بندرعباس برگزار شد. در این گردهمایی، معاونان امور عمرانی استانداریها به‌سخت و بررسی در خصوص عوارض شهرداریها و تدوین راهکارهایی برای تأمین منابع جدید درآمدی برای شهرداریها پرداختند. در این گردهمایی، طرح جامع عوارض توسط معاونت امور عمرانی استان مازندران مطرح شد و مورد بحث قرار گرفت. همچنین آقای غنی‌زاده، مدیرکل امور شوراهای اسلامی شهر و شهرداریها، پیش‌نویس آیین‌نامه وصول عوارض را مطرح کرد. در ادامه این گردهمایی مهندس نوذریپور، مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی عمرانی وزارت کشور، ضمن ارزیابی بودجه شهرداریهای کشور در طول برنامه دوم با تبیین تنگناها، مسائل و مشکلات بودجه شهرداریهای کشور به ارائه دیدگاهها و نظرات دفتر برای حل این مسئله در آینده پرداخت. در این گردهمایی، سه کمیته تخصصی با حضور مدیران ستادی وزارت کشور و معاونان عمرانی استانداریها تشکیل شد و اعضای کمیته‌ها با توجه به علاقه و تخصص خود موظف شدند موضوعات مربوط به کمیته‌ها را مورد بررسی قرار دهند.

کمیته‌های تشکیل شده عبارت‌اند از کمیته عوارض و تأمین منابع جدید درآمدی، کمیته بازنگری در شرح وظایف تشکیلات حوزه معاونت عمرانی استانداریها و وزارت کشور و کمیته شوراهای آموزش که این کمیته‌ها به دبیری آقای غنی‌زاده، مهندس نوذریپور و مهندس جزایری نتایج بررسیها و مذاکرات خود را در گردهمایی بعدی معاونان امور عمرانی استانداریها ارائه خواهند نمود. ♦



آشنایی با کمیته فنی بین‌المللی پیشگیری و اطفاء حریق [C.T.I.F.]

♦ دبیرخانه ستاد هماهنگی امور ایمنی و آتش‌نشانی کشور

اشاره

اکنون که در واپسین سالهای قرن بیستم به‌سر می‌بریم نیم‌نگاهی به تحولات تکنولوژیکی - نهادی جهان حکایت از شکل‌گیری وابستگی متقابل و فزاینده دولتها دارد و همچنین نشانگر عینیت یافتن مفهوم دهکده جهانی در قالب سازمانها و نهادهای بین‌المللی است. مبادله تجربیات فنی و اطلاعات ویژگی اصلی این سازمانها را تشکیل می‌دهد. در این راستا سازمانهای بین‌المللی تخصصی برنامهریزی و مدیریت شهری نیز شکل گرفته‌اند. در این شماره به‌معرفی یکی از این سازمانها C.T.I.F یعنی «کمیته فنی بین‌المللی پیشگیری و اطفای حریق» می‌پردازیم.

سرویس بین‌المللی

این کمیته که در ۱۲ اوت ۱۹۵۵ در پاریس تأسیس شد، سازمانی بین‌المللی است که از آتش‌نشانی‌های مختلف تشکیل شده است. این کمیته تلاش می‌کند پیدایش خطرات را به بهترین نحو پیگیری کند و فعالیتهای خود را با مشکلات پیچیده مربوط به پیشگیری، پیش‌بینی و تصمیم‌گیری برای مقابله با بلایای خطرناک ناشی از تمدن مدرن امروزی ماسازگار نماید. این کمیته، به مثابه سازمانی برای تبادل اطلاعات، قصد دارد آتش‌نشان‌ها را به همکاری بین‌المللی تشویق و ترغیب کند و در مورد مسائل مربوط به ایمنی، نجات، پناه و مبارزه علیه حوادث روزمره، تکنولوژیهای مضر و بلایای طبیعی مذاکره نماید. به‌همین منظور، تلاش می‌کند تسهیلاتی برای ملاقاتها، روابط و تبادل تخصصها میان آتش‌نشان‌های کلیه کشورهای جهان، به‌ویژه ۴۳ کشور عضو این کمیته، فراهم سازد.

فعالیت خاص این کمیته در دو محور بزرگ خلاصه می‌شود:

۱) سمپوزیوم فنی بین‌المللی کمیته

این سمپوزیومها عمومی است و هر دو سال یکبار تشکیل می‌شود. موضوعات سمپوزیومها مربوط به فنون عملیاتی، مقررات پیشگیری و فعالیتهای تحقیقاتی است. این سمپوزیومها با توصیه‌های فنی کمیته افتتاح می‌شود و انتظار می‌رود در مناطقی که نظامهای فنی آن هنوز کامل یا رضایتبخش نیستند با استقبال روبرو شود. همچنین این کمیته بر جلسات و مذاکراتی که توسط سایر سازمانهای آتش‌نشان برگزار می‌شود و موضوعات آن مشخصاً با کمیسیون‌های فرعی این کمیته مرتبط است، نظارت خواهد داشت. این موضوعات عبارت‌اند از:

- ایمنی در مقابل آتش‌سوزی در فرودگاهها
- خدمات بهداشتی و سلامتی برای آتش‌نشان‌ها
- مبارزه علیه آتش‌سوزیهای جنگل
- مواد خطرناک
- موزه‌های آتش‌نشان‌ها

۲) مسابقات بین‌المللی کمیته

این مسابقات در زمرهٔ برجسته‌ترین فعالیت کمیته محسوب می‌شود و در هر ۴ سال ۲ هزار شرکت‌کننده را برای رقابت در رشته‌های زیر گرد هم می‌آورد:

- مسابقه بین‌المللی مانور آتش‌نشان‌ها
- مسابقه ورزشی بین‌المللی آتش‌نشان‌ها
- مسابقه بین‌المللی آتش‌نشان‌های جوان

این کمیته بین‌المللی توسط سه نهاد زیر اداره می‌شود:

- مجمع عمومی، که هر ۴ سال یک‌بار با حضور سه نماینده از کشورهای عضو تشکیل می‌شود و به بررسی مسائل نظامنامه‌ای و انتخاب رئیس می‌پردازد.
- شورای دائمی، که هر نماینده سالانه در آن شرکت می‌کند و در مورد بودجه، اهداف و تقاضاهای عضویت در کمیته مذاکره و رأی‌گیری می‌نماید.
- کمیته اجرایی، که متشکل از رئیس، دبیرکل، خزانه‌دار و معاونان است و حداقل دو بار در سال تشکیل می‌شود تا به امور جاری بپردازد.



بازتاب فعالیت کمیته

این کمیته که در چند قارهٔ جهان حضور دارد، از شهرت خوبی برخوردار است. این شهرت در کشورهای گوناگون متفاوت است و در کشورهایی که از دیرباز در مسابقات ورزشی بین‌المللی شرکت کرده‌اند جایگاه قابل توجهی دارد. در این کشورها، برنامه‌ها و جلسات کمیته با استقبال مواجه می‌شود و در مورد انتخابات آن مذاکرات و رقابت بسیار انجام می‌گیرد. این شهرت قابل ستایش است و باید آنرا به مثابهٔ تشویقی برای جوانانی که قصد دارند در آینده به‌عنوان آتش‌نشان فعالیت کنند در نظر گرفت.

به استثنای فعالیت‌های ورزشی، سایر فعالیت‌های فنی این کمیته چنان که باید شناخته نشده است. بدون شک اعضا باید ارتباط و مکاتبات خویش را تقویت نمایند و اسناد خود را به‌نحو احسن منتشر کنند. همچنین نمایندگان هر کشور باید اسناد و اطلاعاتی را که در جلسات برگزار شده توسط این کمیته کسب کرده‌اند، در کشور خود توزیع کنند. این کار غالباً در کشورها صورت نمی‌گیرد یا به‌ندرت انجام می‌شود.

امکانات محدود این کمیته بین‌المللی به او اجازه نمی‌دهد که هزینه‌های ترجمه، چاپ و انتشار کتب تخصصی را برعهده گیرد. این کتابها در شناسایی کمیته بسیار مؤثر خواهند بود. در این کتابها مسئولیت این کمیته در زمینه دیدار آتش‌نشان‌های مختلف از تمام کشورها و گروه‌های مختلف سنی در مسابقات بین‌المللی توضیح و تبیین شده و همچنین تبادل تجارب تخصصی و شیوه فعالیت آنها به‌خوبی تشریح شده است. ♦

اتحادیه بین‌المللی مقامات محلی (IULA)

بیانیه جهانی IULA در زمینه نقش زنان در حکومت محلی - ۱۹۹۸

♦ ترجمه لیلا بیرتسایان

آشاره

در سال ۱۹۱۳ در شهر گنت بلژیک، اتحادیه‌ای به نام اتحادیه بین‌المللی مقامات محلی (IULA) به منظور تقویت دولتهای محلی و منطبق‌های شکل‌گرفت و اندک زمانی بعد موزه استقبال کشورهای مختلف واقع شد، به طوری که بیش از ۷۰ کشور به عضویت آن درآمدند. IULA دارای سه رکن یعنی شور، کمیته اجرایی و دبیرخانه است که در جهت تیل به گسترش و تقویت دولتهای محلی، تشویق شهروندان به مشارکت در امور محلی، تشویق دولتهای محلی به تأمین رفاه شهروندان، حمایت از تبادل تجربیات دولتهای محلی با سازمانهای بین‌المللی دولتی تشکیل شده است. درآمد این اتحادیه از طریق حق عضویت سالانه اعضا و فعالیتهای گوناگون از قبیل آموزش، برگزاری سمینارها و کنفرانس‌ها تأمین می‌شود. بیانیه زیر از جمله بیانیه‌های این اتحادیه است که در زمینه گسترش مشارکت زنان در اداره امور محلی صادر شده است.

مقدمه

کمیته اجرایی جهانی اتحادیه بین‌المللی مقامات محلی - که انجمن جهانی حکومتهای محلی است - در نوامبر ۱۹۹۸ در زیمبابوه تشکیل گردید. در بیانیه سی و یکمین کنگره جهانی این اتحادیه در سال ۱۹۹۳ در تورنتو که محور آن دولت خودگردان محلی بود و نیز در بیانیه سازمان ملل در مورد زنان، بویزه پندی از ماده ۳۴۴ مصوبه ۱۹۹۵ چین، بر این امر تأکید شد که سازمانهای بین‌المللی همچون IULA نقش مهمی در اجرای مصوبه سازمان در خصوص مشارکت زنان در حکومتهای محلی دارند. باید دانست که عدم تساوی زنان و مردان در ایفای نقش در حکومت محلی دلایل متعددی داشته است. زنان و مردان در سراسر جهان تحت شرایط مختلفی زندگی می‌کنند و زنان به اندازه مردان بر منابع اقتصادی و سیاسی دسترسی و کنترل ندارند.

حکومت محلی، به عنوان جزء تکمیلی ساختار حکومت ملی، نزدیکترین سطح دولت به شهروندان است و بنابراین، هم زمینه‌ای است برای درگیر شدن زنان در تصمیم‌گیری در مورد مسائل زندگی خودشان و هم می‌تواند از دانش و توان آنان در ارتقای توسعه پایدار بهره بگیرد. IULA بر این موضوع تأکید می‌کند که اهدافش بدون مشارکت سیستماتیک و مساوی زنان در تصمیم‌گیری دموکراتیک محلی تحقق نمی‌یابد. در واقع دموکراسی نمی‌تواند بدون مشارکت کافی زنان در فرآیند حکومت محلی جامه عمل به خود بیوشاند.

اعضای IULA به نمایندگی از حکومت‌های محلی سراسر جهان بر مسایل ذیل اعتقاد دارند:

- دولت خودگردان دموکراتیک، نقش اساسی در تأمین عدالت اجتماعی - اقتصادی و سیاسی برای همه شهروندان در جهان دارد و همه اعضای جامعه (اعم از زن و مرد) باید در فرآیند امور دولتی به حساب آیند.

- مشکلات و چالشهایی که بشر با آنها مواجه است، جهانی است اما در سطح محلی اتفاق می‌افتد و باید در سطح محلی با آنها برخورد شود. زنان نیز برای رهایی از فقر، تبعیض، شرایط نامناسب محیط و ناامنی حق دارند.

برای مبارزه با این مشکلات و در جهت توسعه انسانی پایدار، مشارکت و تقویت زنان در حکومت محلی در نقش تصمیم‌گیرندگان، برنامه‌ریزان و مدیران، امری اساسی است.
- حکومت محلی به‌عنوان نزدیکترین سطح حکومتی به شهروندان، در جهت ارائه خدمات و اشتغال‌آفرینی موقعیتی منحصر به‌فرد دارد و می‌تواند بر موقعیت زنان در سراسر جهان تأثیری عظیم داشته باشد.

- مشارکت منظم زنان، پایه‌های دموکراتیک، کارآیی و کیفیت فعالیتهای دولت محلی را افزایش می‌دهد. اگر دولت محلی پاسخگوی نیازهای همه شهروندان است، باید با جلب مشارکت آنان در کلیه سطوح، در همه زمینه‌های تصمیم‌گیری و سطح گسترده‌ای از مسئولیتهای دولتهای محلی، از تجارب زنان و مردان استفاده نماید.

- برای ایجاد حکومت‌های محلی پایدار، برابر و دموکراتیک که در آن زنان و مردان امکان برابر در تصمیم‌گیری و دسترسی به خدمات و استفاده از امکانات را دارند، باید در کلیه زمینه‌های سیاستگذاری و مدیریت در حکومت محلی دیدگاه نوینی در زمینه جنسیت اتخاذ گردد.

- زنان به‌اندازه مردان حق دارند به خدمات حکومت‌های محلی دسترسی داشته باشند. آنها حق دارند در این خدمات مشارکت داشته و برگسترش، مدیریت و هدایت آن تأثیر داشته باشند. در تهیه خدماتی چون آموزش، رفاه و سایر خدمات اجتماعی، حکومت‌های محلی باید مردان و زنان را به‌طور مساوی مسئول خانواده و اجتماع بدانند و از تلاوم موقعیت غلط زنان و مردان پیشگیری بعمل آورند.

- زنان حق دارند شرایط زیست‌محیطی مناسب مسکن، توزیع آب و امکانات بهداشتی و همچنین حمل‌ونقل عمومی سالم را برای خویش فراهم سازند. نیازها و شرایط زیستی زنان باید جنبه عملی بخود گرفته و همیشه در برنامه‌ریزی در نظر گرفته شود.

- زنان به اندازه مردان حق دارند در حکومت محلی مشغول بکار شوند. باید برای زنان و مردان به‌عنوان مستخدمان حکومت محلی، دریافتی مساوی، دسترسی مساوی به بهره، آموزش، شرایط کاری مساوی در نظر گرفته شود.

- پار کاری اغلب سنگین، با دستمزد یا بدون دستمزد زنان مانعی در توان آنها برای شرکت در تصمیم‌گیری است.

- حکومت محلی سهمی اساسی در تهیه خدمات مناسب تخصصی و مراقبت سالم از بچه‌ها، افراد مسن و معلولان دارد. حکومت محلی می‌تواند یا به‌صورت مستقیم و یا با مشارکت با بخشهای خصوصی در جهت ارتقای مشارکت در وظایف خانوار توسط زنان و مردان، به‌طور مساوی عمل نماید.

ما اعضای IULA به نمایندگی از حکومت‌های محلی سراسر جهان تعهد خود را به‌موارد ذیل اعلام می‌داریم:

- تعهد می‌کنیم که در چارچوب حکومت‌های محلی و انجمنها، شرایط تحقق اعتقاداتمان را که در این سند ذکر شده است، فراهم آوریم.

- تلاش خود را در جهت مساوی ساختن تعداد مردان و زنان در بخشهای تصمیم‌گیری در کلیه سطوح و در همه زمینه‌های سیاستگذاری بیشتر کنیم و تلاش کنیم تا مشارکت کیفی زنان در شوراهای کمیته‌ها و سایر گروه‌های مرتبط با تصمیم‌گیری حکومت محلی تضمین شود.

- به‌کارگیری اصل جهت بخش تساوی حقوق زن و مرد در کلیه خط‌مشی‌ها، برنامه‌ها و فعالیتهای انتقال خدمات در هر دولت محلی و انجمنهای مرتبط با آنها در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و در روشهای توسعه.

- تلاش برای یافتن روشهای جدید برای تضمین اینکه زنان از طریق ابزار رسمی و غیررسمی، در فرآیند کار حکومت محلی مشارکت فعال داشته باشند.

- تقویت همکاری بین‌المللی و ملی فی‌مابین حکومتهای محلی مورد حمایت انجمنهای ملی، به‌منظور تبادل بیشتر تجارب و روشها و توسعه خط‌مشی‌ها و استراتژی‌هایی که به اصلاح موانعی کمک می‌کنند که مشارکت زنان در تصمیم‌گیری محلی دارند.

- طراحی، اجرا و هدایت طرحها، برای ایجاد فرصتهای مساوی در امور شهرداری، ضمن دربرگیری فرصتهای مساوی استخدام، پرداخت و شرایط کار مساوی برای زنان و مردان.

- اقدام در جهت تغییرات در نگرشهای مربوط به جنسیت، از طریق ارتقای آگاهی در سیستم آموزشی و تغییر نگرشها در ساختار سیاسی و اداری حکومتهای محلی.

- اقدام فعال از طریق سایر بخشهای جامعه شامل سیستم‌ها و سازمانهای مرتبط، بخش خصوصی سازمانهای غیردولتی، گروه‌های حرفه‌ای، گروه‌های زنان، مؤسسات تحقیقاتی و اتحادیه‌های تجاری در اجرای اهداف این بیانیه.

ما حکومتهای ملی را فرا می‌خوانیم تا:

- تصدیق کنند که حکومت محلی نقش اساسی در ایجاد دموکراسی پایدار و تساوی جنسیت دارد. باید با اعطای استقلال مالی و حقوقی، زنان و مردان را قادر به ایفای مسئولیتهای دموکراتیک بنماییم.

- حمایت، تشویق و ایجاد فرصتها و منابعی برای کار در جهت ارتقای تساوی جنسی.

- شناسایی مؤسسات ملی حکومتهای محلی به‌عنوان شرکای اصلی توسعه، ارتقای حمایت از تساوی جنسی در سطح محلی و در تبادل تجارب در سطوح بین‌المللی، ملی و محلی.

- مشارکت با سازمانهای حکومت محلی و اعضای آنها برای اجرای مصوبه پکن و کنوانسیون برجیدن کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (CEDAW).

- تضمین حق زنان به اندازه مردان، در ظرفیتهای قانونی برای به‌کارگیری این ظرفیت از طریق تضمین کیفیت و عدم تبعیض عملی در مقابل قانون.

- تضمین حق زنان در جهت مشارکت در سیستم دموکراتیک، از طریق تضمین حق رأی مساوی برای زنان، شرکت در انتخابات و داشتن مسئولیت دولتی.

ما جامعه بین‌الملل را فرا می‌خوانیم تا:

- مصوبه پکن، کنوانسیون برجیدن کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (CEDAW) و این بیانیه را اجرا کنند.

- سطح محلی را به‌عنوان نزدیکترین سطح دولت به شهروندان با اثری مهم در نیل به اهداف تساوی جنسی که مورد توافق حکومتهای ملی از طریق سازمان ملل است، مورد شناسایی قراردهند. بنابراین:

- با حکومت محلی و مؤسسات تابع آنها در جهت ارتقای مشارکت مساوی زنان و مردان در کلیه اشکال و سطوح رسمی و غیررسمی تصمیم‌گیری محلی، فعالیت نمایند.

- برنامه‌های ابتکاری حکومتهای محلی و سازمانهای تابعه را با هدف ارتقای مشارکت زنان در حکومت محلی و پستهای رهبری محلی، مورد حمایت قراردهند. ♦

حراره - زمبابوه
نوامبر ۱۹۹۸



مقدمه‌ای بر

مبانی حقوق اساسی شوراهای اسلامی کشوری

♦ کامبیز نوروزی

حقوقدان

۱- همان‌طور که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تأکید کرده است، اداره امور کشور باید به‌اتکای آرای عمومی انجام شود. اصل هفتم قانون اساسی صریحاً مقرر می‌دارد: «در جمهوری اسلامی ایران، امور کشور باید به‌اتکای آرای عمومی اداره شود؛ از راه انتخابات. انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای ملی، اعضای شوراهای و نظایر اینها...». در واقع، مردم آنچه را که حق حاکمیت ملت می‌نامند، از طریق انتخاب ارکان سازمانی نظام جمهوری اسلامی اعمال می‌کنند. از سوی دیگر، آنچه به ارکان سازمانی نظام اجازه فعالیت در چارچوب قانون می‌دهد، رأی مردم است.

در حال حاضر نهادهای حکومتی بی‌که به‌طور مستقیم با رأی مردم انتخاب و هر یک به‌فراخور موقعیت سازمانی، عهده‌دار بخشی از امور کشورند. عبارت‌اند از: ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان و شوراهای کشور.

همان‌طور که قانون اساسی مقرر نموده است، مداخله مستقیم ملت در امور حکومت از طریق همین نهادها تحقق می‌یابد. بنابراین، باید این نهادهای حکومتی را نمادهای اعمال حق حاکمیت ملی نامید. اصل پنجاه و ششم قانون اساسی می‌گوید: «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ‌کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طریق که در اصول بعد می‌آید، اعمال می‌کند».

اصل هفتم قانون اساسی می‌گوید: «... شوراهای، مجلس، مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، محلی، بخش، روستا و نظایر اینها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند». آنچه از این اصول قانون اساسی (و اصول دیگر آن، بویژه در فصل هفتم) قابل استنتاج اولیه است، این است که شوراهای اسلامی کشوری، به مثابه رکنی از ارکان حکومتی هستند که به‌طور مستقیم با آرای مردم انتخاب می‌شوند و یکی از طرق اعمال حق حاکمیت ملی محسوب می‌گردند و اگرچه به‌لحاظ تقسیمات سازمانی و اداری کشوری، دارای حوزه وظایف خاص خود هستند ولی از نظر حقوق اساسی و حق حاکمیت، در طراز سایر ارکان حکومتی قرار می‌گیرند و حتی دامنه صلاحیت آنها، در حوزه کاری به اندازه‌ای است که مطابق اصل یکصد و سوم قانون اساسی، استانداران، فرمانداران، بخشداران و سایر مقامات کشوری - که از طرف دولت تعیین می‌شوند - در حدود اختیارات شوراهای، ملزم به رعایت تصمیمات آنها هستند.

۳- منظور و مقصود اساسی از تشکیل شوراهای کشوری، تحقق مشارکت مستقیم مردم در اداره امور اجتماعی است. مشارکت مردم با انتخاب رئیس جمهوری، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان در اداره ارکان حکومتی، قانونگذاری و رهبری و نظارت بر آنها محقق می‌شود. با انتخاب شوراهای اسلامی کشوری این مشارکت، جنبه محلی و منطقه‌ای می‌یابد و به سایر امور مرتبط با نظام

زندگی اجتماعی اتصال می‌یابد. تعیین و تأیید این مطلب در اصل یکصدم قانون اساسی این گونه آمده است:

«برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی، اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان، با نظارت شورایی به نام شورای ده، شورای بخش، شهر، شهرستان صورت می‌گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می‌کنند...».

به نظر می‌رسد غرض قانونگذار از وضع اصل یکصدم، توزیع منابع قدرت در میان مردم است. در

منظور و مقصود اساسی از تشکیل شوراهای کشوری، تحقق مشارکت مستقیم مردم در اداره امور اجتماعی است

سازمان شوراهای اسلامی، خارج از سلسله مراتب سازمانی قوای سه‌گانه حکومتی (مجریه، مقننه، قضائیه) است. این نوع سازمانها را - که در شمار سازمانهای عمومی غیردولتی اند - علی‌الاصول باید غیرحکومتی دانست

نظامهای اجتماعی، امور اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، فرهنگی و... اگر چه مستقیماً سیاسی نیستند و اصولاً جدای از امور سیاسی محسوب می‌شوند اما دارای کارکردهای سیاسی نیز می‌توانند باشند. بویژه از آن جهت که این بخشها، به‌وجودآورنده امتیازهای خاصی هستند که در فرایند اقتدار سیاسی، به‌عنوان منابع قدرت شناسایی می‌شوند. قانون اساسی با واگذاری این دسته از امور و فعالیت‌های اجتماعی به شوراهای - که با رأی مستقیم و آزاد مردم انتخاب می‌شوند - سعی کرده است تمرکز منابع قدرت در دست عده‌ای خاص، صاحب‌منتصبان حکومتی و یا صاحبان قدرت اقتصادی نباشد.

به این ترتیب، مشارکت مردم در اداره امور اجتماعی از طریق شوراهای، به‌نوعی ضمانت اجرای توزیع قدرت در جامعه است. اگر چه ملت در انتخاب ارکان مهم نظیر ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، خبرگان (و تبعاً رهبری) نیز با رأی خود مستقیماً مداخله و مشارکت دارند اما این مقدار، برای توزیع واقعی قدرت در میان مردم کافی نیست. آشکار است که هر یک از ارکان نامبرده، بویژه با اتکالی به اختیارات قانونی خود، دارای امتیازاتی هستند که بالقوه امکان تمرکز قدرت در آنها و موجبات سوءاستفاده از آن را به‌وجود می‌آورد. این امتیازات بیش از هر چیز، متکی به‌مواردی از قبیل فعالیت‌های عمرانی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که تسلط بر آنها می‌تواند موجب تجمع قدرت و کاهش حضور مردم به‌عنوان صاحبان اصلی حق حاکمیت ملی گردد. اما وجود شوراهای محلی و اداره فعالیت‌هایی که در اصل یکصدم، از باب تمثیل، یاد شده است، موجب مهار منابع اعمال قدرت توسط مردم است.

۳- از آنچه گفتیم، نتایج کلی ذیل قابل استنتاج است:

الف: از آنجا که اصل هفتم قانون اساسی، شوراهای را یکی از ارکان کشور تعریف می‌کند، موجودیت شوراهای جنبه الزامی می‌یابد. در واقع تعطیل شدن نهاد شوراهای، به‌منزله تعطیل شدن رکنی از ارکان کشور است. از این حیث، تفاوتی میان شوراهای و سایر ارکان کشور نیست. همچنان که تعطیل شدن ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و... خلاف قانون اساسی و تمامیت کشور است. تعطیل شدن شوراهای نیز با اصول قانون اساسی و اصول حکومت مغایر است.

ب: سازمان شوراهای اسلامی، خارج از سلسله مراتب سازمانی قوای سه‌گانه حکومتی (مجریه، مقننه، قضائیه) است. این نوع سازمانها را - که در شمار سازمانهای عمومی غیردولتی اند - علی‌الاصول باید غیرحکومتی دانست. هر شورا به‌طور مستقل دارای شخصیت حقوقی است و در حوزه انتخابی خود تحت مدیریت هیچ‌کدام از مراجع یا ادارات حکومتی قرار ندارد. حتی تصمیمات شوراهای برای سازمانهای کشوری لازم‌الاتباع است.

ج: جانشینی وزارت کشور و قائممقامی استاندار به جای شورای شهر تهران یا شوراهای شهر و بخش، خلاف قواعد و استثنایی است. وزارت کشور از اجرای قوه مجریه بوده و عالیترین مقام آن، وزیر کشور، توسط رئیس جمهور و با تأیید (رأی اعتماد) مجلس شورای اسلامی منصوب می‌شود. استانداران نیز توسط قوه مجریه انتخاب می‌شوند و سایر مقامات و کارکنان وزارتخانه هم در سلسله مراتب سازمانی با ابلاغ وزیر یا اجازه مستقیم یا غیرمستقیم وی منصوب می‌گردند. به تعبیر دیگر، در حالی که اعضای شورا با انتخاب مستقیم مردم منصوب می‌شوند، انتخاب کارکنان قوه مجریه اصولاً ارتباط مستقیمی با مردم نداشته و در سلسله مراتب اداری و با تصمیمات مقامات اداری صورت می‌گیرد.

این تفاوت ذاتی و مهم مانع از آن است که وزارت کشور (و اجزای آن) بتوانند اهداف و اغراض مربوط به تشکیلات و عملکرد شوراها را ایفا کنند. به عنوان مثال، این امکان برای شوراها وجود دارد که در حوزه انتخابی خود تصمیماتی اخذ کنند که برای کلیه ادارات دولتی لازم‌الاجتباب باشد و حتی در صورت مغایرت تصمیمات شورا با تصمیمات ادارات دولتی (در صورتی که تصمیم شورا در حدود اختیارات قانونی آن باشد) تصمیم شورا حکومت خواهد داشت. بنابراین، لازمه جانشینی وزارت کشور و قائممقام استانداری به جای شوراهای شهر یا بخش، آن است که درحالی که این سازمان اداری خود ذاتاً از اجزای قوه مجریه و فاقد شخصیت حقوقی مستقل بوده و در سلسله مراتب سازمانی قوه مجریه و دستگاه‌های حکومتی قرار دارد، به طور همزمان به عنوان دستگاهی با شخصیت حقوقی مستقل و اختیاراتی که ذاتاً خارج از حدود اختیارات قوه مجریه یا قوای حکومتی است تصمیم‌گیری و یا عمل کند. چنین تناقضی به لحاظ حقوقی باطل است. زیرا بنا به اصول حقوقی، شخصیتی می‌تواند قائممقام شخصیتی دیگر شود که خود دارای همان حدود صلاحیتها باشد و یا آنکه ذاتاً برخورداری وی از صلاحیتهای شخص اصلی امکان‌پذیر باشد. به عنوان مثال، از جمله اختیارات شورای شهر انتخاب شهردار و نظارت بر کار شهرداری و تصمیم‌گیری در موضوعات مربوط به شهرداری است. شورا به عنوان شخصیت مستقل غیردولتی فعالیت می‌کند. در موارد جانشینی وزارت کشور یا قائممقامی استانداری، آنچه اتفاق می‌افتد این است که به جای یک نهاد غیردولتی، دولت مدیریت عمومی شهرداری را در دست می‌گیرد.

از آنجا که اصل هفتم قانون اساسی، شوراها را یکی از ارکان کشور تعریف می‌کند، موجودیت شوراها جنبه الزامی می‌یابد. در واقع تعطیل نهاد شوراها، به منزله تعطیل شدن رکنی از ارکان کشور است. از این حیث، تفاوتی میان شوراها و سایر ارکان کشور نیست. همچنان که تعطیل شدن ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و ... خلاف قانون اساسی و تمامیت کشور است.

این امر از آنجا ناشی شده که به جهات قانونی ممکن است در باره‌ای مناطق، شورا تشکیل نشده یا پس از تشکیل منحل شود، قانونگذار چاره را در این دیده است که در این قبیل موارد وزارت کشور (در مورد تهران به عنوان جانشین شورای اسلامی شهر) و استانداری (در مورد سایر شهرها) به عنوان قائممقام جانشین شورا انجام وظیفه نمایند. اگرچه بهتر بود قانونگذار راه حل دیگری - که با مبانی حقوق اساسی شوراها سازگار باشد - برمی‌گزید اما همین قائممقامی نیز فقط تا دوماه امکان‌پذیر است. زیرا مطابق ماده ۸۲ قانون تشکیلات و وظایف شوراهای اسلامی کشوری (مصوب ۱۳۷۵) در مواردی که در یک حوزه انتخابیه، انتخابات برگزار نشده و یا منحل شده باشد، انتخابات برای تشکیل شورا باید حداکثر ظرف مدت دو ماه برگزار شود.

علاوه بر این، از آنجا که قائممقامی به طریق مذکور در بالا خلاف اصول و قواعد حقوقی و قانون اساسی است، در اعمال آن باید به حداقل اکتفا کرد و از طولانی شدن آن جلوگیری نمود. به صورتی که مطابق با اصول و مفاد و روح قانون اساسی، شوراهای اسلامی کشوری بتوانند به عنوان رکنی از ارکان جمهوری اسلامی و به عنوان وسیله مشارکت مردم در تصمیم‌گیری اداره امور کشور و حق حاکمیت ملی تشکیل شوند و فعالیت نمایند ♦



«مشهد» از نگاه سیاحان

♦ غلامرضا طالبی

از این پس صفحه‌ای با نام «نگاه دیگران» می‌گشاییم. این صفحه قرار است در هر شماره به یک شهر از دیدگاه دیگران بپردازد. دیگران، آنانی هستند که به شهرهای ما از زمانهای دور تاکنون سفر کرده‌اند؛ سیاحان، جهانگردان و شرق‌شناسان.

اینکه در این سفرها تاجه حد مطامع سیاسی یا تجاری پنهان است، مدنظر ما نیست. ما قصد طرح نگاه کسانی را داریم که از بیرون به درون جامعه ما و شهرهای ما نگرسته‌اند. دشواریهای سفر این کسان، تصاویر گاه زشت و یا زیبایی که دیده‌اند، اغلب در سفرنامه‌ای گردآمده که گویای تجربه‌های لذتبخش و یا تلخ، اما تازه است. ما اکنون از پس سالیان می‌خواهیم بای روایت آنان بنشینیم. روایتی که به ما خواهد گفت در عادات، زندگی، معماری، مسکن، رفت‌وآمد و... تا چه حد به استانداردهای شهر ایده‌آل نزدیک شده‌ایم!

صندوقچه خاطرات سیاحان را می‌گشاییم، غبار آن را می‌زداییم و برپای قصه شهرهایمان در سالهای دور می‌نشینیم؛ همراه نگاه حیرت‌زده آنان، از کوچه‌پس‌کوچه‌ها و معابر شهرهای گذر می‌کنیم که دستان پدروانمان آن را ساخته و اکنون مدفن آنهاست!

جستجوی ساخت‌ویافت «مشهد» از لابلای سفرنامه‌ها، موضوع اولین مطالب ما در این صفحه است. نکته برجسته این شهر در نگاه سیاحان، تقدس است که از وجود حرم رضوی (ع) یافته است. باشد که این تقدس بر ما نیکی آورد و برکت گشایش این صفحه نیز قرارگیرد.

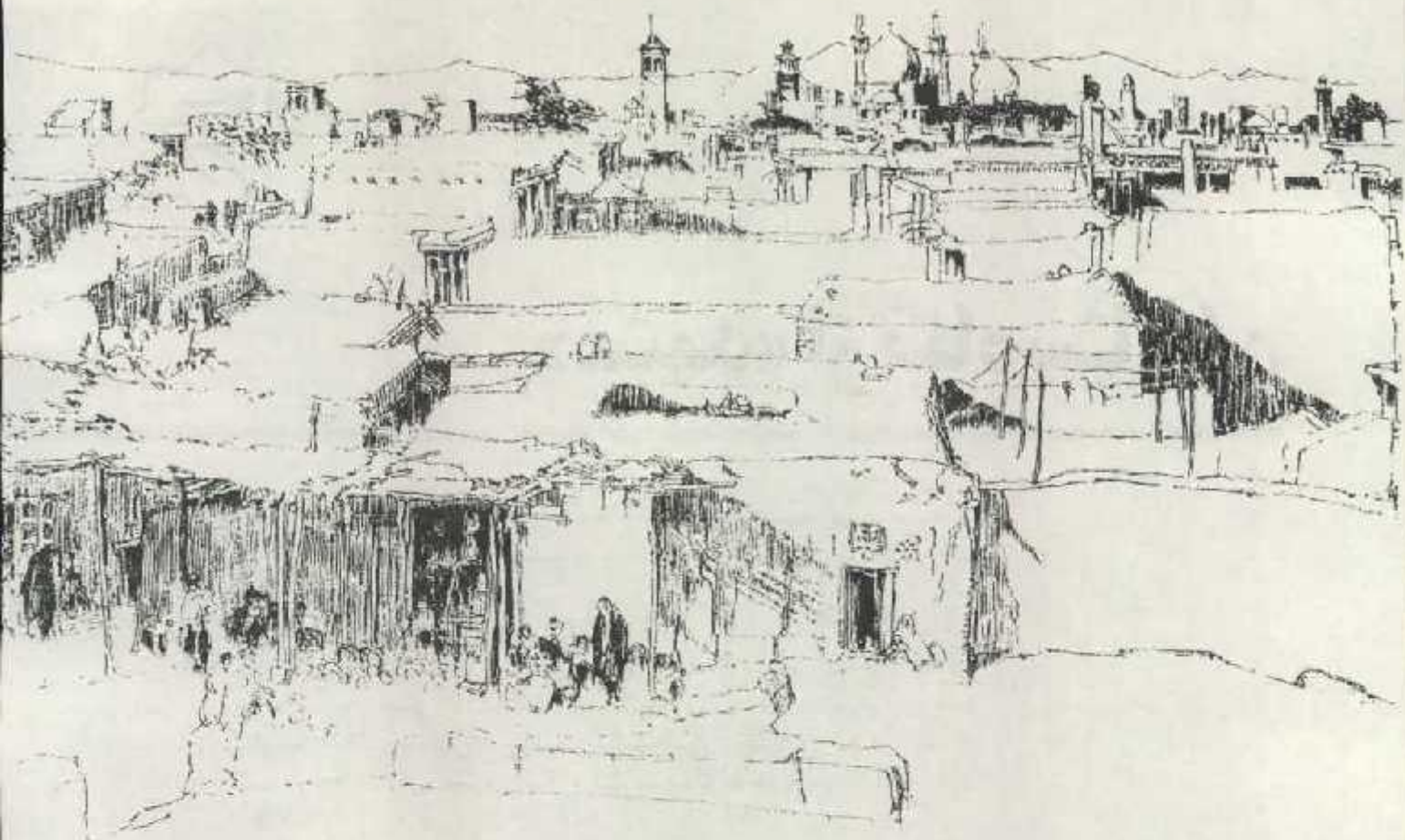
سرویس فرهنگی - اجتماعی

«ورود ما به خاک ایران برای بسیاری از کاروانیان - که در اصل بخارایی ولی شیعه بودند - شادی آفرین بود. من فکر می‌کردم که وقتی شهر مقدس بخارا را ترک کردیم نقاطی را که جنبه تقدس دارند پشت سر گذاشته‌ایم ولی اینک که به مرکز ایالتی، یعنی شهر مقدس مشهد نزدیک می‌شویم معلوم شد که این شهر به هر صورت حتی از بخارا دارای قداست بیشتری است.»

توصیف بالا، نگاه «ستوان آکس بارنز» است به شهر مشهد، در عهد فتحعلی شاه قاجار. مشاهدات و سفرنامه او ما را با گذشته‌های این مرز و بوم آشنا می‌کند. بارنز، افسری باسواد، اهل مطالعه و عضو انجمن سلطنتی بریتانیا و مأمور عالی‌رتبه کمپانی هند شرقی است. تصویری که او از این شهر در آن روزگار ارائه می‌دهد، تصویری قابل تأمل است.

«سپیده‌دم صبح روز چهاردهم سپتامبر، کاروان ما در پشت باروی مشهد با حالتی مشتاق و نگران در حال انتظار بود. هنگام طلوع آفتاب، کلیدهای دروازه را آوردند و بلافاصله دروازه را به روی ما گشودند؛ ناگهان با سرعتی که فقط در صحنه نمایش دیده می‌شود منظره جدیدی در پیش چشممان ما جلوه‌گر شد. اکنون در پیش روی ما، چهره کشیده و باریک یک قزلباش که کلاهش از خز و موهایش را در پشت سر جمع کرده بود، قرار داشت...»

صحرا و الامانهای بیابانگرد را پشت سر گذاشته بودیم و اکنون در حالی که توجه همه اهالی شهر به سوی ما جلب شده بود با طرزی باشکوه به درون شهری پرجمعیت پیش می‌رفتیم... خیابانی که در آن



قدم گذاشتیم عریض و زیبا بود و از وسط آن، نهر آبی می‌گذشت که دو طرفش در زیر سایه درختان قرار داشت و گنبد باشکوه و مناره‌های طلاپوش حرم امام رضا (ع) چشم‌انداز انتهایی این خیابان را تشکیل می‌داد...

شهر مقدس مشهد، قبر امام رضا (ع) - را در میان گرفته و سه خیابان در جهات مختلف از مقبره امام (ع) منشعب می‌شود که دوتای آنها وسیع، عریض و مشجر است. جوی آبی که از وسط این دو خیابان می‌گذرد، طراوت خاصی به آنها داده است.

در مورد این خیابان، همه سیاحان سخن گفته‌اند. کلنل سی.ام. مک‌گرگو (درجه‌دار انگلیسی) که تقریباً ۴۳ سال پس از بارنز از مشهد دیدن کرده است (بارنز، بین سالهای ۱۸۳۱ تا ۱۸۳۳ و مک‌گرگو، سال ۱۸۷۵ م) این خیابان را این‌گونه توصیف می‌کند:

«از میان خیابان اصلی، نهر آب با آبی کثیف می‌گذرد که در چند نقطه، سکوهایی بر روی آن ساخته‌اند و مردم بدون توجه به کیفی و بوی بد آب نهر، بر روی این سکوها می‌نشینند و تفریح می‌کنند... گویا در اطراف این خیابان در گذشته درختکاری بوده است، مردم از آب آلوده نهر می‌نوشند و در آن آبتنی می‌کنند و اسبها و لباسهایشان را می‌شویند. اما با همه اینها در نگاه یک فرانسوی، این خیابان بی‌تردید آنچه را که یک خیابان زیبا باید داشته باشد دارد و شاید اگر از آن فرانسویان بود آن را تبدیل به یک زیبایی جاودانه می‌کردند.»

فردریک چارلز ریچاردز (عضو انجمن سلطنتی نقاشان و حکاکان انگلستان و عضو کالج سلطنتی هنرهای زیبا) که سالها پس از گرگو، در اوایل سلطنت رضاشاه به مشهد رفته است خیابانهای شهر را این‌گونه توصیف می‌کند:

«از جنبه‌های برجسته مشهد، دو خیابان آن به‌نام 'بالاخیابان' و 'پایین خیابان' است که به حرم منتهی می‌شود و تقریباً یک چهارم میل از خاک مقدس مشهد را اشغال کرده. این خیابانها اکنون به‌صورت مایوس‌کننده‌ترین مناظر درآمده است، معروف است که این خیابانها در سابق مانند 'بل کالاتا' (Caleta) واقع در استامبول بوده است که یکی از جاهای بسیار زیبا و دیدنی مشرق‌زمین به‌شمار می‌رود.

زمانی تنوع البسه و رنگها و وجود ملیتهای مختلف مانند اعراب بدوی، افغانی، قفقازی، ترک و تاتار، شاهزادگان با جامه‌های فاخر و زوار تهیدست با جامه‌های ژنده، دراویش و گدایان به این خیابانها مناظر جالبی می‌دادند ولی اکنون که ایرانیان لباس خود را تبدیل به لباس اروپاییان کرده و کلاه پهلوی بر سر نهاده‌اند، این منظره را دیگر نمی‌توان دید. نهری که از وسط خیابان می‌گذرد، اکنون به صورت آب کثیفی درآمده که باقی غذای روز در سطح آن شناور است...

در داخل شهر مقدسی... بنا به دستور اولیای شهر، عده‌ای مأمور آبیاری خیابانها هستند. آنها با سطل از جوی‌هایی که در وسط یا در دو طرف خیابانها جاری است آب برمی‌دارند و سطح خیابانها را مرطوب نگاه می‌دارند.

یارنژ می‌نویسد: «از موقع ترک هندوستان تاکنون، هیچ‌گاه به این اندازه که در مشهد هستیم احساس آسایش نکرده، مورد توجه و احترام قرار نگرفته بودیم... شاید در مشهد، نسبت به سایر نقاطی که طی مسافرت از آنها گذشته‌ایم دارای احساس بهتری باشیم... اکنون ما می‌توانستیم لباسهای فاخر و تمیز بپوشیم بدون اینکه برای تأمین آسایشمان مجبور به پرداخت وجهی باشیم».

ریچاردز می‌گوید: «مشهد، شهر مقدس ایران، به مسافر غیرمسلمان اجازه می‌دهد که فقط از منظره خارجی دینیهایی آن لذت ببرد؛ یعنی باید در مسافتی بسیار دور و در محلی که تا قوزک پا در خاک فرو می‌رود و یا در جایی که بوی تعفن مشام را از رده می‌سازد بایستند و گنبدهای طلایی - این زیارتگاه مقدس و مناره‌های آن را که با کاشیهای به رنگ زمرد و فیروزه پوشیده شده - تماشا کند. این تنها منظره این زیارتگاه است که غیرمسلمانان می‌توانند آن را مشاهده نمایند».

مشهد، شهری بسیار بارور است و قسمت تازه‌ساز و جدید آن سرعت پوششی از تمدن مغرب‌زمین را به خود می‌گیرد. محدودیتهای مذهبی در کلیه نقاط مشهد وجود ندارد. مشهد، دارای چندین خیابان جدید است که دکانداران آن، کالاهای ساخت چکوسلواکی و روسیه را در جعبه آینه‌های خود به معرض نمایش گذاشته‌اند. در این خیابانها حتی فرنگیهایی که ظاهری عجیب و غریب دارند می‌توانند با آزادی کامل رفت‌وآمد کنند... بازارهای مشهد گرچه از لحاظ معماری جالب نیست ولی از لحاظ انواع مختلف اشخاصی که در آن دیده می‌شود بسیار غنی است».

ریچاردز در جای دیگر بازارهای ایران را زیباترین جنبه زندگی شرقی می‌داند و می‌گوید: «گرچه یک فرد خارجی می‌تواند آزادانه در خارج از "بست" آمدورفت کند ولی نمی‌تواند مناظر جالب بازار را ببیند؛ چه جالبترین مناظر را در مرکز شهر مذهبی و محلی که مؤمنان و زوار متعصب در کلیه ساعات روز در آن رفت‌وآمد می‌کنند می‌توان دید».

کلمه "بست" در ایران تحکم‌آمیزترین کلمات به‌شمار می‌رود. مفهوم آنکه فرمان دنیای مسلمان به‌دنیای غیرمسلمان است، یعنی از اینجا پافراتر نگذارید. مجازات کسانی که با این فرمان مخالفت کنند مرگ است. از نظر پیروان [حضرت] محمد(ص) بست، محل مقدس و تحضن‌گاه غیرقابل تجاوز مسلمانان است. تا چند سال قبل، قاتلان و جنایتکاران از دست تعقیب‌کنندگان خود به‌این محل پناه می‌آوردند. لکن بست درجات دارد. قاتلان، جرأت ورود به‌صحن مسجد را ندارند، ولی مقروضان تا مدتی که در داخل چهاردیواری هستند می‌توانند اطمینان داشته باشند...

در مشهد، رعایت حدود بست و تحضن‌گاه، یک قانون کاملاً مذهبی است. عبور و مرور خارجیها در شهر مشهد فوق‌العاده مشکل است و حضور مأموران انتظامی باعث راحتی خیال می‌باشد؛ چه ممکن است شخص بدون قصد در خیابان راه برود و ناگهان با زنجیر... که نشانه بست است و حدود غیرمسلمانان را مشخص می‌کند مواجه گردد. در مشهد در بعضی از موارد، تمام یک خیابان بست محسوب می‌شود... حتی در مرکز بازار اصلی، زنجیر بزرگ بست دیده می‌شود که بازار را از آن محل به دو قسمت تقسیم می‌کند... در اینجا بازار نه فقط یک شهر سرپوشیده و مسقف است بلکه شهری در شهر دیگر محسوب می‌شود و این بازار، تنها بازاری است که ورود آن برای غیرمسلمانان ممنوع می‌باشد. این ضعف آدمی، یعنی حس کنجکاوای این قسمت از بازار را خیلی دلفریب و مطبوع جلوه می‌دهد، به طوری که هیچ‌یک از بازارهای این فلات این‌طور فریبنده و وسوسه‌آمیز نیست... در محلهایی که بست به‌شمار

می‌رود، دکانه‌ها و بازارها و چایخانه‌هایی به عقامات آستانه اجاره می‌پردازند...»

بارنز هم به همین مورد اشاره می‌کند و می‌نویسد: «در فاصله صدیاردی از حرم [مطهر] زنجیری در عرض خیابانها کشیده شده که بازار و بخشهای ثروتمند شهر را در میان می‌گیرد و حیوانات و احشام را از مکان مقدس دور نگاه می‌دارد. بخش پرجمعیت مشهد اینجاست؛ زیرا اگرچه باروهای شهر با طول تقریباً هفت مایل، حصاری به دور آن کشیده، ولی سایر نقاط شهر مخروبه است... بخش اعظم فضای محصور را به گورستان اختصاص داده‌اند، زیرا مردم معتقدند که در گذشتگان در جوار یک امام در آرامش بسر می‌برند. همچنین باغهای سایه‌داری به چشم می‌خورد که زندگی را لذت بخش می‌کند».

اما بارنز توانسته است وارد منطقه ممنوعه شود، او منطقه ممنوعه را این‌گونه توصیف می‌کند: «قبر امام (ع) تقریباً در وسط شهر در زیر گنبدی با پوششی از طلا که با دو مناره طلاپوش درخشان اطرافش برابری می‌کرد، قرار داشت. این گنبد و مناره‌ها در زیر پر تو خورشید، با درخشش زیادی نورافشانی می‌کرد. نزدیک قبر [مطهر] و در پشت آن، مسجد بزرگی با گنبد و مناره‌های آبی لاجوردی قرار دارد، که به دستور گوهرشاد [آغا] یکی از اعقاب تیمور بزرگ ساخته شده است. زائری که برای زیارت می‌آید باید ابتدا از بازار عبور کند، از زنجیر بگذرد تا وارد بست - یعنی جایی که در آن هیچ مجرمی قابل تعقیب نیست - بشود و بعد از گذرگاه طاقدار بلندی عبور کند و به محوطه وسیع چهارگوشی - که از آثار شاه عباس کبیر است - برسد. اینجا [صحن عقیق] محل استراحت زائران و آرامگاه درگذشتگان است. دورتادور این محل مانند کاروانسراها، اتاقهای کوچکی [غرفه‌ها] قرار دارد که به مدرسه اختصاص یافته است. پوشش زمین از سنگهای قبوری تشکیل شده که بقایای وجود کسانی را می‌پوشاند که اعتقاد و آرزویشان موجب شده است تا آنها را در این محل به خاک سپارند. ایوانها و دیواره‌های محوطه با کاشیهای رنگی که بی‌شباهت به میناکاری نیست و منظرهای بدیع و باشکوه دارد، مزین شده است... وقتی زائر از در بزرگ - که دارای روکشی از نقره است - وارد فضای حرم مطهر می‌شود شکوه منظره، شور دلستگی او را افزایش می‌دهد...»

ریچاردز در بخشی از توصیف خود می‌گوید: «در خیابانی که در جلو دروازه بست زیارتگاه واقع گردیده، همیشه جمعیتی مرکب از طبقات مختلف زوار با لباسهای گوناگون دیده می‌شود و اهالی زیرک و باهوش مشهد، آنها را ترغیب به خریدن دعا و طلسم و اشیای پرزرق و برق و زیورات می‌کنند تا آنها را به‌عنوان راه‌آورد با خود ببرند. جمعه برای خرید و فروش و مبادله کالا، چه در داخل و چه در خارج بست، روز مهمی محسوب می‌شود؛ در آنجا پس از جان‌زدن بسیار، مجموعه‌ای از البسه مستعمل گوناگون که شخص فکر می‌کند هنگامی که در تصرف صاحب قبلی بوده آخرین مراحل خود را طی می‌کرده، در زیر اشقه خورشید دست به‌دست می‌گردد. اینجا نیز یکی از محلهایی است که می‌توان جمعیت مرکب از

طبقات گوناگون مردم ایران را مشاهده کرد. گرچه با منسوخ شدن عمامه و جامه محلی، نیمی از زیبایی این منظره از بین رفته ولی با این حال در این محل جمعیتی از مردم با چهره‌های مختلف و آشنا به زبانهای گوناگون دیده می‌شوند و در این بین، خوابیدن و خوردن و جای نوشیدن و استعمال دخانیات در ملاء عام نقش مهمی ایفا می‌کند».

ستاحان، از جاذبه‌های معماری، تاریخی، فرهنگی و... داخل شهر، سخن چندان نگفته‌اند. حتی برخی، این شهر را خالی از هرگونه جاذبه دانسته‌اند. بارنز از تعدادی مدرسه، یک کاروانسرای وسیع و ناتمام و ۲۱ کاروانسرای دیگر در نقاط مختلف شهر یاد می‌کند. گرگو معتقد است همه‌جای شهر مشهد، پر است از خانه‌های یکنواخت که بر بالایی بعضی از آنها بادگیرهایی دیده می‌شود، اما جاذبه خاص دیگری برای دیدن بجز حرم مطهر وجود ندارد. او چشمگیرترین و تنها بنای قابل توجه پیرامون شهر را معسای آن می‌داند که در دوره سلطنت شاه سلیمان صفوی بنا شده است.

ریچاردز می‌گوید از آنجا که خاک اطراف آستان قدس رضوی، مقدس است در بعضی از قسمتهای شهر، یعنی خانه‌های مسکونی، قبور را احاطه کرده است. او از کتابخانه آستانه سخن گفته است که حاوی کتب مذهبی گرانبها و مینیاتورهای زیباست و نیز اینکه هزاران نسخه گوناگون از قرآن در این

کتابخانه وجود دارد اما فقط مسلمانان حق بازدید از کتابخانه را دارند.

تقریباً همه سیاحان از مدفن نادر شاه سخن گفته‌اند و از بی‌توجهی به آن انتقاد کرده‌اند. بارنز می‌نویسد: «گور نادر - که اکنون چندین مورد احترام نیست و با بنای مخروبه بزرگی که روزگاری آن را در مقابل عوامل جوی حفظ می‌کرده، مشخص می‌شود - از نظر مسافر، یکی از جالبترین مناظر است. عجب عرصه تفکر انگیزی است این محل! فواره‌ها و گل‌هایی که آن را در میان گرفته بودند، ناپدید شده‌اند. درخت هلوئی که در هر بهار، شکوفه می‌کرد، گرفتار جفای تیر شده است و درختان بید و سرو نیز قطعه قطعه شده بودند و در محل اینها، شهروند پرتلاشی، انبوهی از سفیم کاشته بود.»

بارنز از آداب خانه‌سازی در این شهر سخن گفته است. او می‌گوید اهالی مشهد، ورودی خانه‌هایشان را حفر می‌کنند؛ برای ورود به کلیه خانه‌ها باید از سرازیری گذشت و خاکی که از حفاری زمین به دست می‌آورد به مصرف ساختن و تعمیرات خانه می‌رسانند. او منابع تأمین آب قابل شرب این شهر را جوی‌ها و آب‌انبارها ذکر می‌کند...

اندک اندک نوبت این سفر به پایان می‌رسد و باید این شهر مقدس را در فراز و فرود حوادث تاریخ به حال خود رها کنیم. اکنون در کناره‌های شهر هستیم؛ برج و باروها، دروازه‌ها، دیوارها و خندق. گرگو معتقد است مشهد، شش دروازه داشته است؛ دروازه بالاخیابان در شمال، پایین خیابان، عیدگاه، نوغان، سراب و همچنین یک ورودی به ارگ که شکل همه این دروازه‌ها یکسان است. هر دروازه دو برج دارد با ۳۰ پا ارتفاع که در بالای آن، روزنه‌هایی برای تیراندازی تعبیه شده است.

او مشهد را از طرف جنوب به هیچ‌وجه چشمگیر نمی‌داند؛ زیرا چیزی بجز دیوار گلی که در اطراف آن سپیدارهای همیشگی به‌طور پراکنده قد برافراشته‌اند وجود ندارد او از این فاصله دور، درخشش گنبد امام(ع) را نیز می‌بیند، اما چندان کوچک است که به‌طور کامل مشخص نیست.

گرگو می‌نویسد پیرامون شهر را دیواری گلی فرا گرفته که در وضع خوبی نگهداری می‌شود. در بالای آن، یک دیوار دفاعی است به ضخامت یک پا و در خارج چیزی است که به آن شیرازی می‌گویند که چاله‌ای است به عرض هشت پا، در پای دیوار.

ریچاردز می‌گوید مشهد نیز مانند بسیاری از شهرهای ایران به دیوارهای کهنه و قدیمی خود می‌بالد و هنوز از آن به‌عنوان یک شهر محصور، با دروازه و خندق یاد می‌کند.

به خارج شهر رسیده‌ایم؛ به همان مسیری که بارنز آمده بود؛ به اولین نقطه‌ای که او برای اولین بار، گنبد امام(ع) را دیده بود. گنبد امام(ع) از لابلای تپه‌های زبرو، چون نقطه‌ای درخشان، دل و قرار از کفمان می‌ریاید. آنجا قطعه‌ای از بهشت است. عطر سکرآور امام(ع) دماغمان را آکنده و قلیمان را از آرامش سرشار نموده است. احساس عزت می‌کنیم.

سوار بر باله‌های کیوتر خیال - که اکنون نیلگون و زرتاب شده‌اند - به پرواز درمی‌آیم. بر فراز آسمان این قداس مهربان، برای آخرین بار، آن نقطه خیره‌کننده را می‌بینیم که ریچاردز هنگام ورود با هواپیما، آن را چون قطعه‌ای از زر ناب دیده بود بر روی توده‌ای از خاک.

بر فراز این آتش مقدس، در حوزه آمدوشد فرشتگان به رقص می‌آیم و موسیقی باله‌های آنان، زمین را از خاطرمان محو می‌کند. ♦

پانویس

۱. بارنز، الکس. سفرنامه بارنز، ترجمه حسن سلطانی‌فر، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ دوم، ۱۳۷۳.
۲. سنجابین، س. ج. و. ایوان و ایرانیان عصر ناصرالدین شاه / ترجمه حسین کسرویچه، تهران، سازمان انتشارات جاویدان.
۳. روشنی، «عمران‌طوب» قدرحاله، سه سفرنامه، چاپخانه خیرین.
۴. ریچاردز، فردریک چارلز، سفرنامه فرد ریچاردز، ترجمه مهین‌نخت صبا، تهران، نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۲.
۵. کارلاسرنا، سفرنامه کارلاسرنا (مربع و دست‌نویس‌های ایران) / ترجمه غلامرضا سمعی، تهران، نشر نو.
۶. منکرگو، کاتل می. ام، شرح سفری به ایالت خراسان، ترجمه مجید مهدی‌زاده، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
۷. ویان، سفرنامه منکر و بلز (ایران بر یک قرن پیش) / ترجمه غلامحسین قراگوزلو، تهران، چاپ الفبا.

بعد از سالها... مترو

♦ آتوسار اوش

یکشنبه ۱۶ اسفند ۱۳۷۷ شاید در عمر چهل ساله متروی تهران نقطه عطفی فراموش نشدنی باشد. ساعت ۱۰ صبح اولین خط متروی تهران - کرج با سخنان رییس جمهور و مدیر عامل شرکت مترو آقای محسن هاشمی افتتاح شد.

در حول و حوش مترو صحبتها بسیار است اما به قول یکی از نمایندگان مجلس اجرای پروژه عظیمی مانند مترو نیاز به حمایت و نظارت سایر بخشهای دولتی بخصوص مسئولان سیاسی و عمرانی کشور دارد. با این حال در روز یکشنبه ۱۶ اسفند بالاخره انتظاراتها به سر آمد و اولین خط مترو به طول ۳۱/۴ کیلومتر راه اندازی شد. راه آهن سریع السیر تهران - کرج قادر به جابه جایی سالانه نزدیک به ۱۰۰ میلیون مسافر است و با یک خط رفت و یک خط برگشت یا چهار ساعت کار - که می تواند به سقف ۱۸ ساعت در شبانه روز نیز برسد - در حال فعالیت است. خط تهران - کرج در حال حاضر با سه ایستگاه آزادی، وردآورد و ملارد شروع به کار کرده و قرار است در آینده بازده ایستگاه دیگر نیز به آن افزوده شود.

اینکه سهم خط راه آهن شهری (مترو) در حمل و نقل مسافر و کاهش معضلات ترافیکی و زیست محیطی تا چه حد مؤثر خواهد بود و با توجه به هزینه های نسبتاً بالایی ساخت این پروژه نسبت به سایر وسایل حمل و نقل شهری، مترو چگونه نقش اساسی خود را ایفا خواهد کرد، نیازمند گسترش خدمات آن و بهره برداری بهینه مدیریتی از این سیستم است.

بهر حال دست اندرکاران مترو و وظیفه سنگین ارائه خدمات شهری را در آینده، بیش از پیش به عهده خواهند داشت.

بود و بخش دوم به سیاست ایجاد مرکز حومه ای (شهرکی) کمک می کرد. کل اعتبار برای ساخت خطوط مترو مبلغ ۴۸ میلیارد ریال در نظر گرفته شد.

پس از ارائه این گزارش بود که سازمان برنامه و بودجه، شورای عالی شهرسازی، شهرداری و انجمن شهر، راه حل الف (احداث چهار خط مترو به طول ۶۳ کیلومتر) را مورد تصویب قرار داد و اجرای آن نیز مورد تأیید دولت قرار گرفت.

شرکت سوفرتو در آن زمان با به کارگیری شرکتهای فرانسوی وابسته به پیمانکاران داخلی از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۰ اقدام به احداث ۲/۳ کیلومتر تونل به روش ترانشه باز و سه ایستگاه نمود که ۵۰ درصد از کارهای سیویل (عمرانی) آن به انجام رسیده بود.

این عملیات در تپه های عباس آباد با سلمی

مترو در تونل تاریخ

وقتی در سال ۱۳۵۵ قرارداد طراحی و نظارت بر اجرای خطوط مترو با شرکت فرانسوی سوفرتو (Soferto) منعقد شد و تهران تنها حدود ۳ میلیون جمعیت داشت، هیچ کس تصور نمی کرد که ساخت مترو مسیر پرفراز و نشیب و طولانی در تاریخ شهرسازی و عمران شهری بیاید. در سال ۱۳۵۳ بود که شرکت سوفرتو در گزارشی با عنوان «طرح ترافیک و حمل و نقل تهران» جهت احداث مترو در شهر تهران راه حلی شامل دو بخش ارائه کرد:

الف - احداث چهار خط مترو به طول ۶۳ کیلومتر در نواحی مرکزی شهر
ب - احداث سه خط مترو به طول ۶۰ کیلومتر در حومه شهر
بخش اول راه حلی برای مسئله شلوغی شهر

حدود ۱/۳ میلیارد تومان به‌انجام رسید. از سال ۱۳۵۴ تا سال ۱۳۶۰ (که هیئت وزیران وقت توقف کامل طرح احداث مترو را توسط شرکت فرانسوی سوفرتو اعلام کرد) این شرکت ۳ درصد پیشرفت کار داشته است.

شرکت سوفرتو در آن زمان پیش‌بینی کرده بود که حدود ۲ میلیون نفر مسافر در روز از شبکه مترو استفاده کنند و هزینه احداث مرحله اول مترو را در آغاز حدود یک میلیارد و ۱۰۰ میلیون ریال پیش‌بینی کرده بود که در مراحل بعدی مطالعات، این هزینه، حدود ۱۵۰ میلیارد ریال برآورد گردید. بنابراین، هزینه هر کیلومتر دو خطه حدود ۲ میلیارد و ۲۰۰ میلیون ریال برآورد شده بود.

با این‌همه، مسلماً زمانی که دولت در سال ۱۳۶۰ تصمیم به توقف کامل طرح احداث مترو گرفت از نظرات کارشناسان شورای نظارت بر گسترش شهر تهران و صدا البته عوامل دیگر نیز بهره گرفته بود.

شورای نظارت بر گسترش شهر تهران در گزارشی که در سال ۱۳۵۸، برای هیئت دولت

تهیه کرد، برآورد نمود که اگر تا سال ۱۳۶۵ جمعیت تهران به ۶ الی ۷ میلیون نفر برسد و تعداد رفت‌وآمدهای درون شهری به ۱۲ الی ۱۴ میلیون نفر بالغ گردد، سهم شبکه مترو در این سفرها تنها ۲ میلیون خواهد بود و بقیه آن یعنی حداقل ۶۰ میلیون سفر توسط تاکسی و اتوبوس و اتومبیل انجام خواهد یافت و سهم مترو در کاهش ترافیک و حمل مسافر در کل شهر ناچیز خواهد بود.

این شورا سپس با مقایسه هزینه‌های ایجاد سیستمهای حمل‌ونقل شهری به این نتیجه رسید که هزینه ساختن ایستگاه‌های زیرزمینی در حدود چهار برابر هزینه ساختن ایستگاه‌های همسطح زمین و یا مرتفع خواهد بود. این شورا در پایان گزارش خود با توجه به مشکلات ایجاد مترو و سهم اندک آن در حمل‌ونقل شهری پیشنهاد ایجاد سیستم راه‌آهن شهری به‌صورت همسطح یا مرتفع را کرد و در بیان مزایای آن به کم‌هزینه‌بودن، بی‌اثر بودن عوامل خارجی و پیش‌بینی‌نشده نامطلوبه ناشی از عملیات ساختمانی مترو، اشاره کرد.

شاید آنهایی که در حوالی میدان خراسان و خیابان تهرانپارس رفت‌وآمد دارند منظور شورای فوق را بهتر درک کنند. آنها شاهد بودند که طی چند سال نصب سیستمهای هوایی برای گذر اتوبوس برقی و هزینه‌هایی که در میان مردم به شایع شدن افسانه‌هایی نیز منجر شده بود، چگونه بعد از یک یا دو خط به‌پایان رسید و سایر مناطق از این وسیله بی‌بهره ماندند. شاید اگر اطلاعات مربوط به هزینه‌های ایجاد این خطوط و سهم آنها در مسافرت‌های درون شهری در دست بود بهتر می‌توانستیم در مورد علل توقف طرح فوق قضاوت کنیم.

ضرورت مترو

مهندس ربیعی، معاون طرح و برنامه شرکت متروی تهران، معتقد است با توجه به استانداردهای شناخته‌شده دنیا، شهرهایی که یک میلیون نفر جمعیت دارند و فاقد مترو هستند، شهرهای ناقص محسوب می‌شوند. وی همچنین وجود مترو را برای تهران با ۱۰ میلیون جمعیت ثابت و سیار و روزانه ۱۱ میلیون و ۱۰۰



هزار سفرهای درون شهری و یک میلیون و ۸۲۰ هزار سفرهای برون شهری - که در سال ۱۳۸۰ به ترتیب به ۱۱ میلیون و ۷۰۰ هزار و ۲ میلیون سفر خواهد رسید - غیرقابل اجتناب می‌داند.

به‌نظر وی درحال حاضر، همه کشورهای درحال توسعه به فکر ایجاد مترو هستند و مترو در دنیا به‌عنوان راه‌حل اساسی حل ترافیک مطرح است.

علاوه بر این، آماری که توسط شرکت مترو به‌چاپ رسیده به شهروندان تهرانی مژده می‌دهد که میزان مصرفجویی سالانه در اثر راه‌اندازی مترو یک هزار و ۱۵۷ میلیارد ریال به‌این شرح است: ۲۳۰ میلیارد ریال مصرفجویی در وقت ۲۹۶ میلیارد ریال در مصرف‌ترین، ۱۱ میلیارد ریال در هزینه درمان ناشی از آلودگی هوا، ۶۵ میلیارد ریال در هزینه نظافت ناشی از آلودگی هوا، ۵۵ میلیارد ریال در هزینه پرداخت خسارت تصادفات و بالاخره ۵۰۰ میلیارد ریال در هزینه استهلاک و لوازم یدکی خودرو.

همین‌طور میزان هزینه‌ای که احداث مترو از سال ۶۶ تاکنون داشته است، به‌نظر بسیار اندک می‌آید.

براساس ارقام منتشره توسط شرکت مترو از سال ۱۳۶۶ تا ۷۷ حدود ۱۲۵۶ میلیارد ریال اعتبار دریافت نموده که طبق برآوردهای این شرکت تا سال ۱۴۰۰ به ۱۷۰۹۰ میلیارد ریال اعتبار دیگر نیز نیاز است.

مهندس ربیعی در این مورد می‌گوید: این طبیعی است که مترو در سالهای اول راه‌اندازی با ظرفیت کامل حرکت نکند، اگر قرار باشد هزینه ساخت مترو را - که هزینه بسیار زیادی هم هست - بر تعداد کمی مسافر که در سالهای اول از این سیستم استفاده می‌کنند تقسیم کنیم، قطعاً به‌نظر خواهد رسید که به صرفه نیست. اما نکته مهم این است که باید هزینه نهایی مترو را بر ظرفیت نهایی آن تقسیم کنیم و هزینه آن را در طول پنجاه سال ببینیم؛ زیرا هزینه‌ای که برای مترو صورت گرفته حدود پنجاه سال به مردم تهران سرویس خواهد داد و در طول این مدت فقط هزینه‌های جاری خواهد داشت، یعنی هزینه حقوق پرسنل، برق و ...

مهندس ربیعی معتقد است حداقل در مسیر تهران - کرج در سال ۱ میلیون ۷۸ هزار مسافر است که بتدریج افزایش خواهد یافت و ما پیش‌بینی کرده‌ایم به ۷۵ میلیون بالغ شود. خطوط بعدی (بعد از خط تهران - کرج) خط ۲ است که سال آینده به مسافت ۱۰ کیلومتر افتتاح خواهد شد. این خط، در واقع، نیمی از مسیر خط ۲ یعنی از ابتدای مسیر تهران - کرج تا میدان امام خمینی (غرب به مرکز) است. پیش‌بینی شده که این خط در سال ۷۸، ۸ میلیون مسافر جابجا کند که در نهایت در سال ۸۶ به ۳۰۵ میلیون خواهد رسید و بر همان عدد ثابت می‌ماند.

همچنین خط ۱ از تابستان ۷۹ با ۷ میلیون مسافر شروع به کار خواهد کرد و سال بعد به ۲۳ میلیون خواهد رسید. این رقم در سال ۸۸ به ۲۵۶ میلیون خواهد رسید. بنابراین، طبق برآورد، از سال ۷۸ در مجموع از ۱۸ میلیون مسافر شروع و به ۷۲۸ میلیون مسافر خواهد رسید. ما توان رسیدن به این ظرفیت را داریم زیرا تونلها

معاون طرح و برنامه شرکت متروی تهران:

با توجه به استانداردهای شناخته شده دنیا، شهرهایی که یک میلیون نفر جمعیت دارند اما فاقد مترو هستند، شهرهای ناقص محسوب می‌شوند

طبق آمار منتشره از سوی شرکت متروی تهران، سهم این وسیله در سال ۱۳۸۳ در سفرهای شهری بعد از وانت، موتور و دوچرخه حدود ۱۰ درصد خواهد بود که در مقایسه با سهم ۲۳ درصدی اتوبوس و همین‌طور میزان هزینه‌ای که احداث مترو از سال ۶۶ تاکنون داشته است، به نظر بسیار اندک می‌آید

سهم مترو در حمل‌ونقل شهری

با این حال، طبق آمار منتشره از سوی شرکت متروی تهران، سهم این وسیله در سال ۱۳۸۳ در سفرهای شهری بعد از وانت، موتور و دوچرخه حدود ۱۰ درصد خواهد بود که در مقایسه با سهم ۲۳ درصدی اتوبوس و

ساخته شده و قراردادهای منعقد گردیده و بیش از ۵۰ درصد از کالاهای خریداری شده است. از نظر فنی هم هیچ مشکلی وجود ندارد، به جز نقدینگی!

ما پیش‌بینی کرده‌ایم که با آمدن خطوط ۱ و ۲ و طی چهار سال آینده حدود ۳۰۰ میلیون مسافر در سال خواهیم داشت که این رقم بعد از ۱۰ سال به حدود ۷۵۰ میلیون مسافر در سال با ۳ خط خواهد رسید.

با این حال طبق آمار در سال ۱۴۰۰ از ۱۵ میلیون و ۷۰۰ هزار سفرهای روزانه درون شهری ۲ میلیون و ۸۰۸ هزار سفر با مترو صورت خواهد گرفت که این رقم ۲۰ درصد از کل سفرها را به خود اختصاص خواهد داد.

بودن یا نبودن؛ مسئله این است!

به آنچه درباره هزینه‌های مترو گفتیم، می‌توان بهره‌برداری شرکت مترو از معادن سنگ گرانیت کلاردشت، سنگ آهن تنگ زاغ بندرعباس و ممقان، سنگ دیاتومیت مغان آذربایجان و همچنین حق فروش نفت کوره پالایشگاه اصفهان و قطران و مازاد ذوب اصفهان را نیز اضافه کرد. هم‌اکنون نیز چهار بانک تجارت، ملت، سپه و ملی طبق قرارداد منعقد شده موظف به پرداخت ماهانه ۲ میلیارد تومان هستند که بعد از راه‌اندازی مترو ۶۵ درصد از امتیاز بهره‌برداری، متعلق به بانکها و ۳۵ درصد، متعلق به شرکت مترو خواهد بود، البته در این میان نباید اولویتها و معافیت‌های ویژه گمرکی را در زمینه واردات ماشین‌آلات و دیگر مصالح مورد نیاز از نظر دور داشت.

با وجود این، این سؤال هنوز باقی است که آیا با توجه به هزینه‌های صرف‌شده، مترو برای تهران ضروری است؟

مهندس ربیعی در این مورد معتقد است: در متروی تهران تاکنون حتی یک ریال هم سرمایه‌گذاری دولتی صورت نگرفته است، این بانکها هستند که در طرح‌های مترو سرمایه‌گذاری کرده‌اند. آنها مسلماً خواستار بازگشت سرمایه خود با سود متعارف هستند. سودی که آنها انتظار آن را دارند ۲۰ درصد است. در کنار این مسئله، به‌قول رئیس جمهور

مختوم، ما در سیستم برنامه‌ریزی و بودجه در کشور دچار بخشی‌نگری هستیم؛ یعنی کاهش هزینه‌ها و افزایش درآمد بدون توجه به سنجش این بخش در کل کشور.

مهندس ربیعی در کنار اشاره به میزان صرفه‌جویی‌های میلیاردی که استفاده از مترو به همراه خواهد داشت، می‌افزاید: مسائلی مانند آرامش و نشاط مردم، پارامترهای قابل تبدیل به پول نیستند. مردم، موجودات مکانیکی نیستند که هر بلایی خواستیم در سیستم حمل‌ونقل بر سر آنها بیاوریم.

صحبت‌های مهندس ربیعی را یکی از کارشناس جامعه‌شناسی شهری این‌گونه تکمیل می‌کند: سیستم حمل‌ونقل شهری ایده‌آل، سیستمی است که سرعت، نظم و آسایش را با یکدیگر تلفیق کند. سرویس حمل‌ونقل همگانی موثر باید اولاً تعداد زیادی از مسافران را با کارایی زیاد جابه‌جا کند و ثانیاً افراد را به عدم استفاده از اتومبیل‌های شخصی تشویق نماید. وی معتقد است کمک به ایجاد نظم اجتماعی، از طریق ایجاد امکان برنامه‌ریزی دقیق برای مردم، مهمترین اثر اجتماعی مترو است. این سیستم حمل و نقل به جهت ویژگی آن؛ یعنی سرعت و دقت، برخلاف سایر سیستم‌های حمل‌ونقل شهری با زمانبندی حرکت و ورود به ایستگاه، در واقع تمرینی خواهد بود برای جامعه شهری و مردم تهران تا رعایت نظم و زمان را به آزمایش بگذارند.

اما سؤال هنوز باقی است: مترو باشد یا نه؟ به‌نظر می‌رسد وجود مترو برای شهری مانند تهران با بیش از ۶ میلیون جمعیت و ۱۱ میلیون سفر نه‌تنها ضروری، بلکه حیاتی است. اما پرداختن به این ضرورت با چه هزینه‌ای باید صورت می‌گرفت یا صورت خواهد گرفت، اقامی هست که همواره مترو را در ایستگاه ضرورت متوقف کرده است!

مهندس هاشمی و سایر دست‌اندرکاران مترو با قاطعیت اعلام کرده‌اند که به همه پیش‌بینی‌های خود طی پنج سال آینده خواهند رسید، اگر هزینه‌های لازم تأمین شود. و البته تأمین هزینه‌ها همان داستان معروف است که دور و تسلسل مترو از آن آغاز شد! ♦

گردشگری منبع اشتغال و درآمد: تجربه شهری داری هالیفاکس کانادا

♦ ترجمه شریف ادیب سلطانی

کمیته توسعه کار و صنعت مرکز تجاری هالیفاکس در تورنتو در جلسه ۹ فوریه ۱۹۹۴ برنامه‌ای برای سال ۲۰۰۰ به کمیته مشترک تقدیم کرد. که به شش مورد آن اشاره می‌کنیم:

- ۱- تجدید فعالیت و تداوم توسعه بندرگاه‌ها
 - ۲- طرح‌های جدید برای بازاریابی و فروش
 - ۳- تشویق تعداد بیشتری از اقشار متوسط به سکونت در خانه‌های مرفه‌تر و زیباتر
 - ۴- بهبود دسترسی به مرکز تجاری شهر
 - ۵- تجدیدنظر در آیین‌نامه‌های مربوط به توسعه مرکز تجاری شهر
 - ۶- بهبود سیمای فیزیکی - اجتماعی مرکز تجاری شهر
- علاوه بر موارد مذکور، «کمیته توسعه کار و صنعت جاده اسپرینگ‌گاردن» نیز برنامه بلندمدتی به شرح ذیل تدوین کرده است:

- ۱- هماهنگی با کمیته توسعه کار و صنعت در مرکز تجاری شهر هالیفاکس
 - ۲- مسائل مربوط به استفاده از اراضی
 - ۳- پارکینگ و توآوری
 - ۴- توسعه و بازاریابی
 - ۵- سیمای شهر
 - ۶- امکانات مادی آسایشی در هر منطقه
- در منطقه هالیفاکس، بودجه عمرانی به تصویب شورای شهر می‌رسد و سپس جهت اجرا به ادارات عمرانی از قبیل کمیته توسعه کار و صنعت، اداره پارکسازي کانادا، کمیسیون خدمات عمومی، حمل‌ونقل مترو، انتخابات دریایی و... واگذار می‌شود.

توسعه جهانگردی در هالیفاکس نصب علائم

سازمان جهانگردی هالیفاکس، اطلاعات ترفیقی را با استفاده از علائم کنار جاده‌ها و علائم استاندارد به مرکز اطلاعات می‌فرستد و جهانگردان را از این طریق راهنمایی می‌کند. علائم فرعی دیگر، وسایل حمل‌ونقل موتوری را از نقطه ورود مانند بزرگراه بای‌ستینال، بزرگراه بدفورد، جاده ساحلی سنت‌مارگارت و دو بیل جدیدالاحداث راهنمایی می‌کند. در حال حاضر، سازمان جهانگردی هالیفاکس و اداره توسعه و برنامه‌ریزی برای گسترش سیستم علائم راهنمایی - که ترافیک موتوری را به مرکز تجاری شهر می‌رساند - با یکدیگر همکاری می‌کنند.

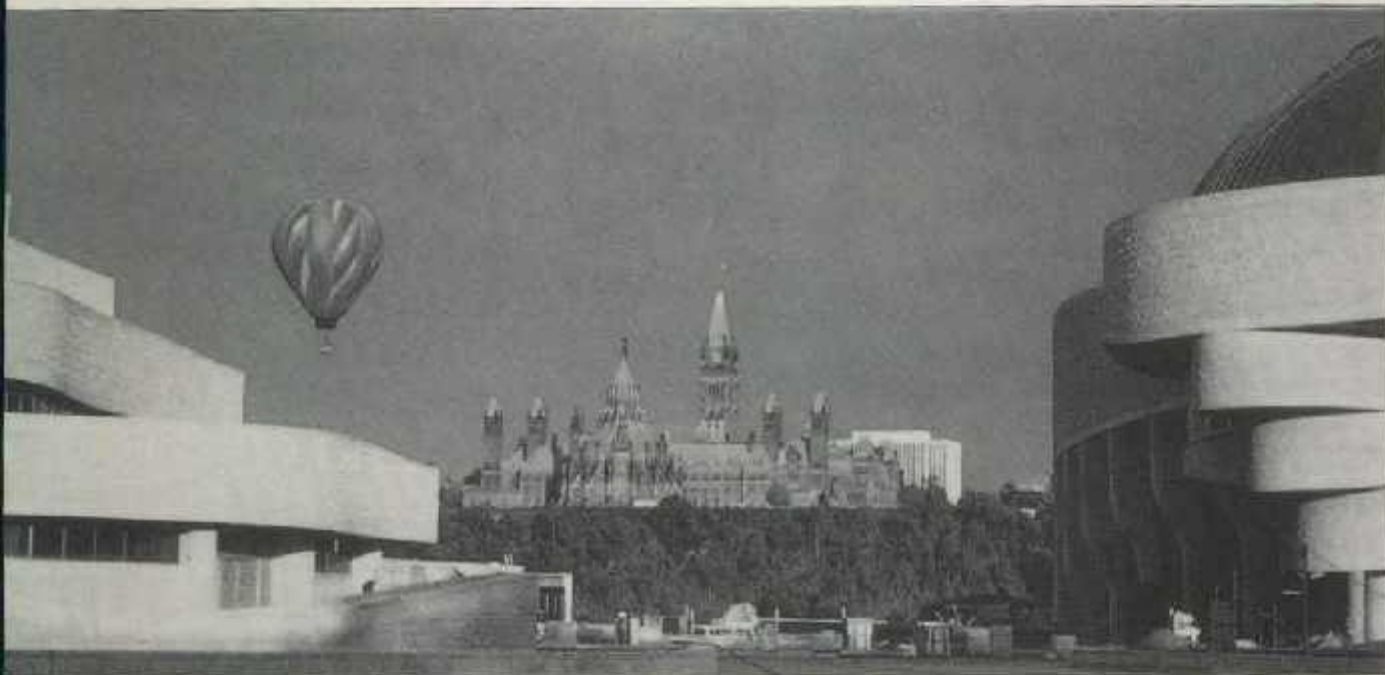
خدمات اطلاع‌رسانی

سازمان جهانگردی هالیفاکس در شهرداری یک مرکز اطلاع‌رسانی، به‌طور دائم، برای جهانگردان

راهاندازی کرده است و در مناطق شلوغ و پررفت و آمد مرکز تجاری شهر وسائل نقلیه تفریحی لازم را نیز در اختیار گردشگران قرار می‌دهد.

کنوانسیون و تشکیل جلسات

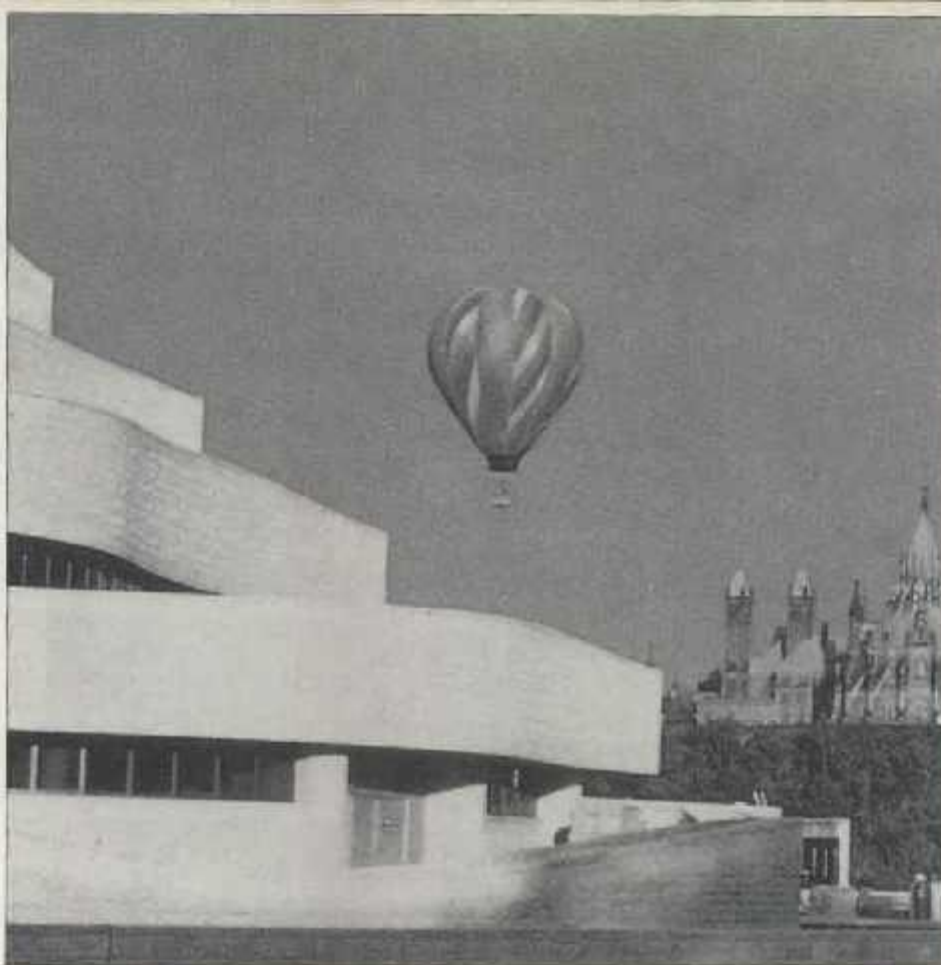
سازمان جهانگردی هالیفاکس فعالیتهای گوناگونی را با مرکز تجاری منسجم‌اش در جهت زیبا جلوه‌دادن شهر هساعتگ می‌نماید. این سازمان، تصمیم دارد هالیفاکس را به دلایل ذیل برای تشکیل جلسات و کنوانسیونهای مناسب معرفی نماید:



- وسایل و ابزار تشکیل جلسات و کنوانسیون ورزش، هم‌تراز در مرکز تجاری شهر با بهترین وسایل و ابزار موجود در سطح جهان برابری می‌کند.
- هتل‌های درجه یک در فاصله‌های کوتاه از مرکز تجارت و کنوانسیون جهانی قرار دارند.
- دسترسی راحت به مرکز تجارت و کنوانسیون جهانی با استفاده از یک شبکه راهروی زیرزمینی یا یک تونل ارتباطی برای عابر پیاده
- محیط تمیز، فضای سبز باستانی، دوستانه و امن برای شرکت‌کنندگان در کنوانسیون سازمان جهانگردی هالیفاکس با مشارکت بخش خصوصی مبادرت به جلسات و کنوانسیونهای مهمی نموده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:
- تشکیل نمایشگاهی از جلسات و ایجاد انگیزه برای مسافرت به کانادا
- تشکیل نمایشگاهی برای ایجاد انگیزه برای مسافرت به شیکاگو و شرکت در جلسات آنجا
- برنامه‌های رادیو هالیفاکس (تشکیل جلسات گروهی از برنامهریزان و تصمیم‌گیران در اوتوا و نورتو)
- شرکت در مراسم چراغانی درختان در واشنگتن و بوستون (هنگام عید نول)

جاذبه‌های هالیفاکس

چون بیشترین محل تمرکز گردشگاه‌ها، تفریحات، سوزه‌ها، رستورانها و سایر وسایل آسایش گردشگران در مرکز اصلی شهر هالیفاکس قرار دارد، این منطقه هسته مرکزی عرضه اطلاعات و توزیع



سازمان جهانگردی هالیفاکس فعالیت‌های گوناگونی را با مرکز تجاری منسجم‌اش در جهت زیبا جلوه‌دادن شهر هماهنگ می‌نماید.

سازمان جهانگردی هالیفاکس برای جهانگردان، در شهرداری مرکز اطلاع‌رسانی راه‌اندازی کرده است.

اوراق چاپی است.

ادارات سازمان جهانگردی هالیفاکس طبق برنامه توسعه خدمات، بررسیها و مآخذ مورد نیاز را در اختیار بازدیدکنندگان بخش خصوصی قرار می‌دهند. با پیگیری مسیرهای مسافرتی، ادارات سازمان جهانگردی هالیفاکس می‌توانند اندیشه‌های نو را برای توسعه خدمات منتقل سازند. به‌عنوان مثال، شرکت‌هایی خصوصی وجود دارد که گردش‌هایی را به‌صورت پیاده در مرکز تجاری شهر ترتیب می‌دهند.

برنامه دریاگردی

در سال ۱۹۹۲، ۲۰ هزار و ۹۱۷ مسافر دریاگرد و ۱۶ هزار پرسنل کشتی‌های دریاگرد به‌طور متوسط هر کدام ۸ ساعت در هالیفاکس توقف کردند. مرکز اصلی شهر یکی از جاذبه‌های عمده برای گردشگرانی است که برنامه آنان از قبل تهیه شده است. معازدهاران شهر در سال‌های گذشته با هماهنگی یکدیگر وسیله رفت‌وآمد در اختیار گردشگران می‌گذاشتند، اما از سال ۱۹۹۴ به بعد چنین خدماتی را مشاهده نمی‌کنیم و اکنون شهرداری و بندر هالیفاکس سرگرم بررسی طرح بهبود معابر پیاده‌رو از ترمینال‌های کنار دریا به مرکز شهر هستند.

همه‌ساله برنامه خوش‌آمدگویی و تفریحی با کمک مالی شهرداری، بندر و حکومت ایالتی برگزار می‌شود. برای مسافران و گردشگران، اطلاعات چاپی [بروشورهای سیاحتی] در مورد نقاط دیدنی مرکز شهر و معازدهای آن تهیه و توزیع می‌شود. ♦

پانویس

* این مقاله، ترجمه بخشی از یک مقاله در نشریه زیر است:

Orienteering and Strategies of the Montreal city plan, 1996

تجربه حکومت‌های محلی در اروپا و ترکیه

♦ ترجمه رضا رسولی

اشاره

بر اساس عوامل مؤثر در شکل‌گیری الگوی جهانگرایی یعنی عواملی همچون مسائل زیست‌محیطی، انقلاب ارتباطات، مسائل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بود که طی دهه‌های ۵۰ و ۸۰ اروپای واحد در قالب اتحادیه‌ها و مؤسسات محلی مطرح شد. مراکز علمی - پژوهشی نیز از فضای شکل‌گرفته متأثر شدند. مطالعات شهری به مطالعات سیاسی - اقتصادی شهرها بدل گشت. سیاست محلی برای جامعه‌شناسان سیاسی تقدس یافت و همگان به این باور رسیدند که تحقق دموکراسی لیبرال به‌عنوان هدف توسعه سیاسی در گرو خودگردانی محلی است. هویت مبهم شهروندی به هویت‌های (identities) محلی استحاله یافت و بدین ترتیب حکومت محلی - شاهبیت ادبیات سیاسی و سیاستگذاری - جامعه اروپا شد. سرویس بین‌الملل

اروپای متحد، قانون اساسی یا مشوری دارد که در آن حیطه اختیارات و وظایف حکومت‌های محلی مشخص شده است. براساس این منشور، مقامات محلی نقش مهمی در تحقق وحدت اروپا ایفا می‌کنند. بدون تردید هدف دموکراسی مشارکت شهروندان در سطح محلی، توأم با تمرکززدایی در سطح سیاسی، است. تحقق دموکراسی مستلزم تقویت دولت‌های خودمختار محلی است. براین اساس، شورای اروپا در سال ۱۹۸۵ اساسنامه دولت‌های خودمختار محلی را پذیرفت. در این اساسنامه، اداره امور محلی به مقامات محلی واگذار شده است. متولی اجرای اختیارات محلی انجمن‌های محلی هستند که اعضای آن از سوی مردم انتخاب می‌شوند. اختیارات مقامات محلی در زمینه‌های محوله، مطلق و انحصاری است. این مقامات در برابر قانون مسئول بوده و از سایر مقامات محلی یا مرکزی مستقل هستند.

براساس اساسنامه مذکور، مقامات محلی باید از منابع مالی کافی برخوردار باشند. چنین امتیازاتی از سوی مرکز نباید محل آزادی مقامات محلی باشد.

بسیاری از کشورهای اروپایی، از جمله ترکیه، منشور دولت‌های خودمختار محلی را امضا نموده‌اند. ترکیه با تأیید منشور در سال ۱۹۹۱ و طبق قانون ۳۷۲۳ تعهد خود را در چارچوب قوانین داخلی اعلام نمود. البته برخی از کشورهای اروپایی، نظیر سوئیس و بریتانیا، این منشور را امضا یا تأیید نکردند.

با وجود تلاش‌های ملی و جهانی در محدود کردن قدرت دولت مرکزی و گسترش خصوصی‌سازی، نباید دولت‌های محلی را در تنظیم و دخالت در امور اقتصادی و اجتماعی منع نمود. دورنگاهدانستن دولت‌های محلی از این مسائل باعث می‌شود نتوانند یک شهروند سالم، مطیع قانون و هدفدار را تربیت کنند. برای دولت‌های محلی ادامه حیات، در صورت محروم شدن از تأمین و ارائه خدمات عمومی، دشوار خواهد بود. با توجه به موارد فوق نتیجه می‌گیریم که دموکراسی و تمایلات دموکراتیک، پیش شرط تحقق حکومت‌های محلی است.

نخارب اروپاییان در این زمینه در محورهای ذیل خلاصه می‌شود:

- ۱- تمایل به تقویت واحدهای محلی
- ۲- پذیرش اصل تابعیت در سطح محلی
- ۳- منابع مالی مستقل مقامات محلی
- ۴- برجیدن کنترل دولت مرکزی بر مقامات محلی و تبدیل آن به مؤسسه همکار دولت محلی



شد تعیین رؤسای حکومت محلی از سوی شورای عمومی
عزاجرای اصول خودکنترلی، مسئولیت‌پذیری، پاکدامنی و... به‌منظور جلوگیری از تبدیل خودمختاری
محلی به بی‌مسئولیتی و فساد

۷- گسترش خدمات دولتی در سطوح محلی و منطقه‌ای

۸- گسترش کانالهای مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری امور محلی

تجربه حکومت محلی در ترکیه نیز درخور تأمل است. گفته می‌شود ترکیه با جمعیت ۷۰ میلیونی تا
اوایل قرن بیستم ویکم نمی‌تواند با یک دولت مرکزی اداره شود. علاوه بر این، پیوستن این دولت به
اتحادیه اروپا، آرمان تأسیس و تقویت حکومت محلی را بیش از پیش بااهمیت کرده است. اگر دولتهای
محلی را اولین قدم ایجاد دموکراسی بدانیم، به‌نظر می‌رسد همه احزاب سیاسی ترکیه موافق تقویت دولت
محلی هستند. باوجود ویژگیهای جمعیتی، سیاستهای منطقه‌ای و افکار عمومی در ترکیه، موانعی بر سر
راه تشکیل حکومت محلی وجود دارند که به قرار زیر است:

**دورنگ‌داشتن دولتهای محلی از دخالت در امور اقتصادی - اجتماعی باعث
می‌شود نتوانند یک شهروند سالم، هدفدار و مطیع قانون تربیت کنند**

دموکراسی و تمایلات دموکراتیک، پیش شرط تحقق حکومتهای محلی است

**مسائلی که در جهان معاصر می‌گذرد ریشه محلی و منطقه‌ای دارند و باید در سطح
محلی - منطقه‌ای حل شوند**

سنت به ارث رسیده در ترکیه، ساخت دولت متمرکز را تقویت می‌کند

**وجود نیروهای اجتماعی - سیاسی طرفدار دولت متمرکز در ترکیه، یکی از موانع
تشکیل حکومت محلی است**

۱- سنت به ارث رسیده از قوانین فرانسه ناپلئونی، ساخت دولت متمرکز را در ترکیه تقویت می‌کند.
۲- نیروهای اجتماعی - سیاسی طرفدار دولت متمرکز در این کشور، هنگام توزیع اختیارات و منابع، با
نهادسازی و تقویت شهرداریها، خود را با منافع و سیاستهای دولت مرکزی هماهنگ و همسو می‌کنند.
۳- دولت مرکزی نیز بر این باور است که تکنوکراسی در قدرت سیاسی، ثبات سیاسی و وحدت ملی را
به‌خطر می‌اندازد.

البته قدمت ۷۰ ساله جمهوری ترکیه، توأم با تعدد احزاب و بلوغ مدنی شهروندان، زمینه مساعدی
برای تحقق دولت محلی در ترکیه است.

رویه‌مرفته یا توجه به موج جهانیگرایی و طرح مفهوم دهکده جهانی، جامعه جهانی شکل گرفته است؛
به این صورت که دولت‌ها اعضای آن و مقامات محلی اجزای آن هستند. مسائلی که در جهان معاصر
می‌گذرد ریشه محلی و منطقه‌ای دارند و باید در سطح محلی - منطقه‌ای حل شوند. بنابراین، تقویت
سیاسی و مالی مقامات محلی یک ضرورت است. دموکراسی در سطح ملی متحقق نمی‌شود مگر اینکه
تمهیدات اولیه آن در سطح محلی فراهم شده باشد. تمرکززدایی لازمه تحقق چنین هدفی است که در
قالب مجامع، شوراها و انجمنهای محلی شکل می‌گیرد. ♦

پانویس

این مقاله از منبع زیر تکمیل شده است.
Turkish Public Administration Annual,
Vol. 20-21, 1994-1995



گزارش همایش منطقه‌ای مدیریت مواد زاید جامد - کیش - ۱۳۷۷

کدام روش مناسب است؟

◆ شهروزاد شریانی

هزینه صرف جمع‌آوری و دفن زباله می‌شود و این نشانگر اهمیت مسئله جمع‌آوری زباله در برنامه‌های محیط زیست کشور است. با توجه به نوع و کیفیت زباله‌های کشور و تفاوت فاحشی که با سایر کشورهای جهان دارد، به‌کارگیری هرگونه تکنولوژی غربی، بدون مطالعه کافی، انطباق با شرایط کشور نداشته و غیراصولی خواهد بود. وی با اشاره به ضرورت استفاده از تکنولوژی متناسب با شرایط کشور اظهار داشت که سازمان عمران کیش در نظر دارد جزیره کیش را به‌عنوان الگوی شهر مدرن و جزیره سالم در کشور و جهان مطرح نماید و تاکنون نیز توانسته با بهینه‌سازی سیستم‌های موجود، چهره‌ای پاک و زیبا از کیش ارائه نماید.

سپس دکتر سام، رییس دانشگاه کیش، ضمن اشاره به لزوم ایجاد تعادل میان انسان و محیط زیست، تعادل را ایجاد رابطه منطقی و اصولی بین انسان و محیط زندگی‌اش خواند و گفت: «در صورتی که بین دو طرف این تقابل، جدال صورت گیرد، انسان بازنده این جدال خواهد بود. به اعتقاد وی در دنیای معاصر به‌دلیل همگام‌نبودن رشد فرهنگ و تکنولوژی شاهد مرگ محیط زیست هستیم».

مهندس علی نوذری‌پور، مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی عمرانی وزارت کشور، سخنران بعدی روز اول همایش ضمن ارائه اطلاعاتی در خصوص شهرداری‌ها و نقش آنها در کشور، وظایف شهرداری‌ها را به چهار دسته تقسیم کرد و گفت: «در قانون شهرداری ۵۲ وظیفه در چهار گروه برای شهرداری‌های کشور در نظر گرفته شده است که عبارت‌اند از وظایف عمرانی، نظارتی، اجتماعی و خدماتی که از این میان، نقش خدماتی شهرداری همواره پررنگ‌تر از سایرین بوده است». وی در ادامه سخنان خود، وضعیت شهرهای مختلف کشور را با ابتدای پیروزی

در روزهای ششم و هفتم بهمن‌ماه ۱۳۷۷ همایش منطقه‌ای مدیریت مواد زاید جامد با حضور مسئولان کشوری، دست‌اندرکاران سازمان منطقه آزاد کیش، شهرداران استان هرمزگان، اساتید دانشگاه‌های علوم پزشکی تهران و بندرعباس، دانشگاه شهید چمران اهواز و دانشگاه کیش و به‌همت شرکت خدماتی کیش، وابسته به سازمان منطقه آزاد کیش، در تالار حافظ دانشگاه کیش برگزار شد. در این همایش پانزده مقاله تخصصی در زمینه‌های مختلف

مدیریت مواد زاید جامد ارائه گردید و میهمانان از اقدامات انجام شده توسط شرکت خدماتی کیش در سیستم‌های نوین جمع‌آوری و حمل‌ونقل زباله، سیستم بازیافت از مبدأ، بیوکمیوست، طرح بیوگاز در کیش و دفن بهداشتی - که برای اولین بار به‌صورت سطحی (Area Method) در ایران انجام می‌شود - بازدید به‌عمل آوردند. در این گزارش سعی شده چکیده مقالات ارائه شده در همایش منطقه‌ای مدیریت مواد زاید جامد

مطرح شود. جا دارد از همکاری‌های صمیمانه سازمان منطقه آزاد کیش که ما را در تهیه این گزارش یاری دادند، سپاسگزاری کنیم.

در اولین روز همایش پس از خیرمقدم مهندس چیریان، دبیر همایش و مدیر عامل شرکت خدماتی کیش، مهندس یزدان‌پناه، رییس هیئت مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش، سخنرانی افتتاحیه را ایراد کرد. مهندس یزدان‌پناه ضمن اشاره به اهمیت تأمین زندگی سالم از سوی متولیان جوامع برای اقشار مختلف جامعه و تأمین رفاه کامل جسمی، روحی و روانی آنان، با ایجاد تحول اساسی در زمینه بهبود محیط زیست و تأمین بهداشت افراد جامعه، به همراه جلب مشارکت آنان، گفت: «در شهرهای مختلف کشور، روزانه بیش از ۱۵۰ میلیون تومان

انقلاب مقایسه کرد و گفت: «در سال ۱۳۵۷ در ایران ۴۴۰ شهر وجود داشت که این تعداد در حال حاضر به ۷۱۵ شهر رسیده است. نسبت جمعیت شهرنشین به کل جمعیت در سال ۱۳۵۷ تنها ۲۷ درصد بوده است که در حال حاضر ۶۲/۵ درصد است. در سال ۱۳۵۷ بودجه شهرداریهای کشور ۵۶ میلیارد ریال بوده که در حال حاضر ۵ هزار و ۶۰۰ میلیارد ریال است. سهم دولت در تأمین بودجه شهرداریها در سال ۱۳۵۳ از محل منابع دولتی ۶۰ درصد بوده است در حالی که در حال حاضر تنها ۴/۵ درصد این بودجه از طریق دولت تأمین می‌شود.»

به گفته مهندس نوذریور هرساله ۱۰ درصد بودجه کل شهرداریها، یعنی سالانه ۵۲۵ میلیارد ریال، صرف جمع‌آوری مواد زاید جامد شهری

مهندس نوذریور، مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی عمرانی وزارت کشور: «هرساله ۱۰ درصد بودجه کل شهرداریها، یعنی سالانه ۵۲۵ میلیارد ریال، صرف جمع‌آوری مواد زاید جامد شهری می‌شود»

دکتر مصداقی‌نیا، استاد و رئیس دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی: «به منظور تحقق بخشیدن به اهداف آموزش در زمینه‌های خدمات بهداشتی لازم است دولت تسهیلاتی فراهم آورد تا مشارکت جامعه در تصمیم‌گیریها افزایش یابد»

می‌شود.

وی در ادامه سخنان خود ضمن اشاره به میزان تولید زباله در سطح کشور افزود: «در سال ۱۳۶۹ در بیش از ۸۰ درصد شهرهای کشور، شیوه حمل و جمع‌آوری زباله به صورت سنتی و غیربهداشتی بوده، در حالی که در سال ۱۳۷۵ این رقم به ۶۱ درصد کاهش پیدا کرده است.»

سپس مهندس نیسانی، مشاور سازمان عمران کیش، به افزایش سرسام‌آور میزان مصرف در قرن بیستم اشاره کرد و گفت: «میزان تولید و مصرف سرسام‌آور قرن بیستم از کل تولید و مصرف قرن یکم تا نوزدهم بیشتر است که همین موضوع باعث صدمه بیشتر به محیط زیست شده است.» وی افزود برای استفاده صحیح از محیط باید معیارهای گمراه‌کننده را نیز

در کنار رشد اقتصادی در نظر گرفت و هزینه‌های زیست‌محیطی را از قیمت تمام شده کسر نمود. همچنین باید منابع را به شکل صحیح مورد استفاده قرارداد و پیمانهای تجاری منطقه‌ای را نیز با توجه به موارد زیست‌محیطی منعقد نمود.

سخنران بعدی آقای داوود تاجران، مدیرعامل سازمان بازیافت و تولید مواد شهرداری تهران، ضمن اشاره به بررسیها و تجربیات شهرداری تهران گفت: «زباله نباید با زمین تماس پیدا کند، هر زمان این کار را توانستیم انجام دهیم مگس و موش از بین خواهد رفت. باید قبل از رسیدن به مرحله انباشت، فرایند لازم تقسیم‌بندی انجام شود و با همکاری شهروندان، بدون استفاده از کارخانجات گران‌قیمت کمپوست، زباله‌ها را به روش بسیار ساده‌تر و ارزاتر تقسیم‌بندی کنیم. به زباله نباید به‌عنوان پس‌مانده نگاه کرد بلکه زباله مثل چاه کوچک نفت است و می‌تواند به طبیعت بازگردد و جلوی آلودگی محیط زیست را بگیرد.»

بخش اول برنامه‌های سخنرانی علمی روز اول سمینار مدیریت مواد زائد جامد استان هرمزگان با سخنان آقای دکتر قاسم‌علی عمرانی، دانشیار گروه مهندسی بهداشت محیط دانشگاه علوم پزشکی تهران، آغاز شد. دکتر عمرانی با اشاره به تجربه علمی کنترل مواد زائد جامد در جزیره کیش و توضیح تغییرات به عمل آمده، پس از اجرای طرح، تجربه فعلی را تجربه‌ای کاملاً موفق خواند و از مسئولان و شرکت‌کنندگان در همایش خواست که مطالعه موردی طرح مدیریت مواد زائد جامد شهری در جزیره کیش را مورد توجه و الگوی کار خود قرار دهند.

پس از سخنان دکتر عمرانی، دکتر غیاث‌الدین، استاد گروه مهندسی بهداشت محیط دانشگاه تهران، در مقاله‌ای تحت‌عنوان «زباله‌سوزها و زباله‌های پزشکی، نحوه دفع زباله‌های شیمیایی، عفونی و پاتولوژیک را که در بیمارستانها تولید می‌شود شرح داد. وی ضمن ارائه طرحی در خصوص یک زباله‌سوز با طراحی صحیح، توضیحات لازم را در زمینه توجه به عدم آلودگی آنها توسط خاکستر زباله‌سوزها ارائه نمود.

سپس دکتر علیرضا مصداقی‌نیا، استاد و رئیس دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران، در سخنان خود تحت‌عنوان موارد آموزشی مدیریت مواد زائد جامد در برنامه‌های

آموزش دانشگاهی، کارگاه‌ها، دوره‌های بازآموزی و کوتاه‌مدت چندروزه برای مردم و دست‌اندرکاران باید با توجه خاصی پیگیری شود. سخنران دیگر همایش آقای مهندس رضا تقوی، کارشناس حوزه معاونت خدمات شهری شهرداری تهران، در مقاله خود سیستم‌های جمع‌آوری و حمل‌ونقل زباله در ایران و جهان را مورد بررسی قرار داد. وی ضمن بررسی تاریخی جمع‌آوری زباله که تقریباً از ۶۵۰۰ سال قبل آغاز شده است، گفت: «در ایران باوجود تأکید آداب و سنن مذهبی و اخلاقی، روش‌های جمع‌آوری و دفع زباله چندان اساسی و قدیمی نبوده است و در اواخر قرن سیزدهم هجری قمری - که بعضی از شهرداریهای کشور تأسیس شد - به‌مرحله اجرا گذارده شد». وی ضمن اشاره به روش‌های

بهداشت محیط کشور، از دفع مواد زائد به‌عنوان یکی از عوامل مهم آلودگی محیط زیست اشاره کرد و گفت: «تجربه شهرهای بزرگ جهان نشان می‌دهد که تنها راه برخورد علمی با این مسئله، طراحی یک سیستم علمی و صحیح در امر مدیریت مواد زائد است. در این مورد آموزش تمامی اقشار جامعه اعم از تصمیم‌گیران، مسئولان اجرایی، مأموران خدمات شهری و شهروندان جایگاه ویژه‌ای در برنامه‌ریزی مدیریت مواد زائد دارند». وی افزود: «به‌منظور تحقق بخشیدن به اهداف آموزش در زمینه‌های خدمات بهداشتی - که نوعی از آن پرداختن به عملیات جمع‌آوری و دفع صحیح مواد زائد شهری است - لازم است دولت تسهیلاتی فراهم آورد تا مشارکت جامعه در تصمیم‌گیریها



مختلف جمع‌آوری زباله در ایران و جهان به دو روش جمع‌آوری مواد جداسازی‌شده در مبدأ و جمع‌آوری زباله‌های مخلوط و جداسازی آنها اشاره نمود و سپس به بررسی نکات مثبت و منفی روش‌های جمع‌آوری زباله توسط نسیان، طرح مکانیزه و خاور پرداخت.

در بخش دوم سخنرانی علمی همایش آقای مهندس عبدالرضا شیخ‌الاسلام، معاون امور عمرانی استانداری هرمزگان، در خصوص مدیریت جمع‌آوری و دفع مواد زائد جامد در استان هرمزگان، بر لزوم مدیریت مواد زائد در سطوح منطقه‌ای و فرماندهی‌های و ارزیابی آن با امکانات و شرایط کشور و منطقه تأکید نمود و اهمیت جمع‌آوری و دفع بهداشتی مواد زائد جامد را گوشزد کرد. وی به تمامی مزایای استفاده از

افزایش یابد. این خود یک مسئله مهم سیاسی است که هم‌اکنون در کشور ما در حال برنامه‌ریزی است. همچنین دولت باید مردم را آگاه کند تا با تلاش بیشتر خود بتوانند از شرایط بهداشتی بهتری برخوردار باشند. از نظر بین‌المللی، بهداشت یکی از هشت جزء اصلی است که در بیانیه تاریخی الما - آنا توسط نمایندگان ۱۳۴ کشور و ۶۷ شعبه سازمان ملل - که تحت نظر یونسف و سازمان بهداشتی جهانی در سال ۱۹۷۸ برگزار شد - مورد قبول واقع شد که کشور ما نیز می‌بایستی همگام با برنامه‌های بین‌المللی حرکت نموده و به‌مصادق بهداشت قبل از درمان که حتی در نامگذاری وزارت بهداشت کشور با اولویت خاصی مطرح شده، عمل نماید».

به گفته دکتر مصداقی تشکیل دوره‌های

طرح جمع‌آوری بهداشتی زباله و امکانات بازیافت مواد اشاره کرد و استان هرمزگان را به‌عنوان مکانی مناسب جهت کشت گل‌های طبیعی و گلخانه‌های معرفی نمود که با توجه به وضعیت جغرافیایی هرمزگان، امکان صدور این محصولات به خارج از کشور کاری بسیار اقتصادی و مقرون به‌صرفه به‌نظر می‌رسد.

سپس دکتر رئیس، رئیس مرکز بهداشت استان هرمزگان،

ضمن اشاره به افزایش بیلون‌ها تن زباله شهری و سایر مواد سخی که حاصل فعالیت‌های روزمره انسان است، گفت: «امروزه افزایش بیماری‌های عفونی و حتی انواع سرطانها و سکنه‌ها و دیگر بیماری‌های صعب‌العلاج به آلودگی محیط زیست و زباله نسبت داده می‌شود. وی ضمن اشاره به مهمترین بیماری‌ها و خطرات ناشی از عدم کنترل زباله اظهار امیدواری کرد که با اعمال سیستم‌های صحیح جمع‌آوری و دفع زباله اقدامات مهم در جلوگیری از آلودگی‌های محیط و در نتیجه کنترل بیماری‌های شایع در هر منطقه به‌عمل آید».

پس از پایان سخنرانی‌های روز اول از سیستم‌های جمع‌آوری، بازیافت و دفن بهداشتی زباله در جزیره کیش بازدید به‌عمل آمد و مواردی که توسط مسئولان اجرای این طرح توضیح داده شده بود، در معرض دید مهمانان و شرکت‌کنندگان همایش قرار گرفت.

در دومین روز برگزاری همایش مدیریت مواد زاید جامد آقای مهندس چیریان، مدیرعامل شرکت خدماتی کیش،

گفت: «شرکت خدماتی کیش وابسته به سازمان منطقه آزاد کیش در سال ۱۳۶۶ با هدف اداره امور شهری، نگهداری و توسعه فضای سبز

و ارائه خدمات رفاهی و ایمنی تأسیس گردیده است. اگرچه تشکیلات اداری منطقه آزاد کیش با بقیه نقاط کشور تفاوت دارد و شرکت‌های وابسته به سازمان منطقه آزاد کیش در مقایسه با نهادهای دولتی، وظایف و حوزه عملکرد گسترده‌تری دارند، اما از جهاتی می‌توان گفت که شرکت خدماتی کیش در حکم شهرداری این منطقه است و کلیه سرویس‌هایی که در بقیه نقاط کشور توسط شهرداری‌ها به شهروندان داده می‌شود، در جزیره توسط شرکت خدماتی کیش ارائه می‌گردد». مهندس چیریان با برشمردن طرح‌های درحال انجام در واحدهای قضای سبز، خدمات شهری، بازیافت و نظیف شهری، فنی و واحد آتش‌نشانی و خدماتی و ایمنی یا استفاده از عکس، گوشه‌ای از این خدمات را در معرض دید شرکت‌کنندگان همایش قرارداد.

سپس آقای دکتر عزیززاده، رئیس دانشکده علوم دریایی دانشگاه شهید چمران، در زمینه کنترل آب در اماکن دفن بهداشتی زباله گفت:

«پس از جمع‌آوری زباله

به‌منظور دفع نهایی آنها ابتدا می‌بایست حجم و وزن آنها به حداقل رسانده شود. سپس باید محصول نهایی در محل دفن بهداشتی زباله - که به‌طور صحیحی انتخاب، طراحی و ساخته شده - به شکلی مدفون شود که هم از محیط زیست و هم از سلامت و بهداشت عمومی حمایت نماید». به گفته دکتر عزیززاده یکی از مهمترین عواملی که می‌بایست مدنظر قرار گرفته شود، فاصله مناسب چاله تعبیه شده از آب‌های سطحی

از یک طرف و آب‌های زیرزمینی از طرف دیگر است. طراحی چاله باید به شکلی باشد که علاوه بر حفظ فاصله از سطح، فاصله کف چاله از سطح



ایستایی آب زیرزمینی به خصوص در فصل بارندگی حفظ شود. علاوه بر این، آبهای زیرزمینی و سطحی منطقه از حیث کیفیت و فاکتورهای فیزیکی و شیمیایی به طور مرتب می‌بایست بررسی و تحت نظارت دقیق قرار گیرد.

سپس مهندس محمد اسلامی، معاون مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی عمرانی وزارت کشور، در مقاله‌ای تحت عنوان «روند مدیریت مواد زاید جامد در ایران» یکی از

عوامل مهم و تاثیرگذار در سوق دادن و هدایت شهرها به سمت وسوی شهرهای سالم را اعمال مدیریت صحیح مواد زاید جامد شهری خواند و افزود: «مطالعات و بررسیهای انجام شده توسط وزارت کشور نشان می‌دهد که روزانه در شهرهای کشور بیش از ۲۹۴۴ تن و سالانه بیش از ۱۰۷۴۵۰۰۰ تن مواد زاید جامد خانگی تولید می‌شود که توسط شهرداریها جمع‌آوری، حمل و امحاء می‌گردد. علاوه بر موارد فوق، سالانه بیش از ۱۷۲۲۵۳ تن زباله بیمارستانی و ۲۹ تن زباله صنعتی تولید و در مناطق شهری کشور به طرق مختلف دفع یا امحاء می‌گردد. برآورد هزینه‌های انجام شده توسط شهرداریها جهت امور مربوطه، سالانه رقمی بیش از ۵۲۵۶۲۴ میلیون ریال است که اهمیت اقتصادی موضوع را بخوبی نشان می‌دهد. اتخاذ شیوه‌های مناسب جهت مراحل مختلف جمع‌آوری، حمل و نقل مواد زاید جامد با استفاده از تکنولوژی و ماشین‌آلات مناسبه جلب مشارکت‌های مردمی و... می‌تواند نقش قابل توجهی در کاهش هزینه‌های مربوطه از سویی و افزایش کارایی و ایجاد شرایط بهداشتی از طرف دیگر داشته باشد.

وزارت کشور طی دو دهه اخیر اقدامات مختلفی در جهت بهبود مدیریت شهری و بهبود مدیریت مواد جامد شهری از جمله تجهیز شهرداریها به ماشین‌آلات مناسب، تخصیص اعتباراتی در مقاطعی جهت ترویج دفن بهداشتی زباله، انجام مطالعات مختلف، تهیه طرح جامع بازیافت و دفع زباله‌های شهری، تهیه دستورالعملها، تشکیل کلاسهای آموزشی جهت شهرداران و مسئولان خدمات شهری شهرداریها، انجام داده است.»

در بخش بعدی همایش مهندس سیدجواد شیخ‌الاسلامی، مدیر بخش بیوگاز سازمان انرژی اتمی ایران، در خصوص استفاده از سیستم بیوگاز در جزیره کیش ضمن

اشاره به نحوه تبدیل و تخمیر مواد آلی مخلوط در آب به مواد معدنی و ایجاد کود مناسب برای گیاهان همراه با گازهایی که می‌توانند منبع انرژی گرمایشی، روشایی و تولید برق باشند، گفت: «بیوگاز تولید شده به عنوان یک منبع انرژی تجدیدپذیر و پاک که موجبات کنترل آلودگی محیط زیست را به همراه دارد، مورد استفاده قرار می‌گیرد. لذا جهت دستیابی به این هدف در محدوده بازیافت جزیره کیش یک دستگاه آزمایش و کاربردی به حجم تخمیر ۱۳ مترمکعب با تولید ۲ مترمکعب بیوگاز با ارزش حرارتی برابر ۱۲ کیلووات ساعت در روز ساخته شد. این طرح توسط بخش بیوگاز مرکز توسعه انرژیهای نو سازمان انرژی اتمی ایران و با هزینه و همکاری شرکت خدماتی کیش تهیه و اجرا گردیده است.

نتایج حاصل از این تجربه می‌تواند جهت تصفیه و کارایی لجنهای حاصل از تصفیه‌خانه فاضلاب جزیره کیش مورد استفاده قرار گیرد و مواد زاید آن نیز به صورت بهداشتی جهت تأمین مواد اولیه طرح کمپوست و کود آلی برای واحد فضای سبز جزیره مورد استفاده قرار خواهد گرفت.»

مهندس اسماعیل صالحی، مسئول گروه طرح و برنامه دفتر برنامه‌ریزی عمرانی وزارت کشور و مجری «طرح جزیره سالم کیش»، در مقاله‌ای تحت عنوان «مدیریت مواد زاید جامد در شهر سالم» ضمن اشاره به تناقض میان «سیاستها و راهبردهای بهداشتی و سیاستها و راهبردهای اکولوژیکی» مدیریت شهری در عرصه تولید و دفع مواد زاید به بررسی تاریخچه ایجاد شهر سالم در جهان پرداخت و گفت:

بر اساس آمار ارائه شده از سوی سازمان بهداشت جهانی (WHO) طی سیری شدن یک دهه از معرفی ایده شهر سالم تاکنون بیش از هزار شهر در سرتاسر جهان به این نهضت ملحق شده‌اند، به عنوان مثال، جزیره کیش یک محیط بسته جغرافیایی محسوب می‌شود که کاملاً با دریا محصور گردیده است، لذا اهمیت بسته در نظر گرفتن اکوسیستم آن از اصول استراتژیک سالم‌سازی جزیره محسوب می‌گردد. برای این منظور ضروری است عوامل و عناصر ورودی و خروجی به اکوسیستم جزیره تحت کنترل و انقیاد اکولوژیکی قرار گیرد. از این رو، بازیافت مواد زاید جامد و ممانعت از رهاسازی زباله‌های شهری و صنعتی در محیط،



در پایان دومین و آخرین روز همایش مدیریت مواد زاید جامد جزیره کیش خانم مه‌لما ملاح، مدیرعامل جمعیت زنان مبارز با آلودگی محیط، در سخنان خود به اهمیت همکاری فردی در عملیات بازیافت و کنترل آلودگی محیط زیست پرداخت. وی ضمن اشاره به اجتناب‌ناپذیر بودن تولید زباله در زندگی و نقش زباله‌ها در آلوده کردن سه عنصر اصلی حیات یعنی آب، خاک و هوا، امکان ایجاد صدها نوع بیماری ویروسی، انگلی و باکتری از طریق زباله‌ها را مورد توجه قرار داد و گفت: «تها دفن زباله و دور کردن آن از انظار کارساز نیست. مرزهای شهرها و روستاهای ما بسیار به هم نزدیک شده و می‌شود دیگر مقوله خارج از شهر با توجه به طبیعت حساس و در حال تخریب خاک، آب و پوشش گیاهی نباید به‌عنوان مکان امن و مناسب برای گورستان زباله‌های شهری تلقی شود. راه‌حلی که امروز به‌وسیله کارشناسان این امر به مدیران شهری و دولت‌ها توصیه می‌شود بازیافت است و برای زباله‌های خطرناک، خصوصاً بیمارستانی، سوزاندن صنعتی است و بسیاری از کشورهای پیشرفته، امروز در مراحل اجرای پیشرفته این امر هستند».

وی در پایان سخنان خود ضمن اشاره به شیوه‌های آموزشی و مداومت در به‌کارگیری آموزش تا رساندن مردم به آگاهی در این زمینه افزود: «سرمایه‌گذاری در بازیافت و سوزاندن صنعتی زباله‌های خطرناک یعنی سرمایه‌گذاری در راه سلامت جامعه، یعنی کاهش هزینه‌های

توانم با جلب همکاری و مشارکت مردم از مهم‌ترین اهداف راهبردی و کاربردی این اصل در منطقه محسوب می‌شود».

در ادامه همایش آقای ابوالفضل خسروی، معاون تحقیقات سازمان بازیافت شهرداری اصفهان، به ارائه توضیحاتی در خصوص بازیافت از مبدأ تولید در شهر اصفهان پرداخت. وی گفت: «شهرداری اصفهان برای اولین بار در کشور از سال ۱۳۷۲ طرح آزمایشی تفکیک و جداسازی مواد زاید در مبدأ و بازیافت آن را به اجرا گذاشته و از سال ۱۳۷۵ در کل مناطق دهگانه شهر اصفهان به مرحله اجرا درآورده است».

در حال حاضر شهر اصفهان با حدود ۸۰۰ تن زباله روزانه، کلیه مواد قابل تخمیر را در کارخانه کمپوست به کود آلی تبدیل می‌نماید و مواد زاید جامد را در منازل و مبادی تولید جداسازی می‌کند که قسمتی از آن در کارخانه آلیاژ پلاستیک، وابسته به شهرداری اصفهان، به کیسه زباله و سایر مواد زاید در کارخانجات بخش خصوصی و تحت نظارت شهرداری به کالاهای قابل استفاده مجدد تبدیل می‌شود».

بنابر آمار ارائه شده توسط آقای خسروی در سال ۱۳۷۵ تنها ۵۳ درصد مردم اصفهان با اجرای طرح بازیافت آشنایی و موافقت داشتند در حالی که در سال ۱۳۷۷، بیش از ۹۴ درصد شهروندان اصفهان با اجرای این طرح موافق بوده‌اند. این امر نشان می‌دهد که آموزش نیز در این دوره انجام گرفته و با موفقیت روبرو شده است».

دارو و درمان، یعنی کاهش واردات کاغذ و جلوگیری از نابودی جنگلها و بیابانی شدن وطن، جلوگیری از آلودگی آب، خاک، هوا و نهایتاً سرمایه‌گذاری در حفظ منابع طبیعی و محیط زیست».

پس از پایان سخنرانی خانم ملاح، جوایزی به چهارتن از کارگوان نمونه تنظیف شهری جزیره کیش اهدا شد. در ادامه همایش میزگرد تخصصی با شرکت مهندس نوذریور، مهندس شیخ‌الاسلام، مهندس جبریان، آقای تاجران، دکتر کبیری، دکتر سعیدپور، آقای ابراهیمی و آقای شریعتمداری برگزار شد و قطعنامه همایش قرائت گردید.

قطعنامه همایش

- ۱- افزایش آگاهی شهروندان در خصوص سیستم‌های بازیافت از مبدا و آموزش نیروی انسانی خدمات شهری شهرداریها
- ۲- ارتقای سطح فرهنگی شهروندان با استفاده از شیوه‌های آموزشی نوین جهت تولید زباله کمتر
- ۳- تدوین قوانین مورد نیاز، مبنی بر الزام امر بازیافت در سطح کشور یا لحاظ الزامات سازمانی مورد نیاز
- ۴- در اولویت قراردادن دفن بهداشتی زباله با توجه خاص بر کنترل آلودگی آب در مناطق ساحلی شمال و جنوب کشور
- ۵- انجام سیستم‌های جمع‌آوری و حمل‌ونقل زباله با توجه خاص به تکنولوژی مناسب و تأمین امکانات لازم در شهرداریها
- ۶- با توجه به درصد بالای مواد قابل کمپوست در زباله‌های کشور توصیه می‌گردد تا از اینگونه

مواد به‌صورت تفکیک شده از مبدا، منادرت به تهیه کود آلی به شیوه بیوکمپوست شود. توجه به ضوابط و استانداردهای ویژه در انتخاب، محل ارزیابی اثرات توسعه و کیفیت مطلوب کمپوست یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است.

۷- مسئله زباله‌های بیمارستانی و امحای آنها یک اقدام اساسی در جهت بهداشت محیط زیست کشور است. لذا حمایت شرکت‌های داخلی و تهیه استانداردهای ویژه زباله‌سوزها در زمینه دفع ضایعات بیمارستانی و مواد سمی یک مسئله اجتناب‌ناپذیر است.

۸- بررسی و مطالعه و ترویج الگوهای مشارکتی گروه‌های اجتماعی ویژه بانوان و جوانان در بهداشت و نظافت شهری

۹- انجام هماهنگی‌های لازم جهت اجرای پروژه‌های بزرگ و اجرای طرحها از طریق دفتر برنامه‌ریزی عمرانی حوزه معاونت هماهنگی و عمرانی وزارت کشور و ابلاغ دستورالعمل‌های لازم از طریق وزارت کشور به شهرداریها

۱۰- پرداختن به امر جمع‌آوری و دفن زباله‌های صنعتی بویژه مواد سمی و خطرناک از ضروریات اساسی مدیریت مواد زاید جامد کشور است. لذا تهیه دستورالعملها و راهکارهای اساسی در این زمینه با توجه خاص تأکید می‌گردد

۱۱- تهیه بانک اطلاعات از متخصصان، مشاوران و شرکت‌های ذی‌صلاح در تکنولوژی مواد زاید جامد شهری از سوی سازمان محیط زیست، وزارت کشور و دیگر ارگانهای مربوطه مورد تأیید واقع شده که گامی مؤثر در زمینه بهینه‌سازی تکنولوژی مواد زاید جامد است.

۱۲- اعضای حاضر در همایش به این توصیه نمودند که جمهوری اسلامی ایران باتوجه به فعالیتهای انجام شده در زمینه مدیریت مواد زاید جامد، همایش منطقه‌ای خاص کشورهای آسیای جنوب غربی را با همکاری سازمانهای بین‌المللی، در جزیره کیش برگزار نماید.

۱۳- تهیه قانون، دستورالعمل و ضوابط خاص بخشهای مختلف مدیریت مواد زاید جامد از ضروریات بوده و لازم است که ارگانهای ذی‌صلاح نسبت به انجام این امر اقدام لازم بعمل آورند.

۱۴- پرداخت هزینه‌های جمع‌آوری، حمل‌ونقل و دفع زباله متوجه تولیدکنندگان بوده و اینان موظف هستند در چارچوب مقررات و دستورالعملهای ویژه توان آلودگیهای محیطی خویش را بپردازند

مدیرعامل جمعیت زنان مبارز با آلودگی محیط: «دیگرمقوله خارج از شهر یا توجه به طبیعت حساس و درحال تخریب خاک، آب و پوشش گیاهی نباید به عنوان مکان امن و مناسب برای گورستان زباله‌های شهری تلقی شود، امروز بازیافت راه حلی علمی برای دفع زباله است»



درآمدی بر ریخت‌شناسی شهرهای اسلامی

✦ غلامرضا طالبی

تو بیابانی از آب و سنگ و آهک و شن نیستی
همانند دیگر شهرهای آدمیان...^۱

شنیده‌ایم که پیامبر اسلام (ص) با پیروانش دایره‌وار می‌نشست؛ چون به صدر و ذیل اعتقاد نداشت و فرادست و فرودست در نظر او یکسان بود. پیروانش گفته‌اند که او همه مردم را مانند دانه‌های شانه، برابر می‌دید. یک روز، دستان پینه‌پسته کارگری را به رسم تحلیل و تکریم بوسید. مرکبش ساده‌ترین بود و خانه‌اش معمولی‌ترین. مردم، چندان به او نزدیک بودند که به هر کس دیگر، در نظر او، مرادی و مریدی به دلها بود، نه برج و باروها. کار را جهاد می‌دانست و بشر را مأمور و مسئول آبادانی زمین. اجازه می‌داد پیروانش از همه لذتها بهره‌جویی کنند، اما به‌تبادل. دین و دنیا را از یکدیگر جدا نمی‌دانست و آخرت را محصول و نتیجه دنیا می‌شمرد. در پیش او مسجد، بازار، مدرسه و محکمه در کنار یکدیگرند، بدون هیچ امتیاز؛ همه رو به کعبه، آسمان، خدای یگانه... .

چنین بود که او یکی از بزرگترین فرهنگها و تمدنها را برپا نمود. این تمدن، هنوز هم با همان قدرت در تاریخ در حرکت است.

ارزشها و باورهای یک فرهنگ، در پیروان آن فرهنگ و در تمام نمودهای زندگی آنها تجلی و تجسم می‌یابد. ما اکنون در جستجوی این تجلی هستیم؛ در جستجوی «شهر اسلامی». شهر اسلامی کجاست و چه ویژگیهایی دارد؟

شهر، نماد تمدن است و برای بانیان و ساکنان آن، به منزله انعکاسی از ارزشها و باورها. شهر اسلامی باوجود گوناگونیهای نژادی، اقلیمی و... غرق در ایمانی واحد است و در حالی که معیارها و قوانین زندگی بر آن حاکم است، شکل مشخصی از معماری را نیز ارائه می‌دهد. ساختمانها، مساجد، بازار و خانه‌ها در کلافی از معابر، طاقها و بالکنها قرار گرفته‌اند که از شهر، یک مجموعه سازمان‌یافته و شکل‌گرفته‌ای می‌سازند.

شهر اسلامی عبارت است از نمایش فضایی شکل و ساختمان اجتماعی، که براساس ایده‌های اسلامی، فرمهای ارتباطی و عناصر تزئینی خود را نیز در آن وارد کرده است. اما فراتر از مفهوم اجتماعی، اصل دیگری نیز براین جامعه حاکم است و آن محدود نبودن به زمان و نداشتن جغرافیای خاص است که مفهوم «امت اسلامی» آن را تعریف می‌کند. امت، اجتماعی است که یک سری آداب و روش زندگی را مشترکاً رعایت می‌کند؛ جامعه‌ای که به‌سوی قیله‌ای واحد روی می‌گرداند و قبل از آنکه به‌عنوان یک محل سکونت مطرح شود، به‌صورت یک «جهت نگاه» تعریف می‌شود. تصور ذهنی امت در جامعه اسلامی، ایده‌های ارگانیک دارد که در قرآن به‌صورت «بنیان مرصوص» مطرح شده است؛ بنیانی ساخته شده از «قلع».

در ابتدا، جامعه اسلامی فقط امت را می‌شناخت؛ مجموعه‌ای که علاوه بر ایده‌های اخلاقی و اجتماعی - که برای زیستن تنظیم شده بود - برای معماری نیز راه‌آورد داشت. اما به‌طور کلی، این جامعه، واحدی نظم‌یافته برای زیستن در کنار هم بود تا برای ایجاد ساختمان.

شهر در اسلام، صرفاً به‌عنوان هنر معماری مطرح نیست، بلکه با کسانی که در آن زندگی می‌کنند مطرح می‌شود. خود کلمه شهر، جامعه‌ای را به‌یاد می‌آورد که منسجم، گرم و متحد است. در این صورت،

پانویس

۱ این مقاله، با استفاده و تأکید بر دیدگاه نجم‌الدین ریحان در کتاب زیر تهیه شده است: نجم‌الدین ریحان، شهر اسلامی، ترجمه محمدحسین حلیمی و منوچهر اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۹.

۲ کتاب اشعار میلوژ (شاعر الفانی) به نقل از نجم‌الدین ریحان، شهر اسلامی، ص ۱۸۹.



خیابانها و کوچه‌ها به منزله راهرو و خانه‌ها به منزله اتاقهایی هستند که خانواده‌ها از آن استفاده می‌کنند و تمام شهر، یک خانه بزرگ محسوب می‌شود.

اکثر شهرهای اسلامی که بر روی تمدنهای قدیمی بنا شده است، توانسته‌اند فضایی با هویت و خصوصیات خود به‌وجود آورند. آنها پوسته امپراتوریهای زمانه را شکافتند و به درون آنها نفوذ کردند و در اندک زمانی در تمامی جهان گسترده شدند. اسلام در قلمرو بیزانس و ایران مستقر شد، عمیقاً آنجا را دگرگون کرد و شهرهای آنها را دوباره ساخت و تداوم بخشید. فرهنگ اسلامی، مردم چادرنشین استپ‌های آسیای مرکزی را دربرگرفت و تا مجمع‌الجزایر اندونزی نیز گسترش یافت و تمامی اینها در طول دو یا سه نسل انجام شد. کمتر تمدنی است که بتواند در مدت زمانی به این کوتاهی، این تعداد شهر ایجاد کند؛ شهرهایی مانند کوفه، بصره، بغداد، قیروان، قاهره، تومبوکتو، سمرقند و بسیاری دیگر. همچنین کمتر تمدنی است که بتواند این تعداد شهرهای مهم را تصرف کند و این‌گونه آنها را تغییر دهد؛ مانند شهرهای مکه، بیت‌المقدس (اورشلیم)، دمشق، کنستانتینوپل، (قسطنطنیه)، تولدو (طیطله)، کردوبا (قرطبه)، بلخ و هرات.

برخی از شهرهای اسلامی بنادر مهمی بوده‌اند که برای کاروانها به‌وجود آمده‌اند تا با مناطق دور دست ارتباط برقرار کنند؛ مانند اسکندریه، صور، عکا، تونس و المزیه که در ارتباط با دریای سرخ هستند، همچنین شهرهای جدّه، عدن، بصره، مسقط، مالاکا، سوماترا و اندونزی که با اقیانوس هند مرتبط‌اند و سجلماسه، تومبوکتو، حمص، حلب، یا شهرهایی که در مسیر جاده ابریشم قرار داشتند؛ مانند همدان، ری، نیشابور، هرات، بلخ، سمرقند، بخارا، تاشکند و سرانجام سینگ‌کیانیک که در چین قرار داشت. شهرهای مقدسی مانند مکه، مدینه، کوفه، نجف، کربلا و دمشق علاوه بر جنبه مذهبی، از نظر تاریخی نیز قابل توجه‌اند. شهرهایی مانند قاهره، استانبول و اصفهان از نظر علمی و هنری دارای مرکزیت و اعتبار هستند.

این شهرها تا حدودی چهره شهر اسلامی را مشخص می‌کنند. قبل از همه، مکه است که ابتدا شهری تجاری بوده و در مسیر راه‌های بازرگانی قرار داشته است. اما در مقابل آن، مدینه (یثرب) شهری است که براساس اصول و قواعد حقوق اسلامی توسط پیامبر اسلام (ص) شکل گرفته است. در مرکز شهرهای اسلامی، مسجد جامع قرار دارد و همراه آن، مراکز آموزشی (یعنی قلب و مغز شهر) که بُعد معنوی و فکری شهر را به‌وجود می‌آورند. در کنار آنها کتابفروشیها و عطاریها واقع شده است. پس

از آن، بُعد مادی شهر چهره می‌نماید؛ یعنی بازارهای مرکزی و بزرگ و سایر بازارهای کوچک. هر بازاری با توجه به اهمیت آن، نسبت به نقطه مرکزی ایجاد شده؛ بازار پارچه‌فروشان (قیصریه)، زرگرها، قنادها، مسگرها، کفاشها، نجارها، آهن‌گرها و در پایان و خارج شهر، بازار قضایا و دباغها که با جسم حیوان مرده سروکار دارند. هر کدام از بازارها نیز با دیگری در ارتباط است.

راسته بازار (سوق) از جلو درهای مسجد آغاز می‌شود؛ بازار هم مسجد را تنگاتنگ دربرمی‌گیرد. مسجد، بنای مرکزی شهر، در مکان ممتازی قرار نمی‌گیرد و با یافت شهر پیوند می‌خورد. وجود مسجد، زندگی روزمره‌ای را که در بازار جریان دارد تضمین می‌کند. در واقع، بین فضای مقدس و مکان زندگی - که عالیترین نمونه‌اش بازار است - فاصله‌ای وجود ندارد. علاوه بر این، یک نوع مقابله و ارتباط هم به چشم می‌خورد. هر یک، دیگری را تضمین می‌کند و آن را به تحزک وامی‌دارد.

در اولین نظر، شهرهای اسلامی به صورت بیخ و خمی (لایبرنتی) از کوچه‌های درهم‌پیچیده شده جلوه می‌کنند

در شهر اسلامی، فضا با بیخ و خمهای محافظ شهر، به شکل فرمهای حلزونی (اسپیرال) است که با نقشه گسترده شهرهای اروپایی در تضاد است

در شهرهای غربی، بیشترین چیزی که با فرهنگ اسلامی بیگانه است نمای ساختمان است

در مرکز شهرهای اسلامی، مسجد جامع قرار دارد و همراه آن، مراکز آموزشی (یعنی قلب و مغز شهر) که بُعد معنوی و فکری شهر را به وجود می‌آورند... پس از آن، بُعد مادی شهر چهره می‌نماید؛ یعنی بازارهای مرکزی و بزرگ و سایر بازارهای کوچک

در اطراف این فضاها، اماکن مسکونی قرار دارند. جمعیت متراکم و اتحاد و گرمی خاصی در جامعه حکمفرماست. دانش، زندگی و عبادت با هم توأم است. هنرهای سنتی، صنایع دستی و مبادلات تجاری - که از منابع مهم درآمد به حساب می‌آیند - همگی در مجاورت ستونهای مسجد در جریان است. نمازهای یومیه، اوقات روز را مشخص می‌کند و مسجد، پناهگاه ضعیفا و محل تجمع و ارتباط است. کانون چنین ترکیب شهری، همیشه در ارتباط بین مسجد و بازار قرار دارد.

در شهرهای اسلامی، خانه‌های شخصی فضاهای بسته‌ای است که آنجا را فضای فامیلی، خصوصی و اندرونی خانواده می‌دانند. کوچه‌ها نیز در ارتباط با خانه‌ها و به عنوان دالانی تلقی می‌شوند و معبری و محلی برای دادوستد و گردش نیستند. در نتیجه، کوچه‌ها و خیابانها مانند یک چشم‌انداز نیست و برخلاف فضا سازی غربی، عمق‌تمایی و پرسپکتیو وجود ندارد.

در شهرهای غربی، هنگامی که یک خیابان از خارج دیده می‌شود، جنب و جوش و تحزکی در آن به چشم می‌خورد که نفتها ناشی از جمعیت، بلکه به خاطر ریتم و تنوع معماری آن نیز هست؛ خواه مربوط به عهد رنسانس باشد و یا باروک، و یا مربوط به قرن ۱۹ و یا دوره معاصر. خانه‌ها و پنجره‌ها نیز روبه بیرون باز می‌شوند.

در شهرهای غربی، بیشترین چیزی که با فرهنگ اسلامی بیگانه است نمای ساختمان است. در معماری غربی، نما (فاساد) دارای حالت نمایشی است؛ بدین صورت که در همان نگاه اول، کسی را که پشت آن زندگی می‌کند معرفی می‌نماید. همه چیز معرف او و شخصیت خانوادگی اوست و طبقه اجتماعی

و مالکیت صاحب‌خانه را نشان می‌دهد.

اما در شهرهای سنتی اسلامی، هیچ چیز در نگاه اول، حجم ثروت و توانگری مالک و یا ساکن خانه را مشخص نمی‌کند؛ زیرا بیوستگی و تداخل بیچیده‌ای بین مسکن فقرا و اغنیا وجود دارد. چیزی که محلات زیبا را از خانه‌های ساده‌تر متمایز می‌کند، وجود مجموعه‌های ساده متوالی و متحدالشکل است. استقرار برخی قبیله‌ها و یا فامیله‌ها در محله‌های مشخصی از شهر - که به علت تغییر و تحولات نظامی در برخی از شهرهای اسلامی به وجود آمده است - نیز وحدت و انسجام فضای شهری را بر هم نزنده و باعث بریدگی و گسستگی نشده است. تنها هنگامی که پا به درون می‌گذاری، تفاوت فقر و ثروت آشکار می‌شود.

در شهرهای اسلامی، اصول تقسیمات شهری کاملاً متفاوت است؛ هرچه از مجموعه مسجد و مکانهای آموزشی و تجاری دورتر می‌شوی، دایره شهر نیز گسترده‌تر می‌شود و قشردگی آن کاهش می‌یابد.

معماری اسلامی، فضای بسته‌ای است که خانه و شهر را در برمی‌گیرد. خیابان در امتداد دیواری ممتد ادامه می‌یابد و ساختمان مانند نایبایی که نگاهش به بیرون مسدود است، به درون توجه دارد. معماری اسلامی رویه اندرون دارد و ساختمان به طرف داخل چرخیده است؛ حتی پنجره‌ها نیز به صورت مشبک درآمده‌اند تا افراد داخلی بتوانند از قسمت مشربیه بدون آنکه دیده شوند، قسمت بیرونی را ببینند.

شهرهای اروپایی قرون وسطاء، شاید شباهتهای اندکی با شهر اسلامی داشته است، اما تاریخ و تأسیسات شهری متفاوت، بین آنها فاصله انداخته؛ فاصله‌ای که تا حد تغییرات ناگهانی سده‌های اخیر پیش رفته است. شهرهای اروپایی، تحت تأثیر نفوذ و اختیارات حکومتی و محلی قرار داشته و در واقع، شهر در اطراف قصر پادشاه - عمارت اصلی شهر - و کاخ شهرداری شکل گرفته است. ساختمانی که بیش از همه، خود را می‌نمایاند مقر قدرت سیاسی است - مذهبی باشد یا غیرمذهبی. خیابانها تا جایی عرض شده‌اند که قدرت حاکمه بتواند به راحتی هرگونه شورش را سرکوب کند. خیابانها - که رفت‌وآمد و دادوستد در آنها انجام می‌شود - در حقیقت، سوراخی در بافت شهر ایجاد نموده و آن را از دو طرف باز کرده است و چشم‌اندازهای موجود (پرسیکتو) پلان شهر را معرفی می‌نمایند.

اما در شهرهای اسلامی، فضا با پیچ‌وخمهای محافظ شهر، به شکل فرمهای حلزونی (اسپیرال) است که با نقشه گسترده شهرهای اروپایی در تضاد است. تصویری که در اینجا به ذهن می‌رسد تصویر حلزونی است که با سطح خارجی خود محافظت می‌شود؛ سطحی صاف و محکم که موجود زنده را در پناه می‌گیرد. پس فضای زیادی باقی نمی‌ماند که چشم را به خود معطوف کند و یا صف و ردیفی نیست که بتوان از آن میان چیزهای فردی را به روشنی تشخیص داد و تا افاق نیز پیش رفت. راه‌های ارتباطی که گاهی مخفی هستند و روی زمین یا پشت‌بامها قرار دارند، از تمام شهر، خانه واحدی می‌سازند.

منابع تکمیلی در این زمینه عبارت‌اند از:

- اوستروفسکی، واسلاف، شهرسازی معاصر (از نخستین سرچشمه‌ها تا منشور آتن)، ترجمه لادن امتحانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- مینه ولو، لئوناردو، تاریخ شهر و شهرهای اسلامی و اروپایی در قرون وسطاء، ترجمه پروانه موجد، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- بیکن، ادموند، طراحی شهرها، ترجمه فرزانه طاهری، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- جودت، محمدرضا (نوشته و ترجمه مهندسین مشاور و همکاران)، نومردن‌ها کجایند؟ (مجموعه مقاله‌های معماری و شهرسازی)، تهران، دفتر نشر معانی.
- ریمن، آنترو، شهرهای بزرگ غربی - اسلامی، ترجمه حسین سلطان‌زاده.

در اولین نظر، شهرهای سنتی اسلامی به صورت پیچ‌وخمی (لابیرنتی) از کوچه‌های درهم بیچیده شده جلوه می‌کند. از بالا که بنگریم شهر به بلوری می‌ماند با مکعب‌ها و منشورهایی که در واقع، اجتماع خانه‌هایی است که پهلوی به پهلوی هم قرار گرفته‌اند، با فضاهای بریده بریده شده، آمدوشده‌های روزمره، مسیرهای درهم بیچیده شده و راه‌های گره‌خورده‌ای که به نظر می‌رسد به هیچ‌جا ختم نمی‌شوند. تمام اینها شهر را به صورت یک واحد درمی‌آورند. اماکن مسکونی (خانه‌ها) مشرف به مکان و نقطه‌ای مرکزی هستند که شامل چشمه‌های داخلی، یا حیاط و محوطه‌های است که خانه‌ها، دور تا دور آن را قرار گرفته‌اند. سقف و پشت‌بام خانه‌ها به صورت ایوان و قسمت مسطحی است که خیابانهای معلق را تشکیل می‌دهند؛ جایی که می‌توان در آن قدم زد و از خانه‌ای به خانه دیگر رفت. روی پشت‌بامها می‌توان غذا خورد و خوابید. پشت‌بامهایی که در معرض هوای آزاد و نور هستند. مجموعه خانه‌ها و فضاهای مسکونی مانند لابیرنتی است که روی زمین قرار دارد. نور خورشید که از بالا به لابیرنت می‌تابد، فضاهای باز شهر را به فضای بالا و آسمان ارتباط می‌دهد. واقعیت به «رویا» تبدیل می‌شود و عطش «خیال» در آدمی برمی‌انگیزد و آدمی با اطمینانی وصف‌ناپذیر به «ابدیتی آرام» و فوق انسانی می‌پیوندد. ♦



تازه‌های نشر

جغرافیایی (GIS) - که در ساختن و بازیافت طرح و تصاویر، قدرتی بی‌پایان فراهم می‌سازد - ثبت و ذخیره نمود.

مطالب و موضوعات این کتاب در زمینه طراحی، برنامه‌ها، شهرها، ساختمانها، چشم‌اندازها، پارکها و فضای سبز، باغها و (GIS) است. رویکرد نویسنده را در پرداختن به این مطالب و موضوعات، در چارچوب ذیل، می‌توان فراتر از فرانوگرایی تلقی کرد:

- دوران نو (modern) از رنسانس آغاز می‌شود. پنج قرن ۱۴۵۰ تا ۱۹۵۰ را می‌توان دورانی تلقی نمود که «خرد» به‌نو شدن جامعه کمک کرد و تا آنجا پیش رفت که به جایگزین کردن «ایمان» به‌عنوان والاترین معیار برای حقیقت، عدالت و دانش، نزدیک شد.

- نوگرایی (modernism) نوعی افشای فرهنگ قرون بیستم است. از ۱۹۵۰، فرد با حسدورزیدن به همه رقیبان، آمال و آرزوی الهه‌شدن را در سر می‌پروراند. در مدیریت دولتی، نوگرایی رقیبی نداشت.

- فرانوگرایی (Post modernism) به‌عنوان تلاش برای حفظ دستاوردهای نوگرایی تلقی می‌شود و برای پیشرفت و تکامل خود باید آرای اکثریت را تحمل کند. درون فرانوگرایی، می‌توان فراصنعتی، فراسرمایه‌داری، فرااستعمارگرایی، فراسوسیالیزم و فراهم‌چیزگرایی را نیز دید. البته این احتمال قابل درک است که از میان تمام این «فراگرایی»ها همچون عصر تاریک پیش از رنسانس هرج و مرج نیز ظهور کند؛ زیرا این مسئله نیز از مقتضیات این دوران محسوب می‌شود.

- فراتر از فرانوگرایی (Post - Post)

شهر همچون چشم‌انداز؛ نگرشی فراتر از فرانوگرایی به طراحی و برنامه‌ریزی شهری / تام ترنر / مترجم: دکتر فرشاد نوریان / شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری (وابسته به شهرداری تهران) / تهران ۴۶۲ / ۱۳۷۶ صفحه

تام ترنر، استاد بنام برنامه‌ریزی شهری دانشگاه گرتویچ بریتانیا - که این کتاب را در سال ۱۹۹۶ به رشته تحریر درآورده است - در معرفی خود می‌نویسد: «در سال ۱۹۶۸ خود را یک شهرساز معرفی می‌کردم؛ در سال ۱۹۷۸ به‌عنوان طراح منظر و در ۱۹۸۸ به‌عنوان برنامه‌ریز شهری و منظر. در حال حاضر معتقدم طراحی بدون برنامه‌ریزی و برنامه‌ریزی بدون طراحی ابلهانه است». وی در این کتاب از همین دیدگاه به‌نقد برنامه‌ریزی و طراحی شهر در گذشته پرداخته و بیان می‌کند که طراحی شهر تاکنون به‌صورتی منفک از جهان اطراف، افراد، جوامع و گروه‌های مختلف صورت می‌گرفته است. ترنر در این کتاب عصر جدیدی از شهرسازی را در افقها روشن می‌کند. او معتقد است از این پس به انواع شهرسازیها برای دستیابی به‌اهداف متنوع نیاز خواهد بود. به‌عبارت دیگر، در آینده، شهرسازی بیشتر فعالیت خواهد یافت اگر چه با کنترلی کمتر؛ زیرا شهر آینده مجموعه‌ای بی‌پایان از چشم‌اندازها خواهد بود. شهر آینده چشم‌اندازهای روانی و کالبدی، شهری و روستایی، پراکنده و متراکم را دربرمی‌گیرد. نقشه‌کشی و طراحی شهرها برحسب اهداف مختلف صورت خواهد گرفت، به‌گونه‌ای که نتایج را بتوان بر سیستم اطلاعات



شهری، زبان معماری و... نیز وارد می‌شود. کتاب، موضوع (GIS) را به‌عنوان ابزاری زیربنایی و اساسی در شهرسازی مطرح می‌کند، به‌گونه‌ای که شهرسازی بدون آن در دنیای امروز امکان‌پذیر نیست. این توجه ویژه نویسنده به توانایی‌های (GIS) - که در دو فصل به‌طور مفصل تشریح شده است - نیز می‌تواند محرکی برای ارائه راه‌حلهای امیدوارکننده برای آینده شهرسازی در ایران باشد.

این کتاب با همه غنای علمی‌اش دارای مستی ادیساله و شعرگونه است و برای غیر شهرسازان نیز مجذوب‌کننده خواهد بود.

**به سوی جهان شهرها (Cosmopolis):
برنامه‌ریزی برای شهرهای چند فرهنگی /
لئونی سندرکوک / انتشارات جان وایلی /
چاپ اول ۱۹۹۸ / ۲۵۸ صفحه**

این کتاب با رویکرد پسامدرنیستی (فرانوگرایانه) تدوین یافته است. لئونی سندرکوک، نویسنده کتاب، مانند بسیاری از متخصصان برنامه‌ریزی شهری معتقد است که عصر مدرنیستها (نوگرایان) به‌همراه رویاهای آنان در برنامه‌ریزی شهری، به پایان خود رسیده است و ما به دوره جدیدی از برنامه‌ریزی شهری وارد شده‌ایم که با دوره‌های قبل متفاوت است. سندرکوک با تأثیرپذیری از تئوری «پارادایم»‌های توماس کوهن، بحث تغییر پارادایمها را در برنامه‌ریزی شهری مطرح می‌کند و اظهار می‌نماید که جهان هم‌اکنون در حال گذر از مادرشهرها (Metropolis) به جهان‌شهرها یا شهرهای بین‌المللی است. از این‌رو، برنامه‌ریزان شهری به‌جای توجه به نیروهای اقتصادی جهانی‌شدن (Globalization) بایستی به نیروهای اجتماعی - فرهنگی این جریان توجه کنند. بنابراین، از این پس مباحثی چون سیاستهای جدید «تابعیت چندفرهنگی» دوره پسااستعمارگرایی، اقلیتها، هویت، مسائل چندقومی و چندزادگی در شهرها و عدالت اجتماعی، تمایزات، جامعه مدنی، سیاستهای جدید جنبشهای اجتماعی و... باید از سوی برنامه‌ریزان شهری در برنامه‌ریزی شهرها مدنظر قرارگیرد.

(modernism) چالشی برای مسلک التقاط‌گرایی متعلق به سلف خود یعنی فرانوگرایی است. مقام خرد همچنان والا خواهد ماند اما در جایی که خرد لنگ بزند، باید به ایمان رو آورد. فراتر از فرانوگرایی واکنشی است نسبت به پذیرش مطلق بی‌دوامی، از هم‌گسستگی، بریدگی و هرج‌ومرجی که توسط فرانوگرایی شکل گرفته است.

بنابراین، این کتاب دیدگاه فراتر از فرانوگرایی را تشریح می‌کند و برخی از مفاهیم منتج از جهان‌بینی‌های مختلف را در شهرسازی، معماری، پارکها و باغها مورد بررسی قرار می‌دهد و رویکردی را برای خود برگزیند که در آن شهرها می‌توانند همچون چشم‌اندازهای پنهانور یا تک تلقی و طراحی شوند. این تلقی می‌تواند مناطق طبیعی حفاظت شده و آثار باستانی را نیز شامل شود.

کتاب شهر همچون چشم‌انداز از ۲ بخش و نوزده فصل تشکیل شده است.

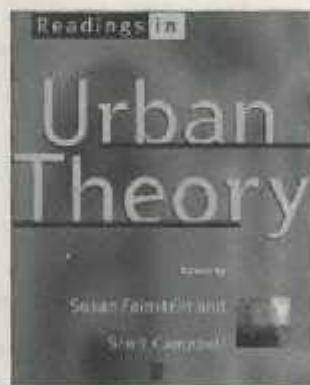
بخش اول - که نظریه‌های طراحی و پارکها را شامل می‌شود - بیشتر به طرح موضوعی روشهای طراحی و برنامه‌ریزی توجه کرده است. بخش دوم به اقدامات مربوط به شهرسازی، پژوهش و شناخت وضع موجود و برنامه‌های اجرایی پرداخته است.

مطالعه این کتاب، به دلایل ذیل، به‌همه متخصصان، کارشناسان و پژوهشگران معماری و شهرسازی، برنامه‌ریزی شهری، جامعه‌شناسی شهری، جغرافیا و همه رشته‌های مرتبط توصیه می‌شود:

۱- مطالب کتاب با آنچه در فرهنگ ایرانی و اسلامی به‌عنوان ارزش در شهرسازی محسوب می‌شود انطباق دارد و در نتیجه نسبت به آنچه در یکصد سال اخیر در معماری و شهرسازی ایران به‌وقوع پیوسته، می‌تواند در شهرهای ایران اسلامی قابل اجرا باشد.

۲- این کتاب به جنبه‌های گوناگون و متنوع معماری و شهرسازی پرداخته و به‌جای آنکه خود را به یک موضوع محدود سازد با دقت و ظرافت به مباحث محیط زیست، حمل‌ونقل و برنامه‌ریزی شهری، طراحی، برنامه‌ریزی و مدیریت تأسیسات و تجهیزات شهری، مدیریت





مطالب کتاب در سه بخش به شرح زیر تنظیم شده است:

بخش اول به موضوعات نظری می‌پردازد. در این بخش مواردی چون پایان یک پیش‌بینی: گاه شمار برنامه‌ریزی مدرنیته‌ها، بررسی و یازبینی تاریخ برنامه‌ریزی، تحقیقی در دانش برنامه‌ریزی و تمایزاتی که تئوریها می‌سازند (مباحثی در اهمیت نظریه‌ها و جایگاه نظریه‌پردازی در برنامه‌ریزی شهری و همچنین نقش تئوریهای برنامه‌ریزی شهری در تعمیق مسائل نژادی، قومی، هویتی، فرهنگی و... شهرها) مطرح و نقد شده‌اند.

زمینه‌ها و مسائل نظری تغییر پارادایم در برنامه‌ریزی شهری، موضوع بخش دوم کتاب است. در این بخش، نویسنده می‌کوشد فرآیندهای زمینه‌سازی و شکل‌گیری پارادایم جدید در برنامه‌ریزی شهری را نشان دهد.

بخش سوم که بخش اصلی کتاب محسوب می‌شود به اسکانات پسمادرن؛ شهر بین‌المللی و برنامه‌ریزی می‌پردازد. نویسنده در این بخش در دو فصل جداگانه به مطالبی چون به‌سوی شهرهای بین‌المللی: ناک‌جایاب پسمادرن و برنامه‌ریزی برای جهان شهرها؛ یک پارادایم جدید، پرداخته و متغیرها و عوامل دخیل در برنامه‌ریزی جدید شهری را به‌طور مبسوطه مورد بررسی قرار داده است.

مطالعاتی در نظریه‌های شهری / ویراستاران: سوزان فاین اشتاین و اسکات کمپل / انتشارات بیک‌ول انگلستان / تجدید چاپ ۱۹۹۷ / ۴۴۷ صفحه

این کتاب که شامل مجموعه مقالاتی در نظریه‌های توسعه شهری است، از یک مقدمه و چهار فصل و هر فصل از چند مقاله تشکیل شده است. در مقدمه، ویراستاران به مجموعه نظریه‌های توسعه شهری و الزامات آنها در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی پرداخته و سعی نموده‌اند با اتکالی به زمینه‌های سیاسی، جغرافیایی، اجتماعی و اقتصادی سیاست‌گذاری شهری در ایالات متحده و انگلستان، جوانب امر را در توسعه منطقه‌ای نشان دهند. در فصل اول نویسندگانی چون رابرت



فیشمن، سامیکنا سایشن، مانوئل کاستل، آن مارکوسن و سوزان فاین اشتاین به‌همراه افرادی چون بیترهال اسکات کمپل و سائینا ویتریک هفت مقاله در تغییرات نظام منطقه‌ای و شهری به‌نگارش درآورده‌اند.

نژاد و فقر در شهر، موضوع فصل دوم را تشکیل می‌دهد. در این فصل مقالات مضمرات واقعی (شهر)؛ نژاد، طبقه و بخشی‌شدن؛ گفتارهایی در مورد امریکایی‌های افریقایی تبار و به‌سوی تنوع نژادی بزرگتر در حومه‌های شهر به قلم متخصصانی چون ویلیام جولیس ویلسن، فرمن فاین اشتاین و دنیس کیتینگ نوشته شده است.

فصل سوم موضوعات مربوط به سیاستهای توسعه مجدد، مشارکتهای عمومی - اختصاصی و اعیان‌نشین‌سازی شهرها (Gentrification) را مورد توجه قرار داده و سه مقاله در زمینه‌های مختلف مشارکت، ساخت‌یابی مجدد فضای شهری و شهر به منزله یک ماشین رشد (Growth Machine) توسط نویسندگانی چون گریگوری اسکوتو، نل اسمیت و جان لوگان و هاروی مالاج مورد بررسی قرار گرفته است.

و سرانجام در فصل چهارم، مطالب مربوط به شهر و فرهنگ معاصر مطرح و نقد شده است. در این فصل، سه مقاله با عناوین «صدای سقوط؛ سرنوشت شهرهای ایالات متحده پس از جنگ [جهانی دوم]» از رابرت پورگارت، «در دیزنی‌لند می‌بیمت» از مایکل سورکین و «عدالت اجتماعی، پسمادرن و شهر» از دیوید هاروی آمده است.

عملکرد فصل عمران شهری (برنامه پنج‌ساله دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اطلاعات استانی و کل کشور (در سالهای ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵) / مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری وزارت کشور / چاپ اول ۱۳۷۷ / ۸۵ صفحه

این کتاب که از مجموعه گزارشهای منتشر شده از سوی مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری وزارت کشور تهیه شده، براساس داده‌های پرسشنامه‌هایی تکمیل شده است که از آغاز برنامه پنج‌ساله دوم به‌منظور ارزیابی مستمر

شاخصهای فصل عمران شهری، تحت عنوان «پرسشنامه ارزیابی فصل عمران شهری» تهیه و تنظیم شده و از طریق استانداریها جهت تکمیل اطلاعات به کلیه شهرداریهای کشور ارسال گردیده است.

این پرسشنامهها پس از تکمیل، از همان مجرا به مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری ارسال شد و توسط دو تن از کارشناسان آن مرکز (رخا حسن پور و اسماعیل صالحی) مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت و برای استفاده کارشناسان، سیاستگذاران و برنامه ریزان امور شهری به صورت کتاب تدوین و منتشر شد.

کتاب فوق، دارای مطالبی در زمینه شاخصهای توسعه شهری، تأسیسات حفاظتی، تأسیسات و تسهیلات شهری، فضای سبز شهری، مواد زاید جامد شهری، ماشین آلات جمع آوری و حمل، سیستم حمل و نقل عمومی، سیستمهای رایانه ای شهرداریها، سیستمهای ارتباطی مستقل اضطراری شهرها و خدمات آتش نشانی شهرها، به همراه ۲۷ جدول مقایسه است.

کتاب سبز «راهنمای شهرداریها» / احمد سعیدنیا / مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری وزارت کشور / چاپ اول ۱۳۷۷ / دوازده جلد، (جلد اول: شهرسازی) ۹۴ صفحه
این کتاب در قالب یک طرح پژوهشی تهیه شده است. مجری و کارفرمای آن، به ترتیب معاونت پژوهشی دانشگاه تهران و مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری وزارت کشور است. این کتاب با ۹۴ صفحه و ۲۰۰۰ شمارگان در سال ۱۳۷۷ به چاپ رسیده است. در مورد هدف نگارش کتاب، نویسنده در پیشگفتار چنین می نویسد:

«هدف از نگارش این کتاب تهیه دستورالعمل و یا کتابی درسی نیست، بلکه هدف اصلی آن طرح دیدگاهها و موضوعات برنامه ریزی، طرح ریزی و مدیریت شهری، با توجه به نیازهای واقعی شهرداران کشور است. توالی فصلها و قسمتهای مختلف کتاب به گونه ای تعیین شده که در صورت مطالعه سیستماتیک، به استفاده کنندگان کمک کند تا به تدریج از

مسائل عام و کلی شهرسازی، با مسائل خاص و عملی شهری آشنا شوند».

جلد نخست این کتاب - که به موضوع شهرسازی پرداخته - در چهار فصل تنظیم شده است.

فصل اول به شناخت جریانها و عوامل مؤثر در شهر و شهرسازی پرداخته است. فصل دوم به مفهوم و لزوم برنامه ریزی و مقیاس آن در سه قالب برنامه ریزی استراتژیکی، تاکتیکی و عملیاتی اشاره کرده است و فصل سوم، ضمن معرفی برنامه ریزی شهری، مفاهیم پایه مورد استفاده آنرا (مانند انعطاف پذیری امکانات فضا، قابلیت دسترسی، مقصد مطلوب، وضعیت طبیعی و حریم انسانی) مورد بررسی قرار داده است. در فصل پایانی نیز مفهوم کاربرد و مؤلفه های مؤثر طراحی شهری مورد بررسی قرار گرفته است.

یازده مجلد دیگر مجموعه کتاب سبز با عنوانهای ذیل در دست انتشار است:

جلد ۲ (کاربری زمین شهری): جلد ۳ (حمل و نقل شهری): جلد ۴ (اقلام مراکز شهری و فضای مسکونی): جلد ۵ (طرحهای شهری): جلد ۶ (ساخت و سازهای شهری): جلد ۷ (سواد زاید جامد شهری): جلد ۸ (تأسیسات خدمات شهری): جلد ۹ (فضای سبز شهری): جلد ۱۰ (فضاهای فرهنگی، ورزشی و تفریحی): جلد ۱۱ (مدیریت شهری و شهرداریها). جلد ۱۲ (تجهیزات و انانیه فضای شهری) ♦



با مخاطب

این صفحه به‌گزیده آن دسته از مقالات، نامه‌ها و اظهارنظرهای مخاطبان محترم مجله اختصاص دارد که مطالب ارسالی آنها به‌دلیل حجم زیاد نوع موضوع و... در بخشهای دیگر قابل درج نیست. لذا ضمن تشکر از همه عزیزانی که برای ما مطلبی ارسال نموده‌اند، از سایر خوانندگان نیز تقاضا داریم ما را در این زمینه یاری فرمایند.

پروفسور علمی پژوهشی

چند پیشنهاد برای توسعه شهر شوش: مرادعلی واهی/کارشناس شهرداری شوش

- آقای واهی در زمینه توسعه همجانبه شهر شوش، مطلبی ارسال نموده‌اند که گزیده‌ای از پیشنهادهای ایشان، پیش روی شماست:
- ۱- تلاش برای جذب جهانگردان و زائران برای دیدن آثار تاریخی و مذهبی شهر، از جمله حرم دانیال نبی(ع)، کاخ آبادانا، آکرویل، قلعه شوش و... از طریق تبلیغات داخلی و خارجی
 - ۲- اجرای طرح بهسازی محوطه‌های باستانی و مرمت آثار تاریخی
 - ۳- گسترش فضاهای خدماتی برای پاسخگویی به نیازهای شهروندان و جهانگردان
 - ۴- پیوند فرهنگی با یکی از شهرهای باستانی جهان به صورت خواهرخواندگی
 - ۵- تلاش برای جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی
 - ۶- اجرای طرح فاضلاب
 - ۷- فعال نمودن میلان میوه و تره‌بار
 - ۸- ترویج صنایع دستی
 - ۹- تأمین منابع درآمدی جدید برای شهرداریها به‌منظور اجرای طرحهای فوق
 - ۱۰- آموزش عمومی در زمینه برخورد مناسب با جهانگردان

اهمیت تسهیلات بهداشتی، رفاهی و حفاظتی کارگران جمع‌آوری زباله:

فرامرز قلی‌زاده/کارشناس بهداشت و ایمنی مرکز بهداشت کار شهرداری تهران

آقای قلی‌زاده عواملی را که موجب تشدید مشکلات بهداشتی در بین کارگران می‌گردد گوشزد نموده‌اند و راهحلهایی نیز ارائه داده‌اند:

- ۱- لباس و تجهیزات حفاظتی و بهداشتی کافی و مناسب
با توجه به آلودگی محیط کار و خطرهای گوناگون، استفاده از کلاه ایمنی، عینک حفاظتی، ماسک تنفسی، دستکش حفاظتی، لباس کار مناسب و کفش ایمنی ضروری است و پس از فرسوده‌شدن باید به‌سرعت تعویض و یا جایگزین گردند.

۲- استحمام کارگران

از آنجا که کارگران فاقد وسایل حفاظتی کامل و مناسباند، به سرعت آلوده می‌شوند؛ لذا استحمام، بلافاصله پس از فراغت از کار، جزء اصولی‌ترین و بدیهی‌ترین مسائل بهداشتی و حفاظتی است. این امر از دو جنبه حائز اهمیت است: نخست برای جلوگیری از بیماری خود کارگران و رعایت بهداشت فردی آنان و دیگر اینکه از انتقال عوامل میکروبی و شیمیایی به خانواده و جامعه، جلوگیری شود.

۳- شستشو و نظافت لباس و تجهیزات

داشتن فقط یک دست وسایل حفاظتی و بهداشتی و لباس کار از یک‌سو (ممکن است پس از شستشو، به‌موقع خشک و آماده نشوند) و نداشتن امکانات و وسایل ویژه (پودر لباسشویی، ماشین لباسشویی، خشک‌کن و...) از سوی دیگر، موجب شده است که کارگران رغبتی به شستشوی وسایل شخصی خود نداشته باشند و از آنها، بدون توجه به مسائل بهداشتی، تا مستعمل شدنشان استفاده نمایند.

۴- آسایشگاه مناسب

با توجه به اینکه تعداد زیادی از کارگران این بخش، افراد غیربومی و مهاجر هستند؛ در محل اسکان آنان اصول بهداشتی و ایمنی کمتر رعایت شده است. برای بسیاری از این کارگران زحمتکش و پرتلاش، فقط به یک چادر یا چهاردیواری، یا سقفی نامطمئن، در محلی بسیار کثیف، بسنده شده و در مواردی حتی لوله‌کشی آب، دوش، توالت مناسب و بهداشتی نیز درج شده است.

۵- تغذیه نامناسب

با توجه به مهاجرت و بی‌ساری از کارگران و عدم آشنایی آنان با آشپزی و پخت‌وپز، وضعیت تأمین کالری و غذای مورد نیاز آنان معمولاً نامناسب است. از این گذشته، تهیه غذا با وسایل ابتدایی، آن هم در مجاورت وسایل و البسه آلوده، بدون دسترسی راحت به آب لوله‌کشی سالم، موجب شده است غذای تهیه‌شده، دارای انواع آلودگی اولیه و ثانویه (در طول خرید، تهیه، طبخ، نگهداری، حمل و نقل، توزیع و مصرف) نیز باشد.

۶- امکانات رفاهی

نبودن امکانات رفاهی مانند کم‌رختکن، تختخواب، رختخواب مناسب و تمیز، وسیله گرم‌کننده و خنک‌کننده و بسیاری موارد اولیه دیگر.

۷- شرایط خاص عاطفی و آسایش روانی

این شرایط، به‌دلیل دوری از خانواده و نداشتن پایگاه صحیح اجتماعی به‌وجود آمده است.

۸- معاینات پزشکی مناسب و مستمر

الف - از جنبه نداشتن بیماری مسری اولیه کارگران مهاجر و غیربومی، باعث شیوع بسیاری از بیماریهای منطقه‌ای خود (آندمیک) در سطح شهر شده‌اند.

ب - شناسایی افراد بیمار و آلوده، به‌منظور قرنطینه آنان تا درمان قطعی.

ج - شناسایی آن دسته از کارگرانی که توانایی و تناسب لازم را با کار مجزوله ندارند. این امر مهم با توجه به اینکه کار خدمات شهری، کارهای سخت و زیان‌آور را نیز شامل می‌شود، حائز اهمیت است.

○ ABSTRACTS

A Talk about the Concept of Municipality

By: Navid Saidi Rezvani

Town management is one of the most important intermediate institutions between an individual and his/her government.

In most countries-including Islamic Republic of Iran-municipalities are responsible for town management, neglecting how the local management is organized or which approach(es) is (are) considered effective in this respect.

"Municipality" is derived from the Latin "municipum", meaning the inhabitants in a place (location) who

are to achieve common wealth.

According to the dominant specifications of municipalities in modern world, they are considered independently local selected organizations which deliver services, making use of legal resources and facilities.

Municipality, as the central score of the town management, is responsible for guiding, controlling, and gaining others' participations to achieve appropriate town management.

An Introduction to the Basic Laws of the State Islamic Councils

By: Kambiz Nowrouzi

As the Constitution of Islamic Republic of Iran states, national administration is based on national ideas. According to the constitution, state Islamic councils, as government foundations, are directly selected by the public, and they are considered the means (tools) of sovereignty. Islamic councils organization is independent of the three powers (judiciary, legislative and executive powers). These public organizations should be considered as

non-governmental organizations. According to the law, no one can be considered as another's successor, unless he/she enjoys the same qualifications. Councils act as independent non-governmental characters. In case of succession for ministry of State, the government adopts the general management of the municipality inspite of a non-governmental institution which contradicts the Constitution and legal regulations.



همایش سراسری اعضای شوراهای اسلامی کشور - دوم خرداد ۱۳۷۸

عصر از سپهر تصویرنگاری، تهران، شماره ۱۰۰، زمستان ۱۳۷۸

Shahrdarika

